



مجموعه ای که پیش روی شما است تحلیل برخی رویداد های مهم است که محور های آن در نشست های هم اندیشی سیاسی با حضور نخبگان و صاحب نظران این عرصه تعیین و توسط کارشناسان مسائل روز تدوین و نگارش می گردد.

تلاش نویسندگان و تحلیل گران بر این است که مطالب ارائه شده نزدیک ترین تحلیل به دیدگاه های مقام معظم رهبری مدظله العالی باشد و مورد توجه و استفاده سخنرانان برای طرح در مناظر قرار گیرد. خوشحال خواهیم شد نظرات و پیشنهادات اصلاحی را برای تکمیل این مجموعه ارسال نمایید.

معاونت فرهنگی هیأت رزمندگان اسلام



هیأت رزمندگان اسلام

تلفن : ۸۸۹۶۰۴۳۰

نمابر : ۸۹۷۸۰۳۱۳

پست الکترونیک : info@eheyat.com

شماره پیامک : ۶۶۰۰۰۹۹۷۵۵



تحليل ودراسه

با آثار و مقالاتی از:

دکتر سعد الله زارعی

دکتر عبدالله گنجی

دکتر یدالله جوانی

دکتر رسول سنایی راد

عباس حاجی نجاری

رضا داوری

دکتر علیرضا معاف

دکتر عبدالله گنجی

۴ تا ۱۵

چشم‌انداز مجلس یازدهم؛ بیم‌ها و امیدها

دکتر سعد الله زارعی

۱۶ تا ۲۵

چشم‌انداز روابط راهبردی ایران و عراق در دولت
کاظمی در ابعاد سیاسی، امنیتی و اقتصادی

دکتر یدالله جوانی

۲۶ تا ۳۷

پایان عصر آمریکا و بررسی کارآمدی ایران و غرب
در بحران کرونا

رضا داوری

۳۸ تا ۵۳

بررسی نقش امامین انقلاب در ارتقاء جایگاه
نظام اسلامی

عباس حاجی نجاری

۵۴ تا ۶۵

الزامات تحقق شعار سال و تأثیر آن در تقویت
اقتدار ملی

دکتر رسول سنایی راد

۶۶ تا ۷۵

قوی شدن؛ هم‌استراتژی هم‌هدف

دکتر علیرضا معاف

۷۶ تا ۹۰

راه حل مشکلات کشور: دولت جوان و حزب الهی
تبیین ضرورت با تمرکز بر آیه ۲۴۷ سوره مبارکه بقره

تَحْلِيلُ الْوَسَائِلِ

دکتر عبدالله کنجی

چشم انداز مجلس یازدهم؛ بیم ها و امیدها

وضعیت اقتصادی کشور در سال‌های اخیر از یک سو و پیروزی منتقدان وضع موجود از سوی دیگر توقع اجتماعی از مجلس یازدهم را به صورت زایدالوصفی ارتقا داده است. مردم منتظر هستند تا ببینند منتقدان وضع موجود، چه برنامه ایجابی ارائه خواهند کرد. نسخه شفاف‌بخش آنان برای باز کردن گره‌های موجود چیست؟ برای این مهم باید چشم‌انداز یک سال اول مجلس را با بعد از آن متفاوت دید. برای یک سال آینده برنامه کشور بسته شده است و دولت نیز با کسری بودجه جدی مواجه است. علاوه بر آن، عدم فروش نفت، اقتصاد کرونایی، اختلال در صادرات و واردات، اخذ مالیات را نیز با مشکل مواجه کرده است. بنابراین هر طرحی که در مجلس تصویب و واجد تولید هزینه باشد، توسط شورای نگهبان رد خواهد شد. بنابراین همه برنامه‌های ایجابی باید برای ۱۴۰۰ به بعد و متناسب با هویت دولت بعدی طراحی شود. عمده کارآمدی مجلس در یکسال اول می‌تواند بر «تولید منابع» متمرکز شود که می‌توان با مالیات بر خانه‌های خالی، اخذ مالیات از ۶۰ درصد اقتصادی که مالیات نمی‌پردازد و مبارزه با قاچاق کالا صورت گیرد و منابع آن به عنوان کسری بودجه ۱۳۹۹ استفاده شود.

واژگان کلیدی: مجلس، دولت، کارآمدی

مجلس در نظام جمهوری اسلامی در چارچوب «نظام ریاستی» تعریف می‌شود. بدین معنا که دولت و رئیس دولت زائیده مجلس نیستند. به همین دلیل ممکن است مجلس و دولت همسو یا ناهمسو باشند، به همین دلیل ممکن است لوایح دولت در مجلس رد شود یا طرح‌های مجلس به مذاق دولت خوش نیاید. به همین دلیل ذهنیت اولیه اجتماعی این بود که بین دولت مستقر و مجلس، تنش‌های جدی رخ خواهد داد و ممکن است دولت ریل‌گذاری مجلس برای ایشان را نپذیرد و نظارت‌ها در شرایط خاص امروز کشور موجب



همه عوامل دست به دست هم داد تا برای اولین بار پس از انقلاب اسلامی مشارکت عمومی به زیر ۵۰ درصد تنزل کند. در عین حال رأی جریان پیروز انتخابات در شهری مثل تهران نسبت به چهار سال پیش و حتی هشت سال پیش رشد داشت.

تحلیل‌آورهای

۶

خرداد ماه ۱۳۹۹
هیأت‌رئیس‌مجلس

انرژی‌سوزی و تنش‌های بی‌حاصل شود، اما گویی مجلس متوجه این مهم شده است که باید میدان کار را محور تفاهم و عدم منازعه با دولت قرار دهد و از تنش‌های بی‌حاصل در مقابل چشم ملت پرهیز کند. به نظر می‌رسد مجلس جدید و خصوصاً رئیس آن دارای ایده‌هایی هستند که کم‌کم رخ‌نمایی خواهد کرد. بنابراین مجلس فعلی می‌تواند امید را به ملت بازگرداند یا در نقطه مقابل، نیروهای جبهه انقلاب را از استمرار در قدرت در ۱۴۰۰ و بعد از آن باز دارد. هر یک از دو حالت بستگی به ایده‌ها، خلاقیت‌ها و گره‌گشایی‌های مجلس یازدهم دارد.

شرایط تولد مجلس یازدهم

درک زمینه‌های اجتماعی-اقتصادی شکل‌گیری مجلس یازدهم برای ترسیم چشم‌انداز چهار ساله آن بسیار مهم است. زمانی این مجلس متولد شد که برجام به فرجام بی‌سرجامی رسیده است. رکود، تورم، بیکاری، تجمعات صنفی-کارگری، مشکلات ارزی و کاهش منابع درآمدی دولت کاملاً مشهود است. مجلس دهم به دلایل متعدد از جمله هم‌اوردی جناحی و هم‌وزن بودن دو جناح سیاسی کشور قدرت اتخاذ تصمیمات قاطع را نداشت. ضعیف بودن نمایندگان تهران-نسبت به مجالس قبلی-نیز علت مضاعفی بود که مجلس فاقد موتور مولد بود. بنابراین زمانی مجلس یازدهم شکل گرفت که باور عمومی به ضعیف بودن مجلس دهم ذهنیت اجتماعی را سامان داده بود. اصلاح‌طلبان که نه در دولت و نه در مجلس فاقد کارنامه قابل قبول بودند، نسبت به مؤثر بودن در انتخابات مجلس یازدهم دچار تردید شدند. دوگانگی آنها باعث شد بخشی به «تحریم مدرن» روی آورند و از گسیل نخبگان به بهانه رد صلاحیت احتمالی خودداری کنند. خاتمی دیگر «تکرار» نکند و بخشی از آنها هم که وارد میدان شدند، نفر اولشان نتوانست ۷۰ هزار رأی مردم تهران را جلب کند. بنابراین اصلاح‌طلبان نه حرفی برای گفتن و نه انگیزه‌ای برای ورود داشتند. دو روز قبل از دوم اسفند-روز انتخابات-ورود کرونا به کشور نیز رسماً اعلام شد و همه عوامل دست به دست هم داد تا برای اولین بار پس از انقلاب اسلامی مشارکت عمومی به زیر ۵۰ درصد تنزل کند. در عین حال رأی جریان پیروز انتخابات در شهری مثل تهران نسبت به چهار سال پیش و حتی هشت سال پیش رشد داشت. بنابراین پایگاه رأی جریان پیروز آسیب ندیده بود، اما پایگاه رأی جریان اصلاحات رغبتی برای حضور سر صندوق نداشتند که علت آن قبلاً آورده شد. اکنون شرایط برای منتخبان مجلس یازدهم بسیار سخت شده است، به تعبیر قالیباف مجلس یازدهم مانند شب عاشورای انقلاب اسلامی است



اکنون شرایط برای
منتخبان مجلس
یازدهم بسیار سخت
شده است، به تعبیر
قالیباف مجلس یازدهم
مانند شب عاشورای
انقلاب اسلامی است
و سرنوشت ساز است.
عملکرد و توان این
مجلس می تواند جهت
این سرنوشت را روشن
کند. منتخبان نیز با
سوار شدن بر مشکلات
کشور توقعات را بالا
برده و خود را در آزمون
سختی قرار داده اند.

تحلیل و ارزیابی

۷

خرداد ماه ۱۳۹۹
هیأت رزمندگان اسلام

و سرنوشت ساز است. عملکرد و توان این مجلس می تواند جهت این سرنوشت را روشن کند. منتخبان نیز با سوار شدن بر مشکلات کشور توقعات را بالا برده و خود را در آزمون سختی قرار داده اند. چشم های ملت، مخالفان، اپوزیسیون و قدرت های معارض غربی به چگونگی عملکرد این مجلس دوخته شده است که در میدان عمل چگونه خواهد بود و طعم عملکرد آنان چگونه ذائقه مردم را تحریک خواهد کرد. شعارهای آنان چگونه به عمل تبدیل خواهد شد و امید را چگونه محقق خواهند نمود؟

نقشه راه مجلس یازدهم چیست؟

رئیس مجلس جدید در اولین نطق رسمی خود اعلام کرد که سخنان رهبر انقلاب در بیانیه افتتاحیه مجلس یازدهم نقشه راه این مجلس خواهد بود. در بیانیه رهبری جهت گیری اساسی مجلس با توجه به شرایط امروز کشور دو اولویت اقتصاد و فرهنگ ذکر شده است. توجه به ضعف و پرهیز از حواشی از دیگر تذکرات رهبری به این مجلس بود. بنابراین حوادث دی ماه ۱۳۹۸ و آبان ۱۳۹۸ روشن می کند که توجه به فرودستان اقتصادی دغدغه رهبری است که به مطالبه وی از مجلس یازدهم تبدیل شده است. سلامت فرهنگی کشور و داشتن طرح ها و ایده های سلیبی و ایجابی برای اقدامات فرهنگی توقع رهبری از مجلس است. توجه ویژه به اقتصاد و به تبع آن به میدان آوردن اقتصاد مقاومتی، مطالبه اصلی رهبری از مجلس است. بنابراین مطالبه رهبری و مطالبه اجتماعی بر یک نقطه یعنی اقتصاد تلاقی و رسالت مجلس را دو چندان کرده است. حال سؤال این است که در شرایط تحریم و کمبود منابع از یک سو و ناهمسو بودن مجلس و دولت از سوی دیگر می توان این مهم را محقق کرد؟

چشم انداز یکساله مجلس یازدهم

مجلس یازدهم را باید در دو فرجه زمانی تقسیم کرد؛ یکسال اول با سه سال بعد شرایط مجلس می تواند متفاوت از هم باشد. در یک سال اول، بودجه کشور بسته شده است. منابع کشور بسیار محدود است (کرونا- تحریم) و دولت روحانی در کشور مستقر است. بنابراین مجلس برای اقدامات رفاهی قدرت مانور ندارد و شورای نگهبان اجازه تصویب طرح های هزینه زا را به آن نخواهد داد. بنابراین عمده فعالیت مجلس - که مردم نیز منتظر آن هستند - تولید منابع برای کشور

چشم انداز ۳ سال آخر مجلس یازدهم:

تغییر دوم، در سه سال آخر مجلس یازدهم شاکله دولت سیزدهم است. همسویی یا ناهمسویی دولت بعدی بر تصمیمات مجلس اثر مستقیم دارد. طبیعتاً یک دولت همسو می‌تواند تنش‌ها و سایش‌های سیاسی را کم کند و هم‌افزایی دوقوه‌کار را به



حوادث دی ماه ۱۳۹۸
و آبان ۱۳۹۸ روشن
می کند که توجه به
فرودستان اقتصادی
دغدغه رهبری است
که به مطالبه وی از
مجلس یازدهم تبدیل
شده است. سلامت
فرهنگی کشور و
داشتن طرح ها و
ایده های سبلی و
ایجابی برای اقدامات
فرهنگی توقع رهبری
از مجلس است.

تحلیل و گزارش

۹

خرداد ماه ۱۳۹۹
هیأت‌رئیس‌مجلس

نحوه سریع‌تری پیش ببرد. یکی بودن اولویت‌های مجلس و دولت ظرفیت ذی‌قیمتی را برای کشور تولید خواهد کرد و اثرات آن به سرعت ملموس خواهد شد. دولت و مجلس می‌توانند کار گروه‌های مشترکی در عرصه اقتصاد، اجتماع، سیاست خارجی، تحریم و... ایجاد کنند و مباحث را به وحدت نظر برسانند و اجرا کنند. در این صورت مردم نیز فضای دو قوه را فضای کار و تلاش خواهند دید و سرمایه اجتماعی نیروهای انقلاب و نظام افزایش خواهد یافت، اما اگر دولت همسو نباشد، مجلس رویه دیگری خواهد داشت. مانور مجلس بیشتر در اصلاح بندها و اولویت‌های بودجه خواهد بود که می‌تواند تنش‌ها را رشد دهد. در عین حال مجلس سیستم نظارتی خود را فعال‌تر می‌کند و ابزار استیضاح بیشتر خودنمایی خواهد کرد. کمیسیون اصل ۹۰ مجلس فعال‌تر خواهد شد و مجلس از ظرفیت‌های قانونی خود برای تنظیم دولت استفاده خواهد کرد. بیش از ۲۴۰ نماینده همسو، قدرت زیادی برای مجلس ایجاد کرده است و می‌تواند هر طرحی را بدون تزلزل پیش ببرد. اینکه انتخابات ۱۴۰۰ چه خواهد شد باید صبر کرد، اما هم مجلس و هم دولت می‌دانند که عملکرد یک ساله مجلس برای انتخاب رئیس‌جمهور سیزدهم تعیین‌کننده خواهد بود و یک مجلس هوشمند می‌تواند ریل حرکت خود را با هدف نتیجه‌گیری در ۱۴۰۰ تنظیم کند.

چشم‌انداز درونی مجلس یازدهم

اقلیت مجلس یازدهم از جهت کمیت بسیار ضعیف است و نمی‌تواند هیچ‌گونه خللی در روند مجلس و تصمیمات آن ایجاد کند، اما می‌توان پیش‌بینی کرد برخی از اعضای موسوم به جبهه پایداری در تنش با هیئت رئیسه و خصوصاً شخص رئیس مجلس روندی را شکل دهند که بخشی از اصولگرایان در مجلس قبلی با علی لاریجانی طی کردند. دنبال کردن مسائل و تصمیمات با سوءظن، زنده کردن خرده‌جریان‌ها و خرده‌گفتمان در درون مجلس می‌تواند طبیعی باشد، خصوصاً وقتی جناح مقابل در مجلس فاقد قدرت تعیین‌کننده است، اختلافات درونی می‌شود و عنصر انسجام‌بخش اکثریت از بین می‌رود. تذکرهای پی‌درپی در صحن مجلس، متهم‌سازی به عدول از آیین‌نامه‌های داخلی، متهم کردن رئیس مجلس به تصمیمات فراقانونی و... را می‌توان از هم‌اکنون پیش‌بینی کرد. برخی از نمایندگان از هم‌اکنون حضوری پررنگ در فضای مجازی و خصوصاً



در سه سال آخر مجلس یازدهم شاکله دولت سیزدهم است. همسویی یا ناهمسویی دولت بعدی بر تصمیمات مجلس اثر مستقیم دارد. طبیعتاً یک دولت همسومی تواند تنش‌ها و سایش‌های سیاسی را کم کند و هم‌افزایی دو قوه کار را به نحو سریع‌تری پیش ببرد.

تحلیل ژورنالی

۱۰

خرداد ماه ۱۳۹۶
هیأت‌رئیسندگان اسلام



تصویری که از فراکسیون امید مجلس دهم ارائه شد، ضعیف و فاقد دفاع بود، به همین دلیل بخشی از اصلاح‌طلبان که خود را «اصلاح‌طلب» می‌دانند از ارائه لیست خودداری کردند.

تویتر دارند و هر گونه ناراحتی یا بحث و مناقشه را سریعاً به آنجا منتقل خواهند کرد. غلبه عواطف منفی و مثبت در این مجلس زمینه برجسته‌تری نسبت به مجالس قبل دارد و اگر هوشمندانه مراقبت نشود جنبه سلبی تربیون مجلس بر وجه ایجابی آن خواهد چرخید. جریان اصلاحات و رسانه‌های آن نیز با ضریب حداکثری به این سوژه‌های تولیدی خواهند پرداخت و ممکن است تصویری غیر واقعی به جامعه منتقل کنند. اگر نمایندگان اکثریت مجلس هوشمندی موجود در انتخابات هیئت رئیسه را همیشه آویزه گوش خود کنند، می‌توانند بهتر به پیش بروند، اما اگر نمایندگان به صورت فردی دچار خطا و اشتباه شوند علیه کلیت مجلس از آن بهره برده خواهد شد. به طور مثال وقتی نماینده رفسنجان از ختم قرآن در مجلس سخن می‌گوید با آن علیه کلیت مجلس تصویر سازی می‌شود یا نماینده فلان شهر در مدح رئیس مجلس شعر می‌خواند کلیت مجلس به سخره گرفته می‌شود. تصویر این مجلس فقط باید تصویر کار، عدالت و توجه به فرودستان باشد. هر گونه اقدام شعاری، سلبی و سطحی‌گرایی می‌تواند ضربات جبران‌ناپذیری بر پیکره نیروهای انقلاب اسلامی در ادوار بعدی انتخاب دولت‌ها و مجلس‌ها وارد کند.

اصلاح‌طلبان و مجلس یازدهم:

تصویری که از فراکسیون امید مجلس دهم ارائه شد، ضعیف و فاقد دفاع بود، به همین دلیل بخشی از اصلاح‌طلبان که خود را «اصلاح‌طلب ناب» می‌دانند از ارائه لیست خودداری کردند. خاتمی نیز برای مجلس یازدهم خود را هزینه نکرد. اصلاح‌طلبان متوجه بی‌رغبتی حامیان خود شدند و حاضر به ریسک باخت نشدند تا هم مشارکت پایین را بر سر نظام بکوبند و هم علت عدم مشارکت را عدم تأیید کاندیداهای خود بدانند، اما لیست اصلاحات با محوریت حزب کارگزاران سازندگی بیرون آمد، ولی معروف‌ترین این لیست یعنی مجید انصاری نتوانست ۷۰ هزار رأی در تهران را به خود اختصاص دهد. این در حالی است که نفر اول لیست اصولگرایان در اسفندماه ۱۳۹۴ بیش از یک میلیون (حداد عادل) رأی را به خود اختصاص داد. در انتخابات مجلس یازدهم تقریباً پایگاه سنتی اصلاح‌طلبان به میدان نیامد که می‌توان آن را به قابل دفاع نبودن عملکرد مجلس دهم و دولت دوازدهم ارجاع داد. حال اصلاح‌طلبان در صدد هستند که چگونه مجلس برآمده از رأی پایگاه اصولگرایان را هجو و تقلیل دهند. برای این مهم راهبردهای متفاوتی را طراحی و به صحنه سیاسی و رسانه‌ای کشور آورده‌اند که می‌توان عمده‌ترین این راهبردها را به شرح ذیل دسته‌بندی کرد:

“

عملکرد یک ساله
مجلس برای انتخاب
رئیس‌جمهور سیزدهم
تعیین‌کننده خواهد
بود و یک مجلس
هوشمند می‌تواند ریل
حرکت خود را با هدف
نتیجه‌گیری در ۱۴۰۰
تنظیم کند.

تحلیل‌های ۳۲

۱۱

خرداد ماه ۱۳۹۹
هیأت‌رئیس‌مجلس

“

تصویر این مجلس فقط
باید تصویر کار، عدالت
و توجه به فرودستان
باشد. هر گونه اقدام
شعاری، سلبی و
سطحی‌گرایی می‌تواند
ضربات جبران‌ناپذیری
بر پیکره نیروهای
انقلاب اسلامی در ادوار
بعدی انتخاب دولت‌ها و
مجلس‌ها وارد کند.

۱- تلاش می‌کنند متأثر از مشارکت ۴۲ درصدی کشور و ۲۵ درصدی تهران جریان پیروز را نمایندگان اکثریت ملت ندانند. حال آنکه رأی اصولگرایان در تهران از سال ۱۳۹۰ و ۱۳۹۴ در تهران بیشتر است و پایگاه رأی آنان تنزل نکرده است، اما بازی با درصدها بخشی از راهبرد آنان است.

۲- بی‌خاصیت دانستن مجلس راهبرد دیگر آنان است. منع مجلس از ورود به ماجرای بنزین، آن هم به دلیل اینکه ریاست مجلس در جلسه سران قوا و تصویب قیمت بنزین حضور داشته و همچنین عدم استیضاح وزیر کشور در مجلس دو دستگیره‌ای بود که امثال علی مطهری، محمود صادقی، فاطمه سلحشوری و برخی اصلاح‌طلبان خارج قدرت به عنوان کدهایی از بی‌خاصیت بودن مجلس در دست گرفتند و تلاش کردند انتخاب‌شوندگان را بی‌خاصیت و انتخاب‌کنندگان را به عنوان شرکت در یک انتخابات بی‌فایده از مشارکت منصرف کنند. عملکرد مجلس یازدهم و تأثیرگذاری آن در حل مشکلات مردم می‌تواند این راهبرد را بی‌خاصیت و از حیز انتفاع خارج کند.

۳- بالا بردن توقعات از مجلس راهبرد دیگر اصلاح‌طلبان است. البته برخی از رأی‌آوردندگان نیز در بالا بردن توقعات اجتماعی مؤثر هستند و بدون اینکه نتیجه توثیقات، مصاحبه‌ها و مواضع خود را بدانند همان مسیر اصلاح‌طلبان را می‌روند. بالا بردن توقعات از مجلس از آن رو آسیب‌رسان و ضربه‌زننده است که به خاطر کرونا و تحریم - خصوصاً عدم فروش نفت - مجلس قدرت مانور کمتری برای حل مسائل اقتصادی دارد. به همین دلیل سخنان بی‌حساب و کتاب یک نماینده سوژه‌ای برای بالا بردن توقعات محسوب می‌شود. علت دیگر بالا بردن توقعات از مجلس ناکام گذاشتن اصولگرایان در انتخابات ۱۴۰۰ ریاست‌جمهوری است. بالا بردن مطالبات و عدم تحقق آن می‌تواند در انتخابات ۱۴۰۰ مؤثر باشد. بنابراین طرح توقعات خارج از توان مجلس یا توان مالی کشور می‌تواند پاشنه آشیل مجلس خصوصاً در یک سال اول آن باشد.

۴- ارائه تصویری از مجلس که در آن تصویر جنگ قدرت برای تصاحب هیئت رئیسه و کمیسیون وجود دارد، راهبرد دو ماهه اصلاح‌طلبان در بهار ۱۳۹۹ بود. هر روز یک اصولگرا مانند میرسلیم، فریدون عباسی یا شمس‌الدین حسینی و دیگران را به رسانه می‌بردند و به عنوان رقیب قالیباف چهره‌سازی



شعارها، اسناد و مدعیات این است که مجلس یازدهم جوان‌گرا (۶۰ نفر زیر ۴۵ سال)، متخصص و باتجربه (۴۰ وزیر و استاندار) است که خود را قوی می‌داند. طبیعتاً قوی بودن به حرف‌های تند و تریبون‌داری نیست، به سخنان سلیبی و انتقادی نیز نیست.

تحلیل و ارزیابی

۱۲

خرداد ماه ۱۳۹۹
هیأت‌رئیس‌مذکران اسلام



مردم مجلس قوی را باید در ریل‌گذاری برای دولت و تأثیرگذاری در زندگی خود ببینند.

می‌کردند. بعضاً ۱۰ تصویر رئیس مجلس را عکس یک روزنامه یا سایت می‌کردند و کنایه به قالبیاف و دیگران را بر جسته می‌کردند. کلیدواژه «احمدی‌نژادهای مجلس» را به عنوان جریان مختل‌کننده مفهوم‌سازی می‌کردند تا بتوانند تنش را افزایش دهند، اما در روز انتخاب هیئت رئیسه و کمیسیون خوشبختانه هیچ صدای ناسازگاری از مجلس بیرون نیامد و امثال میرسلیم نیز با ۱۲ رأی ضربه سیاسی به خود و حزب مؤتلفه اسلامی وارد کردند. اصلاح‌طلبان قالبیاف را ترجیح می‌دادند، اما علاوه بر ارائه چهره جنگی از مجلس تلاش کردند ایشان با رأی ضعیف (مثلاً زیر ۱۸۰ رأی) رئیس مجلس شود که از اقتدار و پشتوانه لازم بر خوردار نباشد، اما اعتماد ۲۳۰ نماینده از ۲۷۶ نماینده حاضر (آن هم در زمانی که ۱۱ حوزه هنوز انتخابات دور دوم را برگزار نکرده‌اند و دو نماینده فوت شده‌اند و یک نفر هم فاقد صلاحیت تحصیلی شناخته شده است) رأی کم‌نظیری محسوب می‌شود که نشان می‌دهد اکثریت اصولگرایان مجلس به جنگ روانی طرف مقابل توجه دارند و می‌توانند آن را خنثی کنند.

۵- مجلس هراسی در سیاست خارجی راهبرد دیگری است که در دستور کار می‌باشد. آنان که اقتصاد کشور را به سیاست خارجی گره زده‌اند و ادراک سازی اجتماعی در این خصوص انجام داده‌اند که حل مسائل کشور منوط به مذاکره با امریکا است، احتمالاً مجلس را برای مسائلی مانند مذاکره، پیگیری CFT یا FATF تحت فشار قرار خواهند داد. تلاش می‌کنند چهره‌ای از مجلس به نمایش درآید که در دو گانه صلح - جنگ به جنگ فکر می‌کند و حاضر نیست راهی برای حل مسائل مردم از طریق سیاست خارجی بیابد. مجلس برای خنثی‌سازی این راهبرد باید چه در یک سال باقیمانده از این دولت و چه دولت سیزدهم «دیپلماسی اقتصادی» را بخواهد و خود را حامی آن بداند. زمینه را برای رابطه با همه کشورها - به جز صهیونیست‌ها و امریکا - فراهم و پشتیبانی کند و بخشی از نظارت بر دولت را در حوزه عملکرد دستگاه سیاست خارجی در مقوله اقتصاد قرار دهد.

مجلس قوی و موفق چگونه عمل می‌کند؟

شعارها، اسناد و مدعیات این است که مجلس یازدهم جوان‌گرا (۶۰ نفر زیر ۴۵ سال)، متخصص و باتجربه (۴۰ وزیر و استاندار) است که خود را قوی می‌داند. طبیعتاً قوی بودن به حرف‌های تند و تریبون‌داری نیست، به سخنان سلیبی و انتقادی نیز نیست. مردم مجلس قوی را باید در ریل‌گذاری برای دولت و تأثیرگذاری در زندگی خود ببینند. برای این مهم مجلس چه باید بکند؟



علت دیگر بالا بردن توقعات از مجلس ناکام گذاشتن اصولگرایان در انتخابات ۱۴۰۰ ریاست جمهوری است. بالا بردن مطالبات و عدم تحقق آن می تواند در انتخابات ۱۴۰۰ مؤثر باشد. بنابراین طرح توقعات خارج از توان مجلس یا توان مالی کشور می تواند پاشنه آشیل مجلس خصوصاً در یک سال اول آن باشد.

تحلیل و گزارش

۱۳

خرداد ماه ۱۳۹۹
هیأت رزمندگان اسلام



مجلس هراسی در سیاست خارجی راهبرد دیگری است که در دستور کار می باشد.

۱- مجلس باید ریل اقتصاد بودن نفت را با پیدا کردن حرفه های فراری از مالیات پایه گذاری کند. مجلس باید ۶۰ درصد اقتصاد کشور را که مالیات نمی دهد پای کار درآمد کشور بیاورد، شفافیت آرای نمایندگان که به زودی تصویب شد، می تواند در این زمینه مؤثر واقع شود.

۲- مناطق آزاد که فلسفه ایجاد آنها صادرات بود امروز به حیات خلوت واردات و بعضاً واردات قاچاق رسمی تبدیل شده است. مجلس باید در ایجاد این مناطق و سیاست های آن بازنگری کند و شبکه های فاسدی که در آنها شکل گرفته یا تحقیق و تفحص بر ملا سازد.

۳- مجوز های کسب و کار امروز از پیچیدگی زیادی برخوردار است. دهها مجوز برای یک مغازه کوچک لازم است. مجلس باید بروکراسی موجود را به حداقل برساند و اجازه دهد مردم در این حوزه ابراز رضایت کنند.

۴- مجلس باید به حقوق های بالا خصوصاً در وزارت نفت ورود کند و عدالت اجتماعی در حوزه کارکنان دولت را به نمایش گذارد.

۵- رئیس مجلس باید تیم هایی را روانه مناطق کمتر برخوردار و مسئله آفرین کشور کند تا طعم عدالت اجتماعی در سراسر ایران چشیده شود و گزارش های تهیه شده به برنامه سال بعد تبدیل شود. مردم احساس کنند نمایندگان در کنار آنان هستند و به درد آنان رسیدگی می کنند.

۶- جهت گیری بودجه کشور به سمت تولید و اشتغال مهم ترین رسالت مجلس یازدهم است. امید و ناامیدی نسبت به نظام از این تصمیم می گذرد.

۷- هدفمند کردن آموزش عالی به سمت کار آفرینی و متخصص پروری از دیگر کارهای اساسی مجلس است. بخشی از بیکاری موجود محصول نوع آموزش عالی است. میلیون ها فارغ التحصیل که کار بلد نیستند و آمایش تحصیلی ایران به صورت اشتباه آنان را فارغ التحصیل می داند که دانشگاه چیزی به آنان اضافه نکرده است. دهها هزار لیسانسه ادبیات و تاریخ و مدیریت دولتی جایی برای خدمت و کاری برای انجام دادن ندارند و کاربردی کردن رشته ها باید در دستور کار قرار گیرد.

۸- سیستم نظارتی قوی داخلی مجلس بسیار لازم است. ارتباط لغزنده و تنیدن دام های منفعت آور از سوی وزار تخانه ها می تواند نمایندگان را بی خاصیت



جهت‌گیری بود که کشور به سمت تولید و اشتغال مهم‌ترین رسالت مجلس یازدهم است. امید و ناامیدی نسبت به نظام از این تصمیم می‌گذرد.



شعارزدگی و خودنمایی مهم‌ترین آفت است که باید به حداقل برسد. نماینده نباید در فضای مجازی به اندازه یک خبرنگار ظهور بروز داشته باشد و لزومی ندارد هر حرف و حرکت نازل را آنجا گزارش نماید یا تریبون مجلس مملو از سخنان انتزاعی و تخیلی باشد.

کند، بنابراین مجلس باید از هم‌اکنون راهی را طی کند که چهار سال بعد هیچ یک از اعضایش به اتهام آلودگی اقتصادی ردصلاحیت نشوند.

۹- مرکز پژوهش‌های مجلس می‌تواند نقشه راه مجلس باشد و با پژوهش‌های پخته و کارشناسی شده تصمیمات مجلس را اثرگذار نماید. اشراف نمایندگان به روندهای مختلف کشور از مرکز پژوهش‌های قدرتمند و کارشناس می‌گذرد و کارآمدی مجلس به نوع عمل این مرکز بستگی دارد.

۱۰- کنترل نقدینگی که بالای جان کشور شده و هدایت آن به سمت کارهای مولد رسالت بسیار مهمی است که باید منتظر آن باشیم.

آنچه نباید از مجلس صادر شود:

۱- نباید‌های مجلس از هم‌اکنون باید توسط جریان اکثریت طراحی و نظارت شود. شعارزدگی و خودنمایی مهم‌ترین آفت است که باید به حداقل برسد. نماینده نباید در

فضای مجازی به اندازه یک خبرنگار ظهور بروز داشته باشد و لزومی ندارد هر حرف و حرکت نازل را آنجا گزارش نماید یا تریبون مجلس مملو از سخنان انتزاعی و تخیلی باشد.

۲- سلبی‌گرایی و نفی اقدامات، تصمیمات و سیاست‌های دیگران تا جایی مؤثر است و اصرار به آن موجب زدگی خواهد شد. باید تریبون مملو از سخنان ایجابی و پیشنهادات راهگشا شود تا چهره مجلس کاری و دغدغه‌مند جلوه نماید.

۳- عوام‌فریبی زینده مجلس اصولگرایان نیست. نمایندگان از کارهای نمایشی، سطحی و عوام‌پسند خودداری نمایند و از سوژه‌سازی برحذر باشند.

۴- راه‌لابی‌های نفوذ و قانون‌ساز بیرونی که برای نمایندگان تصمیم‌سازی می‌کنند تا موانع خود را برطرف نموده و یک شبه منتفع گردند باید بسته شود. کار کارشناسی باید صرفاً در مرکز پژوهش‌های مجلس متمرکز شود و هر کارشناسی که مؤثر است صرفاً در آنجا ظهور و بروز داشته باشد.

۵- بی‌نظمی، خالی بودن صندلی‌ها و... آفت‌های مهمی هستند که به ظاهر کوچک به نظر می‌رسند، اما نوعی توهین به انتخاب‌کنندگان محسوب می‌شود. مجلس باید حداقل غایب و مرخصی را داشته باشد و متعهد جلوه نماید.

۶- مجلس نباید در مقابل زیاده‌خواهی قدرت‌های بزرگ بدون واکنش جمعی مجلس باشد. تسهیل دور زدن تحریم‌های ظالمانه، تهاثر با همسایگان، تقویت صادرات، تقویت پول ملی از مهم‌ترین راه‌های کارگشایی در شرایط موجود کشور می‌تواند باشد.

تلاش می‌کنند چهره‌ای
از مجلس به نمایش در
آید که در دوگانه صلح
- جنگ به جنگ فکر
می‌کند و حاضر نیست
راهی برای حل مسائل
مردم از طریق سیاست
خارجی بیابد. مجلس
برای خنثی‌سازی این
راهبرد باید چه در
یک سال باقیمانده از
این دولت و چه دولت
سیزدهم «پیلماسی
اقتصادی» را بخوهد و
خود را حامی آن بداند.

14

نتیجه گیری:

مجلس یازدهم در شرایطی پا به عرصه قانونگذاری و نظارت نهاده است که روزه‌های امید رو به بسته شدن است. مجلس قوی باید برای یک سال اول که منابع محدود و برنامه سال ۱۳۹۹ در مجلس قبل بسته شده است به سمت تولید منابع از رهیافت‌هایی مانند خانه‌های خالی، ترغیب ۶۰ درصد اقتصاد کشور به پرداخت مالیات، مبارزه با ورود قاچاق از مبادی رسمی اختصاص دهد. در سه سال آخر که هویت سیاسی دولت مشخص می‌شود باید اولویت‌های اصلی کشور همچون اشتغال، رفع رکود، مبارزه با تورم، کنترل نقدینگی، رفع بوروکراسی‌های زائد از فضای کسب و کار و تسهیل دور زدن تحریم‌ها و مبارزه با زیاده‌خواهی‌های قدرت‌های بزرگ در دستور کار قرار گیرد. مجلس دارای نیایدهایی نیز هست که عبارتند از پرهیز از شعارزدگی، سطحی‌گرایی، سلبی‌گرایی و ... که گرفتار آمدن در آن می‌تواند نیروهای انقلاب را از دسترسی به دولت سیزدهم دور کند. تعامل با دولت بر سر نیازهای اساسی مردم، خلاقیت در رفع موانع و مشکلات و حضور میدانی هیئت رئیسه مجلس در مناطق مختلف کشور می‌تواند جایگاه مردمی مجلس را ارتقا دهد.

مجلس نباید در مقابل زیاده‌خواهی قدرت‌های بزرگ بدون واکنش جمعی مجلس باشد. تسهیل دور زدن تحریم‌های ظالمانه، تهاوت با همسایگان، تقویت صادرات، تقویت پول ملی از مهم‌ترین راه‌های کارگشایی در شرایط موجود کشور می‌تواند باشد.

تحلیل وادها

دکتر سعدالله زارعی

چشم انداز روابط راهبردی ایران و عراق در دولت کاظمی در
ابعاد سیاسی، امنیتی و اقتصادی



عدنان زرفی یک نیروی حساسیت برانگیز بود. او در دوره ۸ ساله استانداری نجف اقدامات تنش آفرینی انجام داده بود و در ارزیابی شیعیان، یک نیروی کاملاً آمریکایی به حساب می آمد.

تحلیل ژورنالیست

۱۲

خرداد ماه ۱۳۹۹
هیأت زمیندگان اسلام

روی کار آمدن «مصطفی کاظمی» مسئول امنیتی عراق در شرایطی صورت گرفت که پیش از آن، برهم صالح رئیس جمهور عراق با نادیده گرفتن حقوق شیعیان در «معرفی کاندیدای نخست وزیری»، «عدنان الزرفی» را مستقیماً مأمور تشکیل کابینه کرد در حالی که برای او و سایرین معلوم بود شیعه نمی تواند روی نخست وزیری الزرفی به اجماع برسد یا با موافقت اکثریت آنان مواجه گردد.

عدنان زرفی یک نیروی حساسیت برانگیز بود. او در دوره ۸ ساله استانداری نجف اقدامات تنش آفرینی انجام داده بود و در ارزیابی شیعیان، یک نیروی کاملاً آمریکایی به حساب می آمد. بر این اساس، رهبران احزاب شیعی وارد میدان شدند و زرفی، ناگزیر به کناره گیری شد. پیش از عدنان زرفی شیعیان روی «محمد توفیق علاوی» به اجماع نسبی رسیدند اما خود علاوی اگرچه از دل شیعه بیرون آمده بود، تکروی پیشه کرد و به اسم «دولت منسجم تکنوکرات»، حقوق گروه های پارلمانی در شکل دهی به دولت را نادیده گرفت و از آنجا که مورد حمایت برهم صالح بود، گمان می کرد می تواند خلأ حمایت رهبران گروه های شیعی را با حمایت رئیس جمهور پر کند که نشد و برهم صالح در واکنش و پس از رایزنی با «مقتدا صدر»، عدنان الزرفی را معرفی کرد که به سرانجام نرسید.

نحوه معرفی کاظمی

معرفی «مصطفی کاظمی» در این فضا صورت گرفت و لذا حساسیت شیعه از روی شخص به روی تشکیل کابینه منتقل گردید. شیعه پس از مخالفت جدی با حکومت زرفی، تحفظ خود را از روی اشخاص برداشت و اجازه داد به سرعت فردی از صافی شیعه عبور و کار تشکیل کابینه سامان پیدا کند. بر این اساس به یکباره مقتدا صدر، عمار حکیم، ابو حسن عامری، حیدر العبادی و بعضی دیگر از رهبران شیعه، در مورد کاظمی به توافق رسیدند و حال آنکه همین کاظمی، دو ماه پیش از این در ردیف هشتم و انتهای لیست قرار داشت و تصور اینکه او به نخست وزیری برسد، دشوار بود. بعداً مشخص شد کاظمی در این زمان، تنها کسی بود که می توانست اجماع شیعیان را به دست آورد!

سه شرط شیعه

رهبران شیعه در جلسه اول با مصطفی کاظمی، سه شرط را برای موافقت خود در نظر گرفت و کاظمی آنها را قبول کرد؛ یکی از شروط این بود که کاظمی مصوبه بهمن ماه پارلمان - مبنی بر خروج نظامیان بیگانه از عراق - را اجرایی کند. کاظمی برخلاف تصویری که از او وجود دارد که نادرست هم نیست، پذیرفته است که برنامه اخراج نظامیان آمریکایی از عراق را به اجرا بگذارد. تردیدی وجود ندارد که او چنین وعده‌ای داده است، اما درباره اینکه او به این وعده پای بند باشد، تردید وجود دارد. ضمن اینکه موضوع خروج اگرچه بارأی اکثریت اعضای پارلمان متبوع عراق (۱۶۹ رأی از ۳۲۹ نماینده) به تصویب رسیده اما درباره وفاداری کسانی که رأی داده‌اند، نیز ابهاماتی وجود دارد و سوابق نشان می‌دهد که این مصوبه به مراقبت جدی احتیاج دارد. موضوع دیگر این است که مصوبه سیاسی پارلمان به خودی خود، اخراج نظامیان آمریکایی را در پی نمی‌آورد، بلکه به اقدامات انضمامی سیاسی و... احتیاج می‌باشد. حتی پیگیری سیاسی مصطفی کاظمی در مقام نخست‌وزیر زمانی به طور واقعی دنبال می‌شود که او احساس کند عدم پیگیری جدی توسط او، پای گزینه‌های دیگری به میان می‌آید که هزینه‌های آن برای دولت آمریکا و دولت عراق بیشتر است.

دومین شرطی که رهبران شیعه عراق برای موافقت با نخست‌وزیری کاظمی گذاشته‌اند، این است که او برای دوره بعد کاندیدای نخست‌وزیری نشده و در شکل‌گیری دولت پس از خود دخالتی نداشته باشد. هدف رهبران گروه‌های شیعی این بود که قاعده انتخاب نخست‌وزیر از «گروه پارلمانی بزرگ‌تر» محفوظ بماند و دولت موقت کنونی به دولت دائمی تبدیل نگردد. کاظمی این شرط را پذیرفته است اما در مورد پایبندی او به این شرط اما و اگرهایی وجود دارد. در مورد زمان نخست‌وزیری کاظمی سؤال وجود دارد. آیا او نخست‌وزیری یک ساله است و زمان آن با برگزاری انتخابات زود هنگام به پایان می‌رسد؟ یا اینکه در عمل انتخابات زود هنگام پیش نمی‌آید و انتخابات در زمان قانونی خود ا ردیبهشت ۱۴۰۱ (مه ۲۰۲۲) و یا حتی در تاریخی پس از آن برگزار می‌شود که در این صورت دولت مصطفی کاظمی، دولت موقت به حساب نمی‌آید. در نهایت به نظر می‌آید ماندن و رفتن کاظمی پس از دوره اول - یک یا دو ساله - بیش از تعهدی که از او گرفته شده، وابسته به موقعیت او در پایان این دوره می‌باشد. اگر کاظمی بتواند به طور نسبی به جلب نظر مردم و یا خبگان سیاسی دست پیدا کند نه تنها به احتمال زیاد به ادامه حضور در پست نخست‌وزیری راغب و عازم خواهد بود، بلکه حتی همان کسانی که این شرط را برای او گذاشته‌اند، از او برای ادامه حضور در این پست دعوت خواهند

تحلیل‌ها

۱۸

خرداد ماه ۱۳۹۹
هیأت‌رئیس‌مجلس

د

یکی از شروط این بود که کاظمی مصوبه بهمن ماه پارلمان - مبنی بر خروج نظامیان بیگانه از عراق - را اجرایی کند

کرد. بنابراین ادامه کار کاظمی تا حد زیادی به خود او بستگی دارد.

شرط سومی که رهبران گروه‌های شیعه پیش روی مصطفی کاظمی قرار داده و موافقت او را گرفته‌اند، حمایت جدی از حشد الشعبی و مأموریت‌های آن است. کاظمی در روزهای اول نخست‌وزیری در کنار سایر مانور‌هایی که در حوزه‌های سیاست داخلی و سیاست خارجی انجام داد، به میان حشد الشعبی رفت و عبارت‌های کلیدی در تعهد دولت او نسبت به ارتقاء موقعیت حشد بیان کرد. او همچنین با نشان دادن علامتی مبنی بر موافقت با تداوم مسئولیت «فالح فیاض»، عضو لیست فتح به رهبری ابوحسن عامری، تلاش کرد تا فضای شیعه را نسبت به دولت خود آرام کند. با این حال درباره اینکه او در ادامه چه رویه‌ای را در قبال «حشد الشعبی» دنبال خواهد کرد، تردیدهایی وجود دارد. حشد الشعبی دستاورد مهم امنیتی عراق بعد از پیروزی بر گروه تروریستی تکفیری داعش به حساب می‌آید و به صورت ضامن امنیت عراق درآمده است و از آنجا که جایگاه قانونی داشته و بر حسب مصوبه مجلس عراق - یک ضلع مهم در قدرت نظامی این کشور به حساب می‌آید و از سوی گروه‌های مختلف و نیز شیعه عراق حمایت می‌شود، درباره تداوم فعالیت آن ابهام چندانی وجود ندارد. حشد اگر چه بخشی از قدرت رسمی نظامی عراق است اما زیر نظر ارتش عراق قرار نداشته و مانند ارتش مستقیماً تحت فرمان «فرمانده کل قوا» یعنی نخست‌وزیر می‌باشد. به همین دلیل درباره نحوه مواجهه مصطفی کاظمی در آینده سؤالاتی پدید آمده است.

سرنوشت حشد

حشد الشعبی در ماه‌های اخیر با یک رخداد داخلی مواجه گردید. ۴ تیپ از حدود ۱۸ تیپ حشد الشعبی که از سوی عتبات عالیه حسینی و عباسی حمایت می‌شد، طی بیانیه‌ای خط مشی متمایزی از فرماندهی کل حشد به نمایش گذاشت. ظاهر ماجرا این بود که آنان با نقش آفرینی سیاسی اعضای حشد در محیط ملی و نقش آفرینی نظامی آن در محیط منطقه‌ای مخالفند اما از آنجا که خود این اقدام، سیاسی به حساب می‌آید، دلایل دیگری برای این جدایی طلبی مطرح شده‌اند.

امنیت عراق نمی‌تواند از امنیت منطقه جدا باشد و از این رو در سال‌های اخیر برای مهار تروریزم شاهد همکاری‌هایی میان حشد و نیروهای مقاومت در سوریه بودیم این اگر چه وضعیتی فراملی را به تصویر میکشید، اما واقعیت این است که تعقیب

“

دومین شرط این است که او برای دوره بعد کاندیدای نخست‌وزیری نشده و در شکل‌گیری دولت پس از خود دخالتی نداشته باشد

“

سومین شرط حمایت جدی از حشد الشعبی و مأموریت‌های آن است

تحلیل‌ها ۳۲

د

درباره اینکه او در ادامه چه رویه‌ای را در قبال «حشدالشعبی» دنبال خواهد کرد، تردیدهایی وجود دارد

تحلیل ژورنالی

۲۰

خرداد ماه ۱۳۹۹
هیأت‌رئیس‌جمهور

د

آمریکا اگر نتواند روی موضوع خروج نظامیان‌ش خط‌بکشد، قاعدتاً تلاش خواهد کرد که زمانی نسبتاً طولانی را برای اجرای مصوبه پارلمان عراق به دست آورد و با «خرید زمان» اجرای این مصوبه را در چرخه‌ای قرار دهد که طرف عراقی ناگزیر به موافقت با حضور نظامیان آمریکادر خاک خود گردد.

قانونی و هماهنگ شده عوامل ناامنی عراق در خاک کشورهای همسایه خارج از «وظیفه ملی» حشد نیست کما اینکه هر کشوری پس از جلب موافقت کشور همسایه در محیط فراملی حضور می‌یابد. اما در داخل عراق یک نگرش وجود دارد که می‌گوید عراق نباید عضوی از یک محور منطقه‌ای باشد و همین‌ها با دایعه‌ای ملی فعالیت حشد الشعبی در سوریه را زیر سؤال می‌برند و در واقع نمی‌خواهند با کمک به سوریه در مقابل مخالفان آن شامل آمریکا، انگلیس، سعودی، امارات و ترکیه قرار بگیرند و این در حالی است که داعش که پیدایی آن و ناکافی بودن قدرت پدافندی نیروهای مسلح عراق در مقابل آن، سبب پیدایی حشدالشعبی شد، مورد حمایت سعودی و آمریکا و... بوده و اسقاط نظام‌های سیاسی عراق و سوریه هدف مشترک داعش و این دسته از کشورها بوده است پس از یک سو نقش آفرینی حشد در محیط منطقه‌ای، یک «ضرورت ملی» عراق است و از سوی دیگر کناره‌گیری از مسئولیت مشترک امنیتی با سوریه، دادن زمینه مجدد به داعش و کشورهای حامی آن برای ناامن کردن محیط داخلی عراق است. حال سؤال این است که نظر کاظمی درباره محور ثبات بخش مقاومت و محور بی‌ثبات‌ساز آمریکایی - سعودی چیست؟ آیا کاظمی حاضر است در مقابل مخالفت آمریکا و... با اقتدار حشدالشعبی عراق مقاومت کند؟

مذاکرات میان عراق و آمریکا

یک موضوع مهم در مذاکرات ۱۰ ژوئن (۲۱ خرداد) موضوع امنیتی عراق است در نگاه اول به نظر می‌آید میز مذاکرات عراق و آمریکا با دو نگاه و دو دستور کار متمایز چیده شده است. مسئله طرف عراقی نحوه مواجهه آمریکا با مقوله امنیت عراق و نحوه تعامل آن در اجرای مصوبه بهمن ماه پارلمانی مبنی بر خروج نیروهای بیگانه از خاک این کشور است و مسئله طرف آمریکایی، رفع مصوبه پارلمانی عراق و کسب مجوز برای ادامه حضور نظامی در خاک عراق است.

آمریکا اگر نتواند روی موضوع خروج نظامیان‌ش خط‌بکشد، قاعدتاً تلاش خواهد کرد که زمانی نسبتاً طولانی را برای اجرای مصوبه پارلمان عراق به دست آورد و با «خرید زمان» اجرای این مصوبه را در چرخه‌ای قرار دهد که طرف عراقی ناگزیر به موافقت با حضور نظامیان آمریکا در خاک خود گردد. آمریکا برای ایجاد پذیرش در طرف عراقی، از یک بسته متنوع (Package) حرف می‌زند. بسته‌ای اقتصادی، سیاسی و امنیتی. این پیشنهادی وسوسه‌انگیز است چرا که عراق طی ماه‌های اخیر دچار افت شدید درآمد شده و گفته می‌شود درآمد ارزی آن در سال ۲۰۲۰ به یک سوم تقلیل یافته است و از این رو دچار مشکل جدی در پرداخت حقوق حدود ۷ میلیون حقوق‌بگیر خود شده و به استقراض از بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول روی آورده است.

«
آمریکا در حفظ نفوذ
اقتصادی سیاسی در
کشوری به ثروتمندی
واستراتژیکی عراق
می کوشد و با مسئله
کاهش حضور نظامی
کنار می آید

آمریکایی ها طی ماه های گذشته و پس از مصوبه پارلمان عراق در مذاکرات با مقامات این کشور تهدید کرده اند که با خروج نظامیان آمریکا از پایگاه های «حریر» - واقع در استان اربیل - و «عین الاسد» واقع در استان الانبار - به تحریم عراق دست می زند و این باور در بسیاری از مسئولین عراقی پدید آمده است که در صورت اصرار بر اجرای مصوبه خروج نظامیان بیگانه، از یک سو با تحریم اقتصادی و از سوی دیگر با تهدیدات امنیتی مواجه می گردند. این به آن معناست که بسیاری از گروه های عراقی باور کرده اند که آمریکا با مواجه شدن با محدودیت حضور نظامیان در عراق، به قطع رابطه اقتصادی و سیاسی با بغداد روی می آورد و این در حالی است که تجربه نشان می دهد، آمریکا در حفظ نفوذ اقتصادی سیاسی در کشوری به ثروتمندی و استراتژیکی عراق می کوشد و با مسئله کاهش حضور نظامی کنار می آید. شرکت های بزرگ آمریکا شامل شل و موبیل سال هاست که بر صنعت نفت عراق چنبره زده اند و از این اهرم بزرگ برای پیشبرد برنامه های خود استفاده می کنند کما اینکه آمریکا با نفوذ در جریان های فرهنگی - اجتماعی عراق به جای پاهای زیادی در ساختارهای فرهنگی و اجتماعی عراق دست یافته که تقریباً محال است آن را قربانی رفع حضور نظامی واشنگتن نماید. آمریکا بسیار بعید است به تحریم اقتصادی عراق روی آورد چرا که در این صورت کشورهای نظیر ایران، چین و روسیه وجود دارند که جای خالی آمریکا را پر کنند بر این اساس باید گفت تهدید به تحریم اقتصادی عراق یک بلوف است که بعضی از رهبران عراقی آن را باور کرده اند. بد نیست به یک موضوع و تجربه اشاره کنیم. آمریکا علاقه زیادی دارد که از طریق بستن دریچه های اقتصادی عراق روی ایران، تضمین بیشتری برای کار آیی تحریم های یک جانبه و سخت به دست آورد و بر این اساس فشارهای زیادی هم به دولت عراق وارد کرده اند، اما در آخر به خاطر حفظ نفوذ اقتصادی و سیاسی خود، بارها عراق را از لیست کشورهای که به دلیل رابطه اقتصادی با ایران با تحریم مواجه شده اند، خارج کرده و به مهلت های پی در پی شش ماهه و سه ماهه به دولت عراق روی آورده اند.

تحلیل و گزارشها

روی کار آمدن دولت عراق

موضوع دیگر این است که اجرای برنامه «روی کار آوردن یک دولت مخالف ایران در بغداد» بدون حضور اقتصادی و سیاسی در عرصه‌های مختلف عراق میسر نیست و آمریکا برای تغییر دولت عراق نیازمند حضوری اقتصادی سیاسی در عرصه‌های مختلف می‌باشد.

نکته دیگر این است که منضم کردن طرح امنیتی نظامی به اقتصاد و فرهنگ به هیچ وجه منطقی نیست. و باید گفت اگرچه در کل نفوذ اقتصادی و سیاسی از حوزه امنیت جدا نیستند و در درازمدت از آن مهم‌تر هم هستند اما عراقی‌ها و حکومت عراق تنها با تکان‌های امنیتی - نظامی در وضعیت ارتعاش قرار می‌گیرد. آمریکا بارها در عرصه نظامی، حاکمیت عراق را نقض کرده است. حضور بدون هماهنگی مقامات آمریکایی در عراق، حمله به مراکز مقاومت در استان الانبار و... و نیز اقدام جسورانه آمریکا در حمله به فرودگاه عراق و به شهادت رساندن «سیدالشهدای مقاومت» سردار سلیمانی و ابومهدی المهندس فرمانده کل حشد الشعبی، نمونه‌های واضحی از این نقض حاکمیت به حساب می‌آیند.

موضوع دیگر بحث «فساد» و توانایی مصطفی‌الکاظمی و اراده او در کاهش فساد و یاسوار شدن بر موج مبارزه با فساد است. روی کار آمدن الکاظمی نتیجه جنبش ضد فساد در عراق است و خوانه‌خواه عیار موفقیت او با آن سنجیده می‌شود. فساد در عراق گسترده و تا حد زیادی مزمن شده است. درآمد محدود دولت عملاً بین احزاب و گروه‌ها تقسیم می‌شود و صرف حقوق افرادی می‌شود که در این احزاب یا وزارتخانه‌های تحت اختیار آنان فعالیت می‌کنند و یا نام آنان به عنوان فعال قلمداد می‌شود. در این میان خیلی از همین گروه‌ها و احزاب داعیه‌دار مبارزه با فساد هستند و یکی از این احزاب که سال‌هاست شش وزارتخانه را در اختیار دارد و میلیاردها دلار درآمدرزی را دریافت کرده است، میدان دارد اعتراضاتی شد که به نام مبارزه با فساد، فروپاشی دولت عادل عبدالمهدی را رقم زد. همین گروه امروز داعیه‌دار حمایت از دولت کاظمی است ولی از آنجا که نمی‌خواهد در چارچوب هیچ دولتی کار کند، با این دولت به چالش خواهد رسید و باز به نام مبارزه با فساد به «میدان می‌آید». بنابراین کار دولت در مبارزه با فساد به شدت پیچیده است.

روابط ایران و عراق در دوره کاظمی

پس از سقوط رژیم بعثی عراق در پایان سال ۱۳۸۱ و تشکیل اولین دولت، روابط ایران و عراق که در فاصله سال‌های ۱۳۴۶ - کودتای بعثی‌ها - تا ۱۳۸۱ به شدت تیره بود، وارد مرحله تازه‌ای شد و به مرور ابعادی همه‌جانبه و استراتژیک پیدا کرد. راز این مطلب هم این بود که



روی کار آمدن
الکاظمی نتیجه
جنبش ضد فساد
در عراق است و
خوانه‌خواه عیار
موفقیت او با آن
سنجیده می‌شود.
فساد در عراق
گسترده و تا حد
زیادی مزمن شده
است.

تحلیل‌های ۳۲

۳۲

خرداد ماه ۱۳۹۹
هیأت‌رئیس‌رئیس‌رئیس



آمریکا با نفوذ در
شریان‌های فرهنگی
— اجتماعی عراق به
جای پاهای زیادی در
ساختارهای فرهنگی و
اجتماعی عراق دست
یافته که تقریباً محال
است آن را قربانی رفع
حضور نظامی واشنگتن
نماید. آمریکا بسیار بعید
است به تحریم اقتصادی
عراق روی آورد چرا
که در این صورت
کشورهایی نظیر ایران،
چین و روسیه وجود
دارند که جای خالی
آمریکا را پر کنند بر این
اساس باید گفت تهدید
به تحریم اقتصادی عراق
یک بلوف است

تحلیل ژورنالیست

۳۳

خرداد ماه ۱۳۹۹
هیأت‌رئیس‌مجلس

در طول حدود ۳۵ سال حاکمیت بعثی‌ها، ایران مأمن مظلومین عراق بود که با سیاست پاکسازی قومی جلای وطن کرده بودند. کردها و شیعیان سال‌ها در ایران زندگی آبرومندانه‌ای داشتند. روابط ایران با عراق با روی کار آمدن دولت ایاد علاوی وارد فرایند رسمی شد و در دولت‌های ابراهیم جعفری و نوری مالکی شتاب گرفت و همه‌جانبه شد. نیاز عراق در دوره جدید بسیار فراگیر بود و کشورهای همسایه عراق به طور کلی به دو دسته تقسیم می‌شدند؛ یک اکثریتی که خواهان سقوط دولت نوپای مردم‌سالار عراق بود و یک اقلیتی که خواهان استقرار دولتی مستقل و قوی در بغداد بود و در این دوره ۱۷ ساله این دو جبهه یکی در مقابله و دیگری در کنار عراق بوده است.

بسیاری از مراکز خبری و سیاسی تلاش کرده‌اند تا روابط ایران و عراق را در وجه امنیتی خلاصه کرده و به آن نمایی رازآلود بدهند. آنان عملاً ابعاد اقتصادی، فرهنگی، دینی و سیاسی این روابط را که بسیار گسترده‌تر از روابط امنیتی—نظامی هم هستند، می‌پوشانند چرا که اعتراف به این ابعاد از روابط از یک‌سواز توانمندی بالای ایران، علیرغم تحریم‌های یک و چندجانبه حکایت می‌کند و از سوی دیگر هرگونه تحرک برای تضعیف روابط قانونی و عادی ایران و عراق را زیر سؤال می‌برد.

روابط ایران و عراق فقط جنبه دولتی ندارد، بلکه اهمیت روابط مردم در دو سوی مرزهای طولانی دو کشور کمتر از اهمیت روابط میان دو دولت نیست. عرب‌های ایرانی و عراقی در دو سوی مرز جنوب را «تشیع» به هم پیوند داده و «عربیت» تحت الشعاع عنصر مذهب قرار گرفته است. از سوی دیگر مراودات مردم عرب، لر و کرد ایران و عراق با یکدیگر آن قدر زیاد است که هر شهری از این سوی مرز، رنگ و بوی شهری در آن سوی مرز گرفته است. عراق در این میان کشوری است که در طول این ۲۰۰ سال بیش از ایران در معرض دشواری‌ها بوده است. هر کدام از جنگ‌های پی در پی منطقه‌ای و بین‌المللی که در جغرافیای عراق روی داده، برای مدت‌ها زندگی مردم این کشور را تحت تأثیر قرار داده است.

مثلاً سیاست طولانی مدت آمریکا علیه عراق موسوم به نفت در برابر غذا هنوز آثار خود را بر عراق حفظ کرده است. عراق هنوز نتوانسته است اختیار استخراج، صادرات و بازگشت پول ناشی از فروش نفت خود پیدا کند. هنوز وجه ناشی از فروش حدود ۳/۵ میلیون بشکه نفت در روز وارد حساب وزارت خزانه‌داری آمریکا شده و با موافقت

آنان و در فضایی کاملاً شفاف - و در واقع بانقض حاکمیت مالی عراق - پس از کسر هزینه‌های ادعایی آمریکا در این کشور - به آن پرداخت می‌شود. در این فضا کمک اقتصادی ایران و به عبارت دقیق‌تر فروش آسان محصولات ایران به عراق تأثیر مهمی در جلب رضایت مردم دارد و سبب تعمیق روابط دو کشور می‌شود. در طول این حدود ۱۷ سال، صادرات پتروشیمی و محصولات غیر نفتی به طور میانگین ده میلیارد دلار بوده و به طور میانگین نزدیک به پنج میلیون نفر از مردم دو کشور به کشور دیگر سفر کرده‌اند.

ایران علاوه بر آنکه از جنبه مذهبی قربایت بسیار زیادی با بخش اعظم جامعه عراق (۵۸ یا ۶۱ درصد) دارد از جنبه قومیتی و تاریخی نیز با دو بخش دیگر و به خصوص بخش کردی (۱۷ درصد) قربایت دارد باید اضافه کرد که ایران و عراق در مقاطع مختلف تاریخی دارای حکومتی واحد بوده‌اند گاهی بغداد مرکز حکومتی بوده که دایره آن تا خراسان و مرو و هند توسعه داشته است و گاهی سیطره حکومت ایران از دهلی و مرو و نهاوند و مدائن و تاشامات امتداد می‌یافته است. بنابراین، چنین دو ملت ممزوج یافته‌ای را نمی‌توان از یکدیگر جدا کرد و لواینکه برای این جداسازی دست‌هایی دشمنانه درهم تنیده شوند.

یک جنبه مهم از روابط ایران و عراق، جنبه امنیتی این روابط است اصولاً رابطه امنیتی دولتی با دولتی دیگر نشانه استراتژیک بودن رابطه دو کشور می‌باشد. چرا که لازمه رابطه امنیتی وقوف رسمی یک کشور بر شریان‌های حیاتی کشوری است که با آن آمد و شد امنیتی دارد. پس از سقوط صدام حسین و فروپاشی ارتش بعث، آمریکایی‌ها که برابر آنچه کیسینجر گفت گمان می‌کردند می‌توانند دست کم صد سال بر این کشور حکم برانند، اعتنایی به فروپاشی ارتش بعث نداشتند و حتی آن را زمینه پذیرش نیروی نظامی آمریکایی در خاک این کشور ارزیابی می‌کردند. در این میان جمهوری اسلامی با درک نیازمندی جدی عراق به مراوده امنیتی، با این کشور وارد سطح گسترده‌ای از همکاری‌ها و توافقات امنیتی - نظامی شد و توانست خطرات فروپاشی امنیتی و غلبه داعش بر آن را از بین ببرد.



تحلیل و تدوین

دکتر یدالله جوانی

پایان عصر آمریکا
و بررسی کارآمدی ایران و غرب در بحران کرونا

به زیر کشیدن قدرتهای
شیطانی، رهایی
مستضعفین جهان از
چنگال مستکبرین،
پی ریزی تمدن نوین
اسلامی و آماده سازی
زمینه های ظهور برای
تحقق وعده الهی و
استقرار حکومت جهانی
اسلام، آرمان های
اصلی انقلاب اسلامی به
رهبری حضرت
امام خمینی است.

تحلیل و ارزیابی

۲۲

خرداد ماه ۱۳۹۶
هیأت‌رزمندگان اسلام

به زیر کشیدن قدرتهای شیطانی، رهایی مستضعفین جهان از چنگال مستکبرین، پی ریزی تمدن نوین اسلامی و آماده سازی زمینه های ظهور برای تحقق وعده الهی و استقرار حکومت جهانی اسلام، آرمان های اصلی انقلاب اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی است. مقام معظم رهبری پس از رحلت رهبر کبیر انقلاب اسلامی، با صراحت فرمودند، راه ما راه امام است و با قوت این راه را ادامه می دهیم. این نوع ترسیم چشم انداز و آرمان برای انقلاب اسلامی، در حالی بود که در مقطع شکل گیری انقلاب و پیروزی آن، جهان به دو قطب کمونیسم و لیبرالیسم با محوریت شوروی و آمریکا تقسیم شده بود. این دو قدرت شیطانی، هرگز اجازه ظهور قدرت سوم را نمی دادند. بر همین اساس بود که انقلاب اسلامی، با شعار نفی شرق و غرب و تاکید بر اسلام شکل گرفت و پس از پیروزی هم به همین دلیل، مورد تهاجم این دو کانون دشمنی واقع شد. هجوم همه جانبه قدرتهای شیطانی غربی و شرقی به انقلاب اسلامی و نظام نوپای جمهوری اسلامی، یک تصور فراگیری را در جهان پدید آورده بود که، انقلاب و نظام برخاسته از آن چندان دوام نخواهد یافت. اما بر خلاف این تصورات انقلاب اسلامی همان طور که در پدیدایی یک معجزه بود، در بقاء هم با عنایت الهی، هدایت امام و رهبری و ایستادگی ملت مومن و بصیر ایران، از تمامی توطئه ها، فتنه ها و موانع عبور کرد. انقلاب اسلامی در دهه اول، خطر بلوک شرق و کمونیسم را با نابودی این کانون دشمن پشت سر گذاشت. ورود انقلاب به چله دوم در شرایطی اتفاق افتاد که، از یک سو جمهوری اسلامی با حفظ تمامی شعارهای انقلابی تبدیل به قدرت منطقه ای و در حال تبدیل شدن به یک قدرت جهانی است و از دیگر سو دومین کانون دشمنی یعنی لیبرال دموکراسی غربی با محوریت آمریکا، در بن بست قرار گرفته است. اکنون تمامی شواهد نشان می دهد عصر آمریکا روبه پایان است. بحران جهانی ناشی از شیوع ویروس کرونا، از یک طرف ظرفیت های اسلام و توانمندی های جمهوری اسلامی را آشکار ساخت و از طرف دیگر، ناکارآمدی و شکست های مدیریتی و اخلاقی و فرو ریختن فلسفه اجتماعی غرب را به نمایش گذاشت. روندهای جاری به گونه ای است که با جرات و اطمینان می توان گفت، عصر جدید با عنوان عصر امام خمینی و عصر اسلام در حال شکل گیری است.



ورود انقلاب به چله دوم در شرایطی اتفاق افتاد که، از یک سو جمهوری اسلامی با حفظ تمامی شعارهای انقلابی تبدیل به قدرت منطقه ای و در حال تبدیل شدن به یک قدرت جهانی است و از دیگر سو دومین کانون دشمنی یعنی لیبرال دموکراسی غربی با محوریت آمریکا، در بن بست قرار گرفته است.

تحلیل و ارزیابی

● انقلاب اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی با شعار ((نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی)) عصر جدیدی را پدید آورد. نفی قدرتهای شیطانی و ایستادگی در برابر آنها، اثبات کارآمدی اسلام به عنوان یک دین کامل، جامع و پاسخگوی تمامی نیازهای بشر و تأمین کننده سعادت دنیوی و اخروی انسان ها از مهم ترین اهداف امام خمینی به شمار می آید. آرمان و شعارهای انقلاب اسلامی که برگرفته از آراء و اندیشه های حضرت امام (ه) بود، محدود به مرزهای جغرافیایی ایران و مردمان ساکن در این سرزمین نبود. امام بزرگوار به دنبال استقلال رساندن ملت ایران و قرار دادن این ملت در مسیر پیشرفت مادی و معنوی از یک سو و رهایی تمامی مستضعفین عالم از چنگال مستکبرین از دیگر سو بود. بنابراین می توان گفت، سعادت نوع بشر روی کره خاکی آرمان اصلی انقلاب اسلامی به شمار می آید. لازمه تحقق این آرمان الهی که هدف تمام انبیاء الهی بوده، به زیر کشیدن کانون های قدرت شیطانی، رهایی مستضعفین از دست شیاطین، فرو ریختن مستکبرین و پی ریزی تمدن نوین اسلامی است. پر واضح است که قدرتهای شیطانی و مستکبرین عالم، نسبت به چنین انقلابی ساکت ننشینند و مقابله با آن را با بهره گیری از تمامی ابزارهای در اختیار در دستور کار قرار دهند. به همین دلیل از روز اول پس از پیروزی انقلاب اسلامی، توطئه ها و فشار ها بر انقلاب اسلامی و نظام سیاسی برون آمده از دل این انقلاب با رای و پذیرش مردمی با عنوان ((جمهوری اسلامی))، آغاز شد و تا به امروز پس از گذشت ۴۱ سال همچنان ادامه دارد. اما بر خلاف تمامی تصورات و برآوردهای مبتنی بر نگاه های مادی و جهان بینی های غیر توحیدی، انقلاب اسلامی همان طور که دراصل پدید آیی یک معجزه بود، به طور معجزه آسا به برکت رهبری الهی امامین انقلاب اسلامی و مقاومت و ایستادگی ملت ایران، یک چله پرافتخار را پشت سر گذاشت. دشمنان تصور می کردند با اندک تهاجم، می توانند انقلاب اسلامی و نظام نوپای مستقر در ایران را، ره سپار تاریخ کرده، و بقای خود را مبتنی بر اندیشه های مادی گرایانه برای صدها سال تضمین کنند.

با گذشت چهار دهه از پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار نظام جمهوری اسلامی، نه تنها این انقلاب از حرکت باز نماند و جمهوری اسلامی ساقط نشد، بلکه این کانون های قدرت مقابل بود که در مسیر پیوستن به تاریخ قرار گرفت. رهبر حکیم انقلاب اسلامی در بیانیه گام دوم در این خصوص آورده اند:



بحران جهانی ناشی از شیوع ویروس کرونا، از یک طرف ظرفیت های اسلام و توانمندی های جمهوری اسلامی را آشکار ساخت و از طرف دیگر، ناکارآمدی و شکست های مدیریتی و اخلاقی و فروریختن فلسفه اجتماعی غرب را به نمایش گذاشت.

تحلیل ژورنالها ۳۲

۳۹

خرداد ماه ۱۳۹۹
هیأت‌رئیس‌مجلس



با جرات و اطمینان می توان گفت، عصر جدید با عنوان عصر امام خمینی و عصر اسلام در حال شکل گیری است.

اکنون با گذشت چهل جشن سالانه ی انقلاب و چهل دهه ی فجر، یکی از آن دو کانون دشمنی نابود شده و دیگری با مشکلاتی که خبر از نزدیکی احتضار می دهند، دست و پنجه نرم می کند! و انقلاب اسلامی با حفظ و پابندی به شعار های خود همچنان به پیش می رود. بعد از نابود شدن کانون نظام های سوسیالیستی از نظر اندیشه و تفکر، غربی ها تصور کردند، هزاره سوم به صورت انحصاری تحت سیطره مدرنیته غربی و اندیشه لیبرال دموکراسی خواهد بود. طی سه دهه بعد از فروپاشی بلوک شرق، غربی ها به لحاظ ایدئولوژیک، انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی را به خاطر پرچمداری اسلام سیاسی، خطرناکترین دشمن خود ارزیابی کرده، برای نابودی اش به هر اقدامی دست زدند. غربی ها در این سال های طولانی با محوریت آمریکا به عنوان پرچمدار لیبرال دموکراسی، در اولویت اول براندازی جمهوری اسلامی، و در اولویت دوم برای ناکار سازی آن، تلاش کردند. اما اینک واقعیات به گونه ای دیگر رخ می نمایند. با پدید آیی یک بحران جهانی ناشی از شیوع بیماری کرونا، تبلیغات رنگ باخت و واقعیت آشکار گردید. برخی از مختصات واقعیات کنونی عبارت است از:

۱. پایان عصر آمریکا در حال رقم خوردن است.
 ۲. جمهوری اسلامی ضمن تثبیت قدرت منطقه ای خود، در حال تبدیل شدن به یک قدرت بین المللی و ابر قدرت جهانی است.
 ۳. کارآمدی جمهوری اسلامی در بحران جهانی کرونا در مقایسه با عملکرد دولت های غربی، ارزش های اسلامی را بیش از پیش در کانون توجهات قرار داده است.
 ۴. نظام های سرمایه داری شکل گرفته بر مبنای اندیشه لیبرال دموکراسی، در جوامع غربی رنگ باخته، ملتها در مغرب زمین به مقابله با آن روی آورده اند.
- در این نوشتار به اختصار موارد پیش گفته مورد بررسی قرار می گیرد.

پایان عصر آمریکا

امپراطوری ها و قدرتهای برتر و تاثیر گذار، بر پایه یک ایدئولوژی جذاب از یک سوء و توانایی های نظامی، اقتصادی، مدیریتی و سیاسی از دیگر سو شکل می گیرند. تاریخ ظهور و افول امپراطوری ها و قدرتهای متعدد و گوناگونی را به خود دیده است. هر قدرتی به دلایلی در سرزمینی شکل گرفته و پس از گذشت سالیانی هر چند طولانی،



غربی‌ها در این سال‌های طولانی با محوریت آمریکا به عنوان پرچمدار لیبرال دموکراسی، در اولویت اول براندازی جمهوری اسلامی، و در اولویت دوم برای ناکار سازی آن، تلاش کردند

عمرش پایان می‌پذیرد. واقعیت آن است ایالات متحده به عنوان یک قدرت برتر جهانی در دهه‌های گذشته، هم از لحاظ ایدئولوژی و هم از نظر قدرت اقتصادی، نظامی، سیاسی و مدیریتی، آن‌چنان ضعیف شده که می‌توان گفت، پایان عصر آمریکا نزدیک است. آمریکای مدعی برتری نسبت به دیگران و داشتن صلاحیت برای رهبری جهانی به لحظ قدرت‌تمند بودن در حوزه‌های گوناگون، به تعبیر مقام معظم رهبری در بستر احتضار به سر می‌برد. نشانه‌هایی از این افول فرارسیدن پایان عصر آمریکا عبارت است از:

۱. تضادهای درونی و شکل‌گیری جنبش‌های مردمی

نظام سرمایه‌داری حاکم بر آمریکا با رویکردهای نژاد پرستانه و ظالمانه، اکنون با پدیدآیی جنبش‌های فراگیر مردمی با یک چالش بزرگ در سرتاسر ایالات متحده مواجه شده است. در سال ۱۳۹۰ در آمریکا جنبشی با نام و عنوان «جنبش وال استریت» با «شعار نه به نظام سرمایه‌داری» و ما ۹۹ درصد هستیم شکل گرفت رهبران این جنبش از قشرهای گوناگون مردم آمریکا را تحت استثمار جریان یک درصدی سرمایه‌داری معرفی کرده، خواهان نابودی آن بودند سردمداران نظام ضد انسانی آمریکا، به شدت با این جنبش برخورد کرده و آن را سرکوب نمودند.

رهبر حکیم و فرزانه انقلاب اسلامی در همان مقطع در تاریخ بیستم مهر ماه ۱۳۹۰، در جمع پرشور هزاران نفر از مردم کرمانشاه، با اشاره به جنبش اعتراضی وال استریت فرمودند: «ممکن است حکومت آمریکا با شدت عمل، این جنبش را سرکوب کند، اما نمی‌تواند ریشه‌های آن را از بین ببرد. ریشه‌های این حرکت در آینده آنچنان گسترش خواهد یافت که نظام سرمایه‌داری آمریکا و غرب را زمین خواهد زد.»

معظم‌له در آن دیدار مردمی، با تأکید بر اینکه واقعیت‌های امروز نظام سرمایه‌داری، درس عبرت برای کسانی است که خواستار عمل به روش‌های نظام سرمایه‌داری غرب هستند، افزودند: «نظام سرمایه‌داری در بن‌بست کامل قرار گرفته و بحران غرب به طور کامل شروع شده است.»

اکنون و به دنبال مرگ یک سیاه‌پوست به شکل فجیع با رفتارهای نژاد پرستانه و ضد انسانی پلیس، آن‌چنان قیامی را در سراسر آمریکا پدید آورده که جهانیان را در بهت و حیرت فرو برده است. ترامپ به عنوان رئیس‌جمهور نژادپرست حاکم در کاخ سفید، جنگ علیه مردم آمریکا را با تصور سرکوب این قیام و جنبش اعلام کرده و ارتش را به خیابان‌ها آورده است. حضور گسترده مردم در خیابان‌ها به رغم سرکوب شدید و اعلام حکومت نظامی، نشان می‌دهد که

“

می توان گفت، پایان عصر آمریکانزدیک است. آمریکای مدعی برتری نسبت به دیگران و داشتن صلاحیت برای رهبری جهانی به لحاظ قدرتمند بودن در حوزه های گوناگون، به تعبیر مقام معظم رهبری در بستر احتضار به سر می برد.

تحلیل ژورنالها

۳۱

خرداد ماه ۱۳۹۹
هیأت رزمندگان اسلام

“

زانو زدن پلیس بر روی گردن یک سیاه پوست و فشار دادن آن تاجان باختن شخص و تماشای این صحنه از طرف چند پلیس دیگر، چیز جدیدی نیست، بلکه همان اخلاق و طبیعت حکومت آمریکا است که قبلاً نیز با بسیاری از کشورهای دنیا مثل افغانستان، عراق، سوریه و قبل از آن در ویتنام، همین کارها را کرده اند

آمریکایی ها با همان شعار «ما ۹۹ درصد هستیم» جانشان از ظلم و ستم و بی عدالتی نظام سرمایه داری و سرمایه داران یک درصدی به لب رسیده است. این جنبش پر حرارت که پس از گذشت ۹ سال از سرکوب جنبش وال استریت دو مرتبه قد علم کرده و از صحت پیش بینی رهبر حکیم انقلاب اسلامی در سال ۱۳۹۰ حکایت می کند. مقام معظم رهبری که در سال های گذشته در مقاطع مختلف از «بن بست نظام سرمایه داری» و «افول قدرت آمریکا» سخن گفته اند؛ در سخنرانی ۱۴ خرداد سال جاری به مناسبت سی و یکمین سالگرد رحلت امام (ره) با اشاره به حوادث اخیر آمریکا فرمودند:

«زانو زدن پلیس بر روی گردن یک سیاه پوست و فشار دادن آن تاجان باختن شخص و تماشای این صحنه از طرف چند پلیس دیگر، چیز جدیدی نیست، بلکه همان اخلاق و طبیعت حکومت آمریکا است که قبلاً نیز با بسیاری از کشورهای دنیا مثل افغانستان، عراق، سوریه و قبل از آن در ویتنام، همین کارها را کرده اند.»
ایشان شعار امروز مردم آمریکا یعنی «نمی توانیم نفس بکشیم» را حرف دل همه ملت های تحت ظلم دانستند و افزودند:

«البته آمریکایی ها با رفتار هایشان در دنیا رسوا شده اند. آن از مدیریت ضعیف شان در کرنا که به علت فساد موجود در هیات حاکمه آمریکا، تلفات و مبتلایان به بیماری در آمریکا چندین برابر کشورهای دیگر است.»

اکنون در آمریکا وضعیت ویژه ای به لحاظ امنیتی، نا آرامی و خشم اجتماعی پدید آمده، به گونه ای که عده ای سخن از انقلاب مردمی در آمریکا به میان آورده اند. آن چه قابل بیان و تاکید است؛ فروپاشی آمریکا و نظام سرمایه داری به دلیل ظلم و بی عدالتی درونی است. نظام سرمایه داری در داخل آمریکا دیگر برای مردم ایالات متحده قابل تحمل نیست. مردم آمریکا خود را در کشورشان، تحت استعمار و سلطه نظام سرمایه داری دانسته، مصمم به نابودی آن هستند.

۲. بحران اقتصادی

اگر قدرت اقتصادی ایالات متحده را یکی از عوامل اصلی تبدیل این کشور به یک قدرت جهانی پس از جنگ جهانی دوم بدانیم، اکنون آمریکا در مسیر از دست دادن این قدرت، پر شتاب حرکت می کند. بسیاری از صاحب نظران مسائل راهبردی، از جمله نظریه پردازان آمریکایی معتقدند، افول آمریکا از اقتصاد شروع شده و مانند



اکنون جمهوری اسلامی، رکورددار جهانی شکستن نمادهای اقتدار ایالات متحده آمریکا به حساب می آید به طور قطع کشوری می تواند این چنین در شکستن اقتدار آمریکا رکورد بزند که خود یک ابر قدرت باشد.

تحلیل ژورنالی

۳۳

خرداد ماه ۱۳۹۹
هیأت رزمندگان اسلام

موربانیه ای آرام در حال پیشروی است. روند افزایش بدهی دولت آمریکا، کاهش تولید ناخالص داخلی، ورشکستگی برخی صنایع و افزایش بیکاری، سردمداران نظام سرمایه داری در ایالات متحده را نسبت به آینده به شدت نگران ساخته است. آمریکا در پایان جنگ افغانستان و عراق ۷ تریلیون بدهی داشت اما بر اساس پیش بینی ها این رقم در سال ۲۰۲۰ به نزدیک ۲۴ تریلیون دلار می رسد. سهم آمریکا در سال ۲۰۱۸ حدود ۲۴ درصد اقتصاد جهان بود و این سهم اکنون به کمتر از ۲۰ درصد رسیده است.

آمریکا با این روند افت قدرت اقتصادی، همانند گذشته قادر به پشتیبانی از کشورهای هم پیمان نیست. آمریکا دیگر نمی تواند در مقیاس وسیع نیروهای نظامی و پایگاه های خود را در سرزمین های دور اداره کند. اقتصاد آمریکا دیگر توان پشتیبانی از جنگ های بزرگ را ندارد.

۳. کاهش قدرت نظامی

یکی از مهم ترین عرصه های افت قدرت آمریکا، عرصه نظامی گری است. آمریکایی ها در دهه های گذشته، به پشتوانه قدرت نظامی خود، دیگر کشورها را اشغال کرده، دولت هایی را جابجا نموده و خواست و اراده خود را به دیگران تحمیل می کردند. اکنون این قدرت به شدت دچار سایش ناکارآمدی شده، تابوی شکست ناپذیری آنان به برکت انقلاب اسلامی شکسته شده و دیگر قادر به استفاده از قدرت نظامی خود در راستای اهداف زیاده خواهانه نیستند. آمریکایی ها آن چنان ضعیف شده اند که، حتی قادر به انجام واکنش های حداقلی برای حفظ ابهت و پرستیژ خود در قبال برخی از وقایع نیستند. انفعال آمریکایی ها در قضیه ساقط شدن پهپاد فوق پیشرفته، موشک باران عین الاسد و ورود پنج کشتی نفتی ایران به منطقه کارائیب به عنوان حیات خلوت آمریکا، نمونه هایی از این دست است.

مقام معظم رهبری در خصوص این ضعف آمریکایی ها می فرماید:

«به وضوح امروز آمریکا، در این منطقه ضعیف تر از ده سال پیش و بیست سال پیش است؛ به وضوح رژیم صهیونیستی خبیث، امروز ضعیف تر از گذشته است... امروز ملت ایران و کشور ایران یک درخت تناور است؛ امروز آمریکا و رژیم صهیونیستی غلط می کند که ملت ایران را تهدید کنند؛ تهدیدهای آن ها، حرکات آن ها، خباثت های آن ها تا امروز شکست خورده است، از این پس هم شکست خواهد خورد، سیاست هایشان هم شکست خواهد خورد، به برکت مقاومت. بنابراین آمریکا رو به افول است؛ این را همه بدانند. آن کسانی هم که به پشتیبانی آمریکا حاضرند مسئله فلسطین را در این منطقه به کلی فراموش کنند، بدانند آمریکا رو به افول است.»

۴. افول آمریکا از نظر کارشناسان

در سال‌های اخیر بسیاری از صاحب‌نظران و فعالان در عرصه امور بین‌الملل، از کاهش قدرت آمریکا سخن گفته‌اند. صحبت‌هایی که بعضاً نشان از پایان عصر آمریکا دارد.

مواردی از این اظهار نظرها در زیر می‌آید:

الف - جوزپ بورل مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا: «تحلیلگران از مدت‌ها پیش درباره پایان نظم تحت رهبری آمریکا و فرارسیدن پایان قرن آمریکایی

صحبت کرده‌اند. این اتفاق الان در پیش روی چشم ما در حال وقوع است.»

ب - «جان میرشایمر» اندیشمند آمریکایی و برجسته روابط بین‌الملل در مقاله‌ای بانام «ملزم به افول؛ ظهور و افول نظم بین‌المللی ایران» باصراحت موضوع افول نظم تحت رهبری آمریکا را مطرح می‌کند.

ج - نشریه استراتژیک (The Strategist) وابسته به موسسه سیاست راهبردی استرالیا (ASPI) در مطلبی نوشته است: «جهانی شدن کووید ۱۹، اساساً قادر است سه روند ژئوپلیتیکی بنیادین را تسریع کند: ۱- ظهور آسیا ۲- افول ایالات متحده ۳- تقویت آلمان

جمهوری اسلامی در جایگاه قدرت جهانی

قدرت مقوله‌ای نسبی و سطح و میزان آن در مقایسه با قدرت‌های دیگر مشخص می‌شود. با افول قدرت آمریکا، قدرت‌های جدیدی چون ایران ظهور کرده است. اکنون ایران نه تنها یک قدرت منطقه‌ای در مهمترین منطقه راهبردی جهان یعنی غرب آسیا، بلکه یک قدرت موثر بین‌المللی و یک قدرت جهانی است.

اگر مفهوم قدرت از نظر سیاسی و در عرصه روابط بین‌الملل توانایی در اعمال اراده و تحقق خواسته‌ها و توانایی عبور از موانع باشد؛ اکنون جمهوری اسلامی در مقیاس جهانی از چنین توانایی‌هایی برخوردار است. مهم‌ترین دلیل و نشانه برای این ادعا، ارسال محموله بزرگ سوختی به ونزوئلا با پنج فروند کشتی غول پیکر با پرچم برافراشته جمهوری اسلامی ایران است. آمریکایی‌ها که هم ایران و هم ونزوئلا را تحت شدیدترین تحریم‌ها قرار داده‌اند، به خوبی می‌دانستند که رسیدن این کشتی‌ها به سواحل ونزوئلا، یعنی سواحل با فاصله ۱۲ هزار کیلومتر دورتر از سواحل ایران چه پیام‌ها و پیامدهایی دارد. بنابراین شروع به تهدید نموده، سعی کردند جمهوری



بسیاری از صاحب‌نظران مسائل راهبردی، از جمله نظریه پردازان آمریکایی معتقدند، افول آمریکا از اقتصاد شروع شده و مانند موربان‌های آرام در حال پیشروی است، روند افزایش بدهی دولت آمریکا، کاهش تولید ناخالص داخلی، ورشکستگی برخی صنایع و افزایش بیکاری، سردمداران نظام سرمایه داری در ایالات متحده را نسبت به آینده به شدت نگران ساخته است

تحلیل ژورنالها ۳۲

اسلامی را از ادامه حرکت در این مسیر باز دارند. اما جمهوری اسلامی با اعتماد به نفس بالا و صراحت هر چه تمام از طریق سازمان ملل، سفارت سوئیس در تهران و کشورهای چون عمان و قطر، این پیام را به آمریکایی ها داد که اگر کوچکترین خطایی درباره کشتی های ایران مرتکب شوند، با واکنش قاطع جمهوری اسلامی مواجه خواهند شد. هر پنج کشتی به سواحل ونزوئلا رسید و محموله سوختی اش را تخلیه نمود و آمریکایی ها هیچ کاری نتوانستند انجام دهند. چرا؟ به دلیل اعتبار تهدیدهای جمهوری اسلامی که مبتنی و متکی بر قدرت واقعی ملت ایران است. به طور قطع پشتوانه این اعتبار، غیر از اقتدار موشکی، سرنگون شدن پهپاد فوق پیشرفته گلوبال هاوک و موشک باران عین الأسد و همچنین توقیف نفتکش انگلیسی و... نبوده و نیست.

وقتی ایران اولین کشوری باشد که با سامانه دفاعی بومی، پهپاد متجاوز آمریکایی ها را ساقط می کند و برای اولین بار طی ۷۰ سال ابر قدرتی آمریکا، به صورت رسمی با موشک باران عین الأسد به آمریکا سلیلی نظامی می زند و آمریکا قادر به واکنش نیست، این وضعیت معنایی جز افول قدرت آمریکا و ظهور جمهوری اسلامی به عنوان یک قدرت جهانی ندارد. اکنون تمام کارشناسان امور راهبردی بین المللی، از لنگر انداختن نفتکش های غول پیکر ایرانی در سواحل ونزوئلا، به عنوان تحولات بنیادین ژئوپلیتیکی یاد می کنند. براساس دکتربین ۱۹۷ ساله موسوم به مونروئه، دریای کارائیب و اقیانوس اطلس، حیات خلوت آمریکا به حساب می آمد؛ اما رسیدن کشتی های ایرانی به رغم تهدیدات به سواحل ونزوئلا این دکتربین را فرو ریخت. اکنون جمهوری اسلامی، رکورددار جهانی شکستن نمادهای اقتدار ایالات متحده آمریکا به حساب می آید به طور قطع کشوری می تواند این چنین در شکستن اقتدار آمریکا رکورد بزند که خود یک ابر قدرت باشد.

میزان کارآمدی ایران و غرب در بحران کرونا

ناکارآمد معرفی کردن نظام سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه، یکی از سیاست های ثابت نظام سلطه و جریان رسانه ای او و تمامی مخالفین و معاندین طی چهل سال گذشته بوده است. دشمنان به خوبی می دانند در صورتی که مردم ایران نظام دینی را کارآمد ارزیابی نمایند، همواره از آن پشتیبانی و حمایت خواهند کرد. بر همین اساس از طریق فشارها و تحریم ها، ایجاد اخلاص ها و کار شکنی ها و جنگ نرم، تلاش کرده اند تا مردم چنین ارزیابی از نظام جمهوری اسلامی نداشته باشند. با توجه به پیشرفت ها و موفقیت ها و تلاش نظام اسلامی برای بهبود وضعیت کشور و مردم، دشمنان برای ایجاد نارضایتی عمومی در ایران، از طریق جنگ



آمریکایی‌ها آن چنان ضعیف شده‌اند که، حتی قادر به انجام واکنش‌های حداقلی برای حفظ ابهت و پرستیژ خود در قبال برخی از وقایع نیستند. انفعال آمریکایی‌ها در قضیه ساقط شدن پهپاد فوق پیشرفته، موشک باران عین الاسد و ورود پنج کشتی نفتی ایران به منطقه کارائیب به عنوان حیات خلوت آمریکا، نمونه‌هایی از این دست است.

تحلیل‌های ۳۲

۳۵

خرداد ماه ۱۳۹۹
هیأت‌رئیس‌مندان اسلام



براساس دکتربین ۱۹۷ ساله موسوم به مونروته، دریای کارائیب و اقیانوس اطلس، حیات خلوت آمریکا به حساب می‌آمد؛ اما رسیدن کشتی‌های ایرانی به رغم تهدیدات به سواحل ونزوئلا این دکتربین را فرو ریخت.

ادراکی، تصویرسازی غلط و منفی از وضعیت ایران را از یک سو، و تصویرسازی غلط و مثبت را از نظام‌های لیبرال دموکراسی غربی از دیگر سو، با جدیت دنبال کرده‌اند. هدف اصلی در این حرکت دشمن، ایجاد یأس و ناامیدی و بی‌اعتمادی مردم نسبت به جمهوری اسلامی است. اما با پدیدایی بحران جهانی ناشی از شیوع ویروس کرونا و ابتلا جوامع بشری به بیماری‌ها و مرگ و میرها، پرده‌ها کنار رفت و تبلیغات رنگ باخت و واقعیات آن چنان که بود رخ نمود. در این صحنه واقعی، تصاویر واقعی برعکس به شرح زیر نمایان شد:

الف) کارآمدی و عملکرد مثبت جمهوری اسلامی در بحران کرونا

۱. شکل‌گیری مدیریت جهادی برای مقابله، درمان و پیشگیری
۲. ایجاد وحدت و همدلی مؤمنانه در میان آحاد جامعه
۳. تقویت روحیه ایثارگری و حماسه‌آفرینی در جامعه خصوصاً در نسل جوان
۴. آشکار شدن توانمندی‌های نظام سلامت کشور در خدمت‌رسانی
۵. خدمات رایگان به آحاد مبتلایان به بیماری
۶. تکریم همه بیماران با هر سن و جنس
۷. انطباق شعائر و آموزه‌های دینی با شرایط کرونایی در چهارچوب نظرات کارشناسی
۸. احترام به اموات کرونایی از حیث غسل و کفن و دفن
۹. آشکار شدن ظرفیت‌های کشور برای تولید تمامی نیازمندی‌های این عرصه اعم از لوازم پزشکی و مواد بهداشتی

۱۰. برجسته شدن نگاه‌های خیرخواهانه ایرانی‌ها و نظام اسلامی برای کمک به دیگر کشورها

ب) ناکارآمدی و عملکرد منفی دولت‌ها در کشورهای پیشرفته و مدعی غربی در بحران کرونا

۱. شکست‌های مدیریتی و ضعف و ناتوانی دولت‌ها در مدیریت بحران
۲. شکست‌های اخلاقی و درگیری‌ها و تنش‌ها در فروشگاه‌ها به خاطر کمبود کالاها

۳. آشکار شدن ناکارآمدی نظام بهداشت و سلامت کشورهای غربی برای مقابله با بحران

۴. سربر آوردن غرب وحشی با جلوه گر شدن رفتارهای غیر اخلاقی دولت ها در راه زنی ها و سرقت ها از قبیل سرقت ماسک، دستکش و... از یکدیگر
۵. بی اعتنائی به سالمندان و رها کردن آنان به دلیل کمبود امکانات از یک سو، و غیر مفید بودن آنان از حیث سود رسانی به نظام سرمایه داری
۶. آشکار شدن رفتارهای نژادپرستانه و تبعیض نژادی به گونه ای که بیشترین آمار مرگ و میرها نسبت به جمعیت در آمریکا، متعلق به سیاه پوستان است.
۷. بالا بودن هزینه های درمان در کشورهای غربی و بی تعهدی دولت ها نسبت به بیماران فقیر و کم درآمد.
۸. بی احترامی به مردگان کرونایی و دفن دسته جمعی در گورهای جمعی
- در یک نگاه اجمالی و مقایسه آمار و ارقام مشخص می شود که نظام مردم سالاری دینی در ایران، از بحران کرونا با موفقیت در حال عبور است؛ اما بیشتر کشورهای غربی و از جمله آمریکا در این بحران ناکارآمدی را در پرونده خود ثبت کردند.



تحلیل و ادراک

رضا داوری

بررسی نقش امین انقلاب در ارتقاء جایگاه نظام اسلامی



راز ماندگاری انقلاب ایران نسبت به سایر انقلاب‌ها، مداومت و استمرار ملت ایران بر راه و روش انقلابی است.

*یکی از مواردی که انقلاب اسلامی ایران را از انقلاب‌های بزرگ دنیا همچون ، انقلاب ۱۷۸۹م فرانسه به عنوان یک انقلاب لیبرال، انقلاب ۱۹۱۷م روسیه به عنوان یک انقلاب چپ، انقلاب پرولتاریا ۱۹۴۹مائو در چین و انقلاب ۱۹۶۲م الجزایر متمایز می‌کند، مکتب و اصول فکری بنیانگذار انقلاب اسلامی و همچنین جانشین ایشان در طی چهار دهه اخیر بوده است که از آن به عنوان رمز مانایی، ماندگاری و شکوفایی آن نام می‌برند.

*حضرت امام^(ع) با عمق درایت خود می‌دانست در صورتی که روح یک ملت به لحاظ معنوی اعتلاء یابد، دستیابی به سایر اهداف برایش کار دشواری نخواهد بود. این دقیقاً بر خلاف مسیر انقلاب‌های دیگر بود که نه تنها تلاشی برای ارتقای دین مردم نکردند، که از در ضدیت با دین در آمدند.

*مردم انقلابی ایران، علی‌رغم همه مشکلات و شدایدی که در پی انقلاب با آن روبه رو شدند، لحظه‌ای از حمایت از انقلاب دست نکشیدند، چرا که هیچ‌گاه از تحقق وعده الهی ناامید نشده‌اند.

*راز ماندگاری انقلاب ایران نسبت به سایر انقلاب‌ها، مداومت و استمرار ملت ایران بر راه و روش انقلابی است. بسیاری از انقلاب‌ها خیلی زود دچار استحاله شدند و بنیان‌های ایدئولوژیک خود را از دست دادند، در نتیجه روبه تضعیف نهادند، اما استمرار انقلاب یک عهد ماندگار میان مردم و رهبری انقلاب است که تاکنون از گذرگاه‌ها خطیر بسیاری عبور کرده است و به سلامت بیرون آمده است.

*اکنون با ارتقای موقعیت منطقه‌ای ایران و تبدیل جمهوری اسلامی به قدرت تعیین‌کننده در این منطقه از یک طرف، و افول قدرت آمریکا به عنوان محور نظام سلطه و مدعی رهبری جهان برای یک صد سال از طرف دیگر، نظم جهانی در حال تغییر است و نظم جدیدی در حال شکل‌گیری می‌باشد. در نظم جدید در حال شکل‌گیری، ایران با موقعیت ژئوپلیتیکی برتر، محور یک قطب قدرت خواهد بود.

*در پایان دهه چهارم انقلاب اسلامی و آغاز دهه پنجم، به رغم توطئه‌ها و فتنه‌های گوناگون از سوی نظام سلطه و متحدینش علیه ملت ایران، جمهوری اسلامی به یک قدرت مؤثر و تعیین‌کننده منطقه‌ای تبدیل شده است و روند تحولات جاری در منطقه، از آینده‌ای درخشان برای ایرانیان حکایت می‌کند؛ آینده‌ای که در آن

تکلیف‌ها



در کلام رهبر انقلاب، معیارهای خاصی برای اطلاق انقلاب به تحولات دامنۀ دار و بنیادین در اقصای نقاط دنیا، وجود دارد و هر دگرگونی سیاسی یا تغییرات بزرگ در قدرت سیاسی، از نوع بیشتر تحولات امریکای لاتین و شمال آفریقا در نیمه دوم قرن بیستم از نظرگاه ایشان انقلاب محسوب نمی شود.

تحلیل و ارزیابی

ع.۰

خرداد ماه ۱۳۹۹
هیأت رزمندگان اسلام

تمدن نوین اسلامی با محوریت جمهوری اسلامی شکل گرفته است. آینده‌ای که قطب قدرت جهان اسلام در یک نظام چندقطبی با محوریت جمهوری اسلامی تحقق پیدا کرده است. *ارائه مکتب سیاسی امامین انقلاب، نیاز اصلی امروز بشریت است زیرا تمامی مصائب، رنج‌ها و گرفتاری کنونی بشر، محصول مکتب لیبرال - دموکراسی است که دنیای غرب، ادعای تکامل یافته بودن این مکتب را داشت. امروز مهم‌ترین وظیفه، انتقال سالم مکتب سیاسی امام خمینی و جانشین شایسته ایشان به نسل‌های آینده است، مکتبی که عمق نفوذ و گستره آن هر روزه خاکریزهای جدیدتری را فتح می کند.

در نقشه سیاسی دنیای امروز، ۵۷ کشور با نام حاکمان و دولتمردان مسلمان اداره می شوند. نیم نگاهی بر شرایط حاکم بر کشورهای اسلامی نشان می دهد علیرغم برخورداری این کشورها از منابع سرشار طبیعی، موقعیت ژئواکونومیک، ژئواستراتژیک، جمعیت جوان، پیشینه غنی تمدنی و دهها امتیاز بی بدیل دیگر، اما جایگاه شایسته و نقش آفرینی بایسته‌ای را در دنیای امروز ایفا نمی کنند.

در این میان و به اعتقاد قاطبه تحلیل گران مسائل سیاسی و راهبردی، جمهوری اسلامی ایران در چهار دهه اخیر به عنوان یک استثناء در میان کشورهای اسلامی، صاحب جایگاهی رفیع، تاثیرگذار و الهام بخش نه تنها در میان جوامع مسلمان بلکه در میان کشورهای دیگر بوده است. به راستی تبدیل کشوری که در چهار دهه قبل، بیش از ۵۴ هزار مستشار نظامی و فنی بر مقدرات آن حاکم بودند و از کمترین استقلال ممکن هم برای اداره مسائل داخلی و تصمیم گیری های منطقه ای و بین الملل برخوردار نبود به یک کشور بازیگر و کنشگر در عرصه های مختلف منطقه ای و بین المللی حاصل کدام طراحی و هدایت است؟

در سی و یکمین ایام سالگرد ارتحال بنیانگذار انقلاب اسلامی - اسطوره ای که به تعبیر مقام معظم رهبری به مرزهای عصمت نزدیک شده بود - و همچنین در پاسداشت رهبری سی و یک ساله حضرت آیت الله خامنه ای (مدظله)، سعی داریم نیم نگاهی به جایگاه رشک برانگیز و رفیع نظام اسلامی که بدون تردید بخش عمده آن مرهون تدابیر امامین انقلاب اسلامی است، داشته باشیم تا بار دیگر با تجلیات مکتب آسمانی این دو عزیز بیشتر آشنا شویم.

پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ بر اساس اندیشه امام خمینی (ع) شکل گرفت. یکی از مواردی که انقلاب اسلامی ایران را از انقلاب های بزرگ دنیا همچون، انقلاب ۱۷۸۹م فرانسه به عنوان یک انقلاب لیبرال، انقلاب ۱۹۱۷م روسیه به عنوان یک انقلاب چپ، انقلاب پرولتاریا ۱۹۴۹مائو در چین و انقلاب ۱۹۶۲م الجزایر متمایز می کند، مکتب و اصول فکری بنیانگذار



عمدتاً تأکیدات رهبر انقلاب درباره عبرت‌های تاریخی انقلاب‌های جهان بر سه انقلاب فرانسه (۱۷۸۹)، روسیه (۱۹۱۷) و الجزایر (۱۹۶۲) بوده است. انتخاب این سه انقلاب البته حکمت خاص خود را دارد. در وهله اول، بر اساس معیارهایی که در متون آکادمیک دنیا درباره تعریف انقلاب وجود دارد، هر سه این رویدادها به طور قطع انقلاب محسوب می‌شوند

تحلیل و ارزیابی

انقلاب اسلامی و همچنین جانشین ایشان در طی چهار دهه اخیر بوده است که از آن به عنوان رمز مانایی، ماندگاری و شکوفایی آن نام می‌برند.

انقلاب‌های بزرگ دنیا در مقایسه با انقلاب اسلامی

وقتی به مرور بیانات رهبر معظم انقلاب در توصیف و تفسیر انقلاب‌های بزرگ جهان و مقایسه آن با انقلاب اسلامی می‌پردازیم، به وضوح معلوم می‌شود که برای معظم‌له بررسی سرنوشت انقلاب‌های بزرگ تاریخ در نسبت آن‌ها با انقلاب اسلامی ایران، همواره یک دغدغه جدی بوده است.

در کلام رهبر انقلاب، معیارهای خاصی برای اطلاق انقلاب به تحولات دامنه دار و بنیادین در اقصی نقاط دنیا، وجود دارد و هر دگرگونی سیاسی یا تغییرات بزرگ در قدرت سیاسی، از نوع بیشتر تحولات آمریکای لاتین و شمال آفریقا در نیمه دوم قرن بیستم از نظر گاه ایشان انقلاب محسوب نمی‌شود. از این رو، عمده‌تأکیدات رهبر انقلاب درباره عبرت‌های تاریخی انقلاب‌های جهان بر سه انقلاب فرانسه (۱۷۸۹)، روسیه (۱۹۱۷) و الجزایر (۱۹۶۲) بوده است. انتخاب این سه انقلاب البته حکمت خاص خود را دارد. در وهله اول، بر اساس معیارهایی که در متون آکادمیک دنیا درباره تعریف انقلاب وجود دارد، هر سه این رویدادها به طور قطع انقلاب محسوب می‌شوند، چرا که تغییرات بنیادینی را علاوه بر حوزه سیاست صرف دنبال می‌کردند. اما این سه انقلاب یک وجه نمادین قوی هم در خود دارند که به شدت در زمینه انطباق تاریخی بر انقلاب اسلامی به کار می‌آیند.

با اندکی مسامحه، می‌توان این سه انقلاب را به عنوان سه نماد از سه خواست بزرگ جوامع انسانی به حساب آورد: آزادی (انقلاب فرانسه)، عدالت (انقلاب روسیه) و استقلال (انقلاب الجزایر). از سویی دیگر، هر سه این انقلاب‌ها را در نهایت می‌توان شکست خورده نامید، چرا که انقلاب فرانسه تنها بعد از حدود ۱۴ سال با روی کار آمدن «ناپلئون بناپارت» به عنوان امپراتور به پایان رسید. انقلاب شوروی بعد از حدود هفتاد سال در ۱۹۹۱ فروپاشید. انقلاب الجزایر که با هدف استقلال این کشور از فرانسه صورت گرفت، عملاً با ادامه سلطه و نفوذ فرهنگی و اجتماعی فرانسه تا همین سال‌های اخیر، به اهداف از پیش تعیین شده خود نرسید. در میان دلایل عدم توفیق این انقلاب‌ها در این سه کشور، شاید بتوان سه دلیل را به تفکیک برجسته کرد که در دل خود دربرگیرنده سایر عوامل هم هستند:



در نهایت هم، انقلاب دموکراتیک برای حاکمیت مردم، به ضد خود بدل شد. چه در فرانسه و چه در شوروی یک هیأت حاکمه کوچک خود را به عنوان مصداق و نماد «مردم» و خرد ناب آن مطرح کرد، و در نتیجه انقلاب دموکراتیک به بدترین استبدادها تبدیل شد.

تحلیل و ارزیابی

۴۲

خرداد ماه ۱۳۹۹
هیأت رزمندگان اسلام

علت شکست انقلاب فرانسه: محوریت دادن به عقل اومانیستی منهای خدا از نوع لیبرالیسم
علت شکست انقلاب روسیه: محوریت دادن به عقل اومانیستی منهای خدا از نوع مارکسیسم
علت شکست انقلاب الجزایر: استحاله فرهنگی در برابر غرب

مروری بر دلایل شکست این سه انقلاب

هر دو انقلاب فرانسه و روسیه در بدو امر، اصالت را به «توده مردم» دادند. به این مفهوم که از مفهومی مجرد و ذهنی به نام توده مردم، یک مفهوم مقدس و خطاناپذیر ساختند که قرار بود جای اندیشه الهی را بگیرد. ابزار این توده مقدس برای اداره امور دنیا، عقل خودبنیاد اومانیستی بود. به این معنا که بر اساس افکار فیلسوفان دوره روشنگری، از جمله دکارت و کانت، عقل خودبنیاد بشر می توانست در همه چیز (حتی ذات خداوند) شک کند و بر مبنای خرد ناب ایده آل های خود را محقق سازد. این مفهوم انتزاعی، خیلی زود مورد سوء استفاده قرار گرفت و در نهایت هم، انقلاب دموکراتیک برای حاکمیت مردم، به ضد خود بدل شد. چه در فرانسه و چه در شوروی یک هیأت حاکمه کوچک خود را به عنوان مصداق و نماد «مردم» و خرد ناب آن مطرح کرد، و در نتیجه انقلاب دموکراتیک به بدترین استبدادها تبدیل شد.

در الجزایر، ریشه های انقلاب مردم برای استقلال در اسلام بود و مردم این کشور از انگیزه های دینی برای مبارزه سود می جستند و در نهایت هم همین دلیل اصلی پیروزی آن ها بر اشغالگران فرانسوی بود. لیکن بعد از پیروزی انقلاب، مواظبت از ریشه های دینی انقلاب و آرمان های انسانی آن (به ویژه استقلال طلبی) انجام نگرفت. وقتی دین کنار رفت، هواهای نفسانی و قدرت طلبی انقلابیون مخلص دیروز بر آن ها غلبه کرد. مضاف بر این که انقلابیون الجزایر نهایت استقلال را در استقلال سیاسی تعریف می کردند، و گویی هیچ توجهی به وابستگی بزرگ تر، یعنی وابستگی فرهنگی و اجتماعی، نداشتند. در نتیجه دشمن که از بیرون رانده شد، از پنجره وارد شد، و فرانسوی های استعمارگر دیروز با ابزار نفوذ فرهنگی (به ویژه زبان فرانسه) توانستند اذهان الجزایری ها را تسخیر کنند و جایگاه از دست رفته خود را باز یابند.

در هر سه این انقلاب ها، با شدت و ضعف هایی، از فردای پیروزی نقش مردم کم رنگ شد و مردم خیلی زود از دایره تصمیم گیری بیرون گذاشته شدند. در فرانسه روبسپیر بنای دیکتاتوری انقلابی را گذاشت، در روسیه لنین و در الجزایر احمد بن بلا و هر سه این ها انقلابیون مخلص بودند که زندگی خود را وقف پیروزی انقلاب کردند. لیکن وقتی محوریت تفکر انسان ها الهی نباشد و به حیل المتین دین اتصال نداشته باشد، به محض رسیدن به قدرت، به راحتی دچار وسوسه دیکتاتوری می شوند.



در هر سه این انقلاب ها، با شدت و ضعف هایی، از فردای پیروزی نقش مردم کم رنگ شد و مردم خیلی زود از دایره تصمیم گیری بیرون گذاشته شدند. در فرانسه رابیسپیر بنای دیکتاتوری انقلابی را گذاشت، در روسیه لنین و در الجزایر احمد بن بلا و هر سه این ها انقلابیون مخلصی بودند که زندگی خود را وقف پیروزی انقلاب کردند. لیکن وقتی محوریت تفکر انسان ها الهی نباشد و به حیل المتین دین اتصال نداشته باشد، به محض رسیدن به قدرت، به راحتی دچار وسوسه دیکتاتوری می شوند.

تحلیل‌ها ۳۲

در هر سه این انقلاب ها، بر عکس انقلاب اسلامی ایران، وعده های داده شده وعده های بشری و توسط بشر بود. طبیعی است که در کارزار مسایل و مشکلات طاقت فرسای بعد از پیروزی یک انقلاب، وقتی وعده های داده شده محقق نمی شود، مردم از وعده دهندگان زمینی سرخورده و مایوس شوند، و این اتفاقی است که به ویژه در انقلاب های فرانسه و روسیه افتاد و مردم خسته از عدم تحقق وعده های انقلاب خیلی زود دوباره تن به دیکتاتوری و استبداد دادند. اما وعده خداوند، وعده ای جاودانی است و انسان های باورمند و مومن، هیچ گاه از تحقق وعده های الهی ناامید نمی شوند و از همین رو مخلصانه و خستگی ناپذیر بر سر آرمان های خود باقی می مانند. این درست همان چیزی است که در انقلاب اسلامی ایران اتفاق افتاد. مردم انقلابی ایران، علی رغم همه مشکلات و شدایدی که در پی انقلاب با آن رو به رو شدند، لحظه ای از حمایت از انقلاب دست نکشیدند، چرا که هیچ گاه از تحقق وعده الهی ناامید نشده اند.

بر خلاف سه انقلاب ذکر شده، جایگاه ولایت در انقلاب اسلامی ایران، جلوی بسیاری از آفات مبتلا به انقلاب را گرفت. جایگاه دینی و سیاسی توأمان رهبری انقلاب ایران، که تبعیت از آن را به وظیفه ای دینی و سپس سیاسی تبدیل می کند، باعث شد که جلوی بسیاری از شکاف ها، جنگ های قدرت خونبار، کشتار ها و در یک کلام برقراری دوباره استبداد گرفته شود. به علاوه، شخصیت چند وجهی، درایت و بصیرت امام و از همه مهم تر جایگاه ممتاز ایشان به عنوان یک عالم دینی برجسته، امتیازی بود که هیچ کدام از انقلاب های دنیا از آن برخوردار نبودند. به علاوه نوع سلوک حضرت امام و جانشین بر حق ایشان، حضرت آیت الله العظمی خامنه ای، ساده زیستی و مردمی بودن و در میان مردم زیستن، باعث شد که هیچ گاه آن شکاف و حشمتناکی را که میان مردم و حاکمیت در انقلاب های دیگر به وجود آمد، در ایران انقلابی شاهد نباشیم.

در همه این انقلاب ها معمولا یک وجه از خواست های اساسی بشر در محوریت قرار گرفته بود، بی آن که نسبت آن با سایر نیازهای روح انسانی تعیین شود. آزادی، عدالت، استقلال.... همگی نیازهای مهم بشری هستند، لیکن نمی توان آن ها را از هم مجزا کرد و یکی را بر دیگری رجحان داد. از همین رو در تجربه انقلاب ها شاهدیم که معمولا سایر خواست های بشری به نفع یک خواست سرکوب می شود، و در نهایت



نوع سلوک حضرت
امام و جانشین بر
حق ایشان، حضرت
آیت الله العظمی
خامنه ای، ساده
زیستی و مردمی
بودن و در میان
مردم زیستن، باعث
شد که هیچ گاه آن
شکاف و حشمتناکی
را که میان مردم و
حاکمیت در انقلاب
های دیگر به وجود
آمد، در ایران انقلابی
شاهد نباشیم.

تخلیل و ارزیابی

همان یک خواست هم نه تنها تحقق نمی یابد که به ضد خود تبدیل می شود. از همین رو، شاهدیم که در انقلاب اسلامی ایران، حضرت امام بدون تاکید خاصی بر هر یک از این مولفه ها، در همان سخنرانی معروف بهشت زهرا، از تلاش برای ساختن زندگی معنوی مردم ایران گفتند. امام با عمق درایت خود می دانست که در صورتی که روح یک ملت به لحاظ معنوی اعتلاء یابد، دستیابی به سایر اهداف برایش کار دشواری نخواهد بود. این دقیقاً بر خلاف مسیر انقلاب های دیگر بود که نه تنها تلاشی برای ارتقای دین مردم نکردند، که از در ضدیت با دین در آمدند. البته از آن جا که اسلام یک برنامه جامع زندگی است، انقلاب ایران هم به دنبال رشد و تعالی حیات انسانی در همه زمینه ها است.

بر خلاف انقلاب های دیگر، آرمان های انقلاب اسلامی منوط به یک طبقه، یک کشور یا یک نژاد نیست، بلکه آرمان هایی فرامرزی و فرامکانی و فرازمانی است. درک و بینش انقلاب اسلامی از جهان و چگونگی زیست در جهان مختص ایران نیست، بلکه این قابلیت را دارد که گشاینده یک راه جدید برای تمام جهانیان است. چرا که پیام اسلامی انقلاب ایران، منطبق با فطرت انسان در مفهوم عام آن است. در حالی که ظرفیت انقلابی ایدئولوژی مارکسیسم به بن بست انجامید، مصایب لیبرالیزم در ایجاد نابرابری، فقر، ابتذال و نیهیلیزم روز به روز بیشتر رخ می نماید، در حالی که مسیحیت قرن هاست که از جایگاه خود در تمدن بشر غربی به حاشیه رانده شده است و اکنون حتی صحبت از کلیسای بدون خدا می شود، و در حالی که اسلام با قرائت وهابی تکفیری، جز خون و خشونت و جنایت برای خود مسلمین نداشته است، خالی از هر نوع اغراق و خوش بینی می توان گفت که تجربه انقلاب اسلامی با پای فشردن بر ارزش های تابناک و انسانی تشیع، تنها تجربه روشن پیش رو نه تنها مسلمین، که کل جهانیان است. دیگر راز ماندگاری انقلاب ایران نسبت به سایر انقلاب ها، مداومت و استمرار ملت ایران بر راه و روش انقلابی است. بسیاری از انقلاب ها خیلی زود دچار استحاله شدند و بنیان های ایدئولوژیک خود را از دست دادند، در نتیجه رو به تضعیف نهادند، اما استمرار انقلاب یک عهد ماندگار میان مردم و رهبری انقلاب است که تاکنون از گذرگاه ها خطیر بسیاری عبور کرده است و به سلامت بیرون آمده است.

رمز ماندگاری و مانایی انقلاب اسلامی ایران

رمز مانایی و پویایی انقلاب امام خمینی^(ره) را باید در ماهیت اندیشه های جاوید حضرت امام جستجو کرد، اندیشه هایی که امروزه به عنوان یک مکتب جدید قد علم کرده و تعریف جدیدی از قدرت را در جهان امروز به نمایش گذارده است.



دیگر راز ماندگاری
انقلاب ایران نسبت
به سایر انقلاب‌ها،
مداومت و استمرار
ملت ایران بر راه و
روش انقلابی است.

تحلیل و ارزیابی

۴۵

خرداد ماه ۱۳۹۹
هیأت‌رئیس‌مجلس

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، «الوین تافلر» از استراتژیست‌های مطرح آمریکایی در اثر مشهورش «تغییر ماهیت قدرت» با نیم‌نگاهی به انقلاب ایران و خیزش‌های مردمی و دینی در نقاط مختلف جهان، می‌نویسد: «اکنون یک ساختار قدرت اساساً متفاوت در حال شکل‌گیری است و رخنه‌ای در قدرت نوع کهن به وجود آمده و انقلابی در ماهیت قدرت و جابجایی در قدرت و بلکه تغییر در ماهیت قدرت به وجود آمده است.»

در واقع هنر امام^(ع)، به چالش کشیدن نظام مبتنی بر سلطه قدرت‌های استکباری بود. امام دنیای غرب را از موضع «کنشگری» به ورطه «واکنش‌گری» غلتاند و در کانون مبارزه، فرهنگ الحادی غرب را به مبارزه طلبید. امام^(ع) با اندیشه‌ای که مرزهای جغرافیایی را در نور دیده بود، تعارض بین اسلام و دنیای مادی را نه ملی و منطقه‌ای، بلکه بین‌المللی دانست و فرمود: «اکنون ملت‌های جهان بیدار شده‌اند و طولی نخواهد کشید که این بیداری‌ها به قیام و نهضت و انقلاب انجامیده و خود را تحت سلطه ستمگران مستکبر نجات خواهند داد.»

میشل فوکو، از اندیشمندان غربی که در سال ۵۷ با سفر به ایران از نزدیک مبارزات مردم ایران علیه رژیم پهلوی را مشاهده کرده بود، در رساله «قیام با دست‌های خالی»، در تشریح عظمت انقلاب اسلامی ایران نوشته است: «این انقلاب، تازه‌ترین شکل قیام در طول تاریخ تا امروز بوده و اولین شورش بزرگ بشری علیه سکولاریزم و سرمایه‌داری است. نقطه کانونی این انقلاب آن بود که آیت‌الله خمینی انقلاب کرد، در حالی که غرب را به کلی نادیده گرفت و این کاری است که هیچ‌کس نمی‌تواند در این دوره انجام دهد.»

امام^(ع) با تاکتیکی به جنگ غرب رفت که با همان تاکتیک، غرب سال‌ها فرمانروایی بر جهان را تجربه کرده بود. غرب سال‌ها با روحیه‌ای استعماری و نگرشی امپریالیستی، یونیورسالیسم (جهان‌گرایی) و کالموپولیتیسیم (جهان‌وطنی) را در دستور کار خود قرار داده بود و با هدف حذف هر گونه مرز، معیار و مقیاس غیر غربی، در پی شکستن مرزها بر اساس اهداف و منابع خود بود اما امام با ارایه مکتبی جدید و منبعث از ارزش‌های جهان شمول اسلامی، طومار اندیشه‌های غرب را در هم پیچید.

شاید برخی تحلیل‌گران، ایستادگی امام^(ع) در برابر غرب به خصوص آمریکا را صرفاً حرکتی سیاسی و در جهت مقابله با استیلای غرب بر جوامع اسلامی و منطقه‌ای

تلقی نمایند اما به واقع مبارزه‌ای که امام^(۵) با جهان غرب و به خصوص ایالات متحده آمریکا به عنوان نماد و سمبل آن آغاز کرد، صرفاً یک مبارزه سیاسی نبود، بلکه مبارزه‌ای همه‌جانبه بود که اقتصاد، فرهنگ، سیاست، علم، هنر و اخلاق را نیز در بر می‌گرفت.

پیروزی انقلاب اسلامی ایران در بهمن ۱۳۵۷ آغاز تقابل ایران به عنوان کشوری مستقل و الهام بخش با ایالات متحده آمریکا بود. کارشناسان علوم سیاسی، انقلاب اسلامی را انقلابی دوگانه یا دو وجهی معرفی می‌کنند زیرا علاوه بر اینکه انقلابی علیه وابستگی، استبداد و فساد سیستماتیک داخلی بود و توانست رژیم شاهنشاهی ۲۵۰۰ ساله را سرنگون کند، انقلابی علیه نفوذ، دخالت و استعمار خارجی با به تعبیر دیگر، وابستگی خارجی نیز بود.

بر این اساس حضرت امام خمینی^(۶) هنگام ورود به کشور در سال ۵۷ در مصاحبه‌ای فرمودند که اگر چه بیرون راندن شاه از کشور کار بزرگی است، اما بزرگتر از آن، قطع نفوذ خارجی است. در واقع، انقلاب اسلامی، به عنوان انقلابی بزرگ در صدد بود تا روند تحولات جامعه ایران را در تمام ابعاد دگرگون کند. به بیان دیگر، «شعار مرگ بر آمریکا»ی مردم ایران نشان می‌داد که روند حرکت تاریخ در ایران از این پس تغییر خواهد کرد و دیگر خبری از ایران تحت سلطه و نفوذی که آمریکا بخواهد بر آن حکمرانی کند، نیست.

پیروزی انقلاب اسلامی ایران آغاز تحولات ژئوپلیتیکی اساسی بود که ایران تحت سلطه و در اردوگاه غرب را، به سمت یک کشور مستقل و قدرتمند منطقه‌ای به حرکت درآورد و پس از ۴۰ سال ایستادگی و مقاومت نه تنها به باز یگر اصلی منطقه تبدیل شده ایم بلکه در آستانه تبدیل شدن به یک قدرت بین‌المللی هستیم.

نتایج مقابله غرب به سرکردگی آمریکا حاصلی جز ناکامی، بی‌حیثیتی، افول قدرت، برانگیختن نفرت جهانی، ناتوانی و شکست نبود. اما ملت مسلمان ایران نتایج این ایستادگی و مقاومت خود را در موارد بسیاری مشاهده کرد که مهمترین آنها عبارتند از:

الف) ماندگاری معجزه آسا و رسیدن به سن چهل سالگی و در حال عبور از این مرحله حساس تاریخی و پانهادن به آستانه ۵۰ ساله تمدن نوین ایرانی - اسلامی.

ب) عبور از همه موانع و چالش‌هایی که دشمنان داخلی و خارجی آن را ایجاد کرده‌اند.

ج) رسیدن به نقطه آسیب‌ناپذیری که امکان تقابل مستقیم را از دشمنان سلب کرده است.

د) دستیابی به پیشرفت‌های غیرقابل مقایسه با ابتدای پیروزی انقلاب در همه عرصه‌ها.

ژئوپلیتیک ایران بعد از انقلاب اسلامی

پیروزی انقلاب اسلامی با شعار «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» در ایران، ژئوپلیتیک ایران را به طور کلی تغییر داد. انقلاب اسلامی با فرو ریختن رژیم فاسد، مستبد و وابسته پهلوی، ایران را از چنگال غرب و آمریکا خارج ساخت و به یک کشور مستقل با هویت اسلامی تبدیل نموده، با انقلاب اسلامی و استقرار جمهوری اسلامی به عنوان یک نظام مردم سالار در ایران، ژئوپلیتیک این کشور در راستای تأمین منافع ملی، امنیت ملی و پیشبرد آرمان ها و اهداف انقلابی، متحول گردید.

قدرت های جهانی که با ظرفیت ها و قابلیت های ژئوپلیتیکی ایران آشنا بودند، از پیروزی انقلاب اسلامی به وحشت افتاده، تمام قوای خود را برای شکست این انقلاب و فرو ریختن نظام سیاسی دینی و انقلابی دینی و انقلابی برخاسته از آن بسیج کردند. قدرت های جهانی و خصوصاً دو ابر قدرت شرق و غرب، به خوبی دریافته بودند که جمهوری اسلامی با شعار های آرمان گرایانه انقلابی در صورت تثبیت و تحکیم پایه های خود، با بهره گیری از موقعیت ممتاز ژئوپلیتیک ایران در منطقه راهبردی غرب آسیا، می تواند علاوه بر تبدیل شدن به یک قدرت منطقه ای تعیین کننده، به یک قدرت بین المللی تبدیل شود.

بر هم خوردن موازنه قدرت به ضرر رژیم صهیونیستی در منطقه، از جمله عوامل دیگری بود که علاوه بر نگران ساختن صهیونیسم بین الملل، نگرانی حامیان این رژیم را به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار جمهوری اسلامی در ایران با شعار ها، آرمان ها و اهداف ضد استکباری و ضد صهیونیستی به دنبال داشت. بر اساس چنین تحلیل ها و برآوردهای راهبردی بود که پس از انقلاب اسلامی، سیاست جهانی در راستای مقابله با انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی از سوی قدرت های شرقی و غربی تنظیم شد و بر اساس این سیاست، توطئه ها علیه ملت ایران، یکی پس از دیگری طراحی و به مرحله اجرا درآمد.

اکنون و در پایان دهه چهارم انقلاب اسلامی و آغاز دهه پنجم، به رغم توطئه ها و فتنه های گوناگون از سوی نظام سلطه و متحدینش علیه ملت ایران، جمهوری اسلامی به یک قدرت مؤثر و تعیین کننده منطقه ای تبدیل شده است و روند تحولات جاری در منطقه، از آینده ای درخشان برای ایرانیان حکایت می کند؛ آینده ای که در آن تمدن نوین اسلامی با محوریت جمهوری اسلامی شکل گرفته

است. آینده‌ای که قطب قدرت جهان اسلام در یک نظام چندقطبی با محوریت جمهوری اسلامی تحقق پیدا کرده است. نشانه‌های چنین آینده‌ای را می‌توان در گزاره‌های زیر به درستی مورد مطالعه قرار داد:

۱- جمهوری اسلامی با تکیه بر موقعیت ممتاز ژئوپلیتیک خود به ویژه بر آبراه‌های خلیج فارس، تنگه هرمز، دریای عمان و اقیانوس هند، با تشکیل نیروی دریایی راهبردی از سوی ارتش و سپاه، از اقتدار دریایی برخوردار است. اقتدار دریایی و اقتدار موشکی جمهوری اسلامی، ایران را در برابر هر نوع تهدید نظامی از سوی قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ایمن ساخته و به سطح قدرت بازدارندگی رسانده است که آخرین نمونه آن را در اعزام افتخارآمیز نفتکش‌های ایرانی برای شکستن تحریم نفتی کشور ونزوئلا شاهد بودیم.

۲- در رقابت سنگین و نفس گیر میان نظام سلطه و متحدینش با جمهوری اسلامی بر سر ترتیبات منطقه‌ای غرب آسیا، آمریکایی‌ها سال‌های گذشته شکست‌های پی در پی خورده است؛ به گونه‌ای که غرب آسیا به نمایشگاهی از شکست‌های آمریکا تبدیل شده است که نقش جمهوری اسلامی در این شکست‌ها، یک نقش اصلی می‌باشد.

شکست‌های آمریکا و متحدینش در غرب آسیا، به معنای ناکامی ایالات متحده در شکل دهی به نظم نوین جهانی مورد نظر این کشور پس از فروپاشی نظام دوقطبی است. اکنون با ارتقای موقعیت منطقه‌ای ایران و تبدیل جمهوری اسلامی به قدرت تعیین کننده در این منطقه از یک طرف، و افول قدرت آمریکا به عنوان محور نظام سلطه و مدعی رهبری جهان برای یک صد سال از طرف دیگر، نظم جهانی در حال تغییر است و نظم جدیدی در حال شکل گیری می‌باشد. در نظم جدید در حال شکل گیری، ایران با موقعیت ژئوپلیتیکی برتر، محور یک قطب قدرت خواهد بود. دلایل زیر توجیه کننده و توصیف کننده این قطب قدرت می‌باشد:

۱- شکل گیری جبهه مقاومت با محوریت جمهوری اسلامی ایران در برابر رژیم صهیونیستی و مداخله‌های بیگانگان در منطقه؛ جبهه مقاومت در منطقه راهبردی غرب آسیا، به یک قدرت بی نظیر تبدیل شده و به طور اساسی موازنه قدرت را در این منطقه، به ضرر رژیم صهیونیستی و حامیان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای اش تغییر داده است. این قدرت از یک طرف بر آبراه استراتژیک خلیج فارس مسلط است و از طرف دیگر با اتصال سرزمینی از طریق عراق و سوریه، در سواحل مدیترانه به یک قدرت تعیین کننده تبدیل شده است. جنگ‌های ۳۳ روزه، ۸ روزه و ۲ روزه و شکست توطئه جریان‌های تکفیری با حمایت یک جبهه غربی، عبری، عربی و ترکی در سوریه، عراق و لبنان، نشان دهنده قدرت محور مقاومت در منطقه می‌باشد.



انقلاب اسلامی
تحولات ژئوپلیتیکی
اساسی را برای ایران
رقم زده و ایران
تحت سلطه و در
اردوگاه غرب را، به
یک کشور مستقل
و قدرتمند منطقه‌ای
تبدیل نموده است. اما
این قدرت منطقه‌ای
با توجه به تحولات
منطقه و جهان، در
آستانه تبدیل شدن
به یک قدرت بین
المللی می‌باشد.

تحلیل ژئوپلیتیکی

۴۹

خرداد ماه ۱۳۹۹
هیأت‌رئیس‌مجلس

۲- شکل‌گیری پدیده بیداری اسلامی در منطقه با الهام بخشی جمهوری اسلامی، عمق راهبردی ایران را در منطقه افزایش داده است. پدیده بیداری اسلامی در منطقه یک واقعیت است. هرچند بیداری اسلامی در کشورهای چون مصر و تونس، به دلایلی به انحراف کشیده شد، لکن تحولات شبه جزیره و خصوصاً تحولات یمن، نشان می‌دهد که در آینده عمده کشورهای غرب آسیا در کنترل جریان‌های اسلامی همسو با ایران خواهد بود.

بنابر آنچه آمد؛ می‌توان گفت، انقلاب اسلامی تحولات ژئوپلیتیکی اساسی را برای ایران رقم زده و ایران تحت سلطه و در اردوگاه غرب را، به یک کشور مستقل و قدرتمند منطقه‌ای تبدیل نموده است. اما این قدرت منطقه‌ای با توجه به تحولات منطقه و جهان، در آستانه تبدیل شدن به یک قدرت بین‌المللی می‌باشد.

نگاهی به شکست‌های آمریکا در آمریکای جنوبی - که عمدتاً سیاسی و ایدئولوژیک بوده تا اقتصادی - و زنجیره پیروزی‌های احزاب سیاسی چپ در ونزوئلا، برزیل، نیکاراگوئه، اکوادور و بولیوی از این واقعیت حکایت دارد که جایگزینی در درون سرمایه‌داری ظهور کرده است و در این رابطه نیز می‌توان به نمونه اروپایی این تحول اشاره کرد که طی آن جنبش‌های ضدسرمایه‌داری همچون جلیقه زردها و احزاب رادیکال در این قاره ظهور کرده‌اند.

نظم نوین ادعایی آمریکا که پس از پایان جنگ سرد ایجاد شده بود به دلیل ضعف نظامی و اقتصادی این کشور در حال فروپاشی است. متعاقب زوال آمریکا، قدرت‌های جدیدی نیز در حال ظهور هستند که نگاه تجدیدنظرطلبانه به نظم آمریکایی دارند و به خاطر اینکه قواعد و هنجارهای آن را قبول ندارند، درصددند در نظم جهانی آینده نقش مهمی ایفا کنند.

پیروزی دونالد ترامپ به عنوان فردی مخالف ساختار حاکم بر آمریکا، از ناکارآمدی موجود در سیاست، اقتصاد و جامعه این کشور حکایت دارد. ترامپ در ظاهر شعار بازگرداندن قدرت آمریکا را سر می‌دهد، اما او علاوه بر ناکامی در حل مشکلات بنیادین آمریکا، بر دشواری‌های این کشور به ویژه در عرصه جهانی افزوده و افول جایگاه هژمونیک این کشور را تسریع خواهد کرد. همچنانکه سیاست‌های جنجالی وی در مدت زمامداری در کاخ سفید که منجر به آتش‌زدن پرچم آمریکا در جلوی کاخ سفید، واژگون کردن مجسمه‌های «کریستف کلمب» و «جرج واشنگتن» و...



جیمز ریچارد، کارشناس روابط بین الملل در مقایسه وضعیت ایران و آمریکا می گوید: «ایران قدرت اول منطقه و باز یگر بسیار فعال و تأثیرگذار در سطح جهان است و قدرت و نفوذی که ایران در کشورهای منطقه دارد، آمریکا ندارد».

تحلیل ژورنالی

۵۰

خرداد ماه ۱۳۹۹
هیأت رزمندگان اسلام

به خوبی این مسئله را آشکار کرده است. کشیده شدن دامنه اعتراض مردم از قتل «جرج فلوید» شهروند ۴۶ ساله سیاهپوست آمریکایی به دست یک افسر سفیدپوست پلیس در شهر «مینیاپولیس» به پایین کشیدن مجسمه های کریستف کلمب که پدر آمریکا به حساب می آید و مجسمه های جرج واشنگتن که مظهر مدنیت امروز آمریکا محسوب می شود، موضوعی ساده نیست که به راحتی بتوان از کنار آن گذشت.

شرایط جمهوری اسلامی ایران

امادر مقابل، وضعیت و جایگاه ایران در این مقطع کنونی ناظر بر موارد ذیل است:

- پیشرفت های علمی و توسعه فناوری و صنعتی ایران با وجود تحریم ها و فشارها که تبدیل به الگوی «مقاومت، استقلال و پیشرفت بومی» در میان ملت های منطقه شده است.

- الگو شدن و تأثیرات الهام بخش نظام جمهوری اسلامی برای کشورهای منطقه و جهان اسلام - پیشرفت و اقتدار نظامی ایران در خلیج فارس، تنگه هرمز، اقیانوس هند، دریای احمر، دریای مدیترانه و امکان حضور مقتدرانه در دیگر آب های بین المللی حتی در منطقه دریایی ایالات متحده

- اقتدار و اشراف اطلاعاتی - امنیتی جمهوری اسلامی در قبال توطئه های دشمن

- پیشرفت کشور در حوزه فناوری صلح آمیز هسته ای با وجود فشارها

- واکنش به شدن جمهوری اسلامی و سربلند بیرون آمدن ملت از فتنه های گوناگون

- همراهی نظام و ملت و همبستگی ملی در جمهوری اسلامی ایران

- توانایی های ایران در کم اثر کردن تحریم ها و اتکا به توان داخلی

نتایج تلاش های نظام سلطه

اکنون که چهل سال از اقدامات تقابلی آمریکا علیه جمهوری اسلامی می گذرد نتایج تلاش های این کشور چیزی جز پیشرفت روزافزون جمهوری اسلامی و افول قدرت کاخ سفید را نشان نمی دهد. برای درک این موضوع کافی است به سخنان برخی از مقامات آمریکایی در بررسی موقعیت فعلی آمریکا با گذشته مراجعه شود.

هنری کسینجر، استراتژیست معروف آمریکایی در مصاحبه با رادیو ملی آمریکا (NPR) ضمن اذعان به افول جایگاه آمریکا با اشاره به جایگاه تاریخی ایران و نفوذ این کشور در منطقه خاورمیانه ایران را مستعدترین کشور منطقه برای ایجاد هژمونی و تشکیل یک امپراتوری قوی در خاورمیانه دانست. وی با تأکید بر اینکه آمریکا در هر صورت نباید نقش ایران در تحولات جهان را نادیده بگیرد، عنوان کرد: «نوعی کمربند تمدن ایرانی - اسلامی از تهران تا بغداد و از آنجا تا بیروت شکل گرفته است. این وضعیت، این فرصت را به ایران می دهد تا امپراتوری ایرانی



دیک چنی معاون رئیس جمهوری سابق آمریکا از آنچه به عنوان نفوذ رو به ضعف آمریکا در خاورمیانه یاد نمود، انتقاد و تصریح کرد: «متحدان ما در منطقه دیگر روی ما حساب نمی کنند، به ما اعتماد ندارند و دشمنان ما نیز دیگر از ما نمی ترسند. در همین زمینه مشاور سابق امنیت ملی آمریکا اذعان کرد که دوره تسلط این کشور بر جهان پایان یافته است.»

تحلیل ژورنالی

۵۱

خرداد ماه ۱۳۹۶
هیأت رزمندگان اسلام

را احیا کند.» این چهره اثرگذار دیپلماسی آمریکا، افزود: «از نقطه نظر ژئواستراتژیک من ایران را مسئله ای بزرگتر از «داعش» می دانم.»

زیگنیو برژینسکی در سخنرانی در دانشگاه «جان هاپکینز» گفت: «نظریه «تسلط بر جهان» جذابیت خود را از دست داده و دوره حکومت آمریکا بر جهان پایان یافته است. برژینسکی افزود: دوره تسلط آمریکا بر جهان پس از جنگ سرد هم به علت از بین رفتن مشروعیت آن در چند سال اخیر، پایان یافته است. وی با انتقاد از سخنان رئیس جمهور سابق آمریکا که ملت این کشور را «استثنایی» توصیف کرده بود، تصریح کرد: «وضع کنونی آمریکا مشابه زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق است و موج انتقادهای مردم آمریکا از رژیم صهیونیستی روز به روز در حال افزایش بوده و سیاست جنگ افروزی محکوم به شکست است.»

به گفته برژینسکی چهار مشکل اساسی برای آمریکا مطرح شده است که نتایج مترتب بر انتقال نقطه ثقل این ابرقدرت (آمریکا) از غرب به شرق، تاثیر بهار عربی در این قضیه مهمترین آن عنوان شده است.

کاهش تاثیر بین المللی آمریکا، نشانه های سقوط آمریکا و پس رفت داخلی و خارجی این کشور و نحوه هدر رفتن فرصت هایی که برای آمریکا در عرصه بین المللی بعد از جنگ سرد بوجود آمده است و نحوه بازگرداندن قدرت قبلی آمریکا به عنوان دومین علت ذکر شده است. سومین مساله نیز آن است که اگر آمریکا سقوط کند، در این صورت پیامدهای این قضیه چه خواهد بود و قربانیان این موضوع چه کسانی خواهند بود و آیا چین می تواند جانشین آمریکا در قرن بیست و یکم شود یا خیر. و چهارم اینکه اگر آمریکا بتواند موقعیت قبلی خود را باز یابد در این صورت چه اهدافی برای این کشور تعریف خواهند شد.

جیمز ریچارد، کارشناس روابط بین الملل در مقایسه وضعیت ایران و آمریکا می گوید: «ایران قدرت اول منطقه و بازیگر بسیار فعال و تاثیرگذار در سطح جهان است و قدرت و نفوذی که ایران در کشورهای منطقه دارد، آمریکا ندارد.»

دیک چنی معاون رئیس جمهوری سابق آمریکا از آنچه به عنوان نفوذ رو به ضعف آمریکا در خاورمیانه یاد نمود، انتقاد و تصریح کرد: «متحدان ما در منطقه دیگر روی ما حساب نمی کنند، به ما اعتماد ندارند و دشمنان ما نیز دیگر از ما نمی ترسند. در همین زمینه مشاور سابق امنیت ملی آمریکا اذعان کرد که دوره تسلط این کشور بر جهان پایان یافته است.»

«جیمز جوینر» مدیر اندیشکده شورای آتلانتیک آمریکا در مطلبی با عنوان «قدرت جهانی ۲۰۳۰» می نویسد: گزارش امروز «روندهای جهانی ۲۰۳۰» شورای اطلاعات ملی آمریکا پیش بینی کرده است که «تا سال ۲۰۳۰ هیچ کشوری چه آمریکا، چین یا هر کشور بزرگ دیگری قدرت برتر نخواهد بود.»

همین واقعیت هاسبب شده تا آمریکایی که زمانی به عنوان ناجی، وارد کشورهامی شد اکنون دیگر این نگاه در میان ملت ها نیست و جبهه های مردمی برای مقابله با نظامی گری آمریکا در سراسر منطقه مشاهده می شود. جبهه مقاومت در منطقه نه تنها علیه دشمن صهیونیستی بلکه علیه آمریکا نیز شکل گرفته و این زمینه ساز افول نظامی گری آمریکا خواهد بود. اصلی که در سراسر جهان قابل مشاهده است.

انقلاب اسلامی با رهبری روشنگرانه حضرت امام خمینی^(ع) به همه مستضعفان جهان نشان داد که در صورت اتکال به خدا، بیداری از خواب غفلت و ایستادگی در مقابل مستکبرین، امکان غلبه بر آنان و برون رفت از شرایط استضعاف کنونی وجود دارد. به همین خاطر بود که حضرت امام از ابتدای پیروزی انقلاب همواره ملت های مسلمان منطقه و سایر مستضعفان جهان را به پیروی از الگوی ضد استکباری ملت ایران و قیام سراسری علیه دیکتاتورهای مستکبر فرامی خواند.

امروز نیز انقلاب اسلامی بر خلاف تمامی ادعاها و تبلیغات رسانه های غربی در راستای پروژه اسلام هراسی و ایران هراسی، پرچم استکبارستیزی و عدالت خواهی را در دست گرفته است و علی رغم اتخاذ موضع مستقل و سازش ناپذیر در برابر ابر قدرت ها، برای تمامی ملت های آزاده جهان پیام صلح و دوستی و برادری و همکاری دارد که نمود آشکار آن دو نامه رهبر انقلاب اسلامی به جوانان غربی بود. بر اساس منطق روشن انقلاب اسلامی که در این دو نامه متبلور می شود، در شرایطی که متأسفانه سیاستمداران و دولتمردان کشورهای غربی آگاهانه راه سیاست را از مسیر صداقت و درستی جدا کرده اند و با اتخاذ سیاست هایی مژورانه در عین سر دادن شعار مبارزه با تروریسم، خود به نضج و گسترش این پدیده شوم دامن می زنند، مسئولیت بسیار سنگینی بر عهده تمامی آزادی خواهان و عدالت جوین سراسر جهان به ویژه روحانیون، نخبگان، اندیشمندان و روشنفکران و جوانان متعهد به آرمان های الهی است تا همدلانه برای مقابله با سلطه گری ظالمانه ابر قدرت ها و نجات انسان های بی گناه اقدام کنند. به نظر می رسد نیاز امروز جهان بیش از هر چیز گشایش مسیری برای تعامل است که طی آن مردمان آزادمنش و ژرف اندیش جامعه جهانی در جایگاهی برابر و در فضایی



مکتب سیاسی
امام^(ع) نیاز اصلی
بشریت است زیرا
تمامی مصائب، رنج‌ها
و گرفتاری کنونی
بشر، محصول مکتب
لیبرال - دمکراسی
است که دنیای
غرب، ادعای تکامل
یافته بودن این
مکتب را داشت.
امروز مهم‌ترین
وظیفه، انتقال سالم
مکتب سیاسی امام
به نسل‌های آینده
است، مکتبی که عمق
نفوذ و گستره آن
هر روزه خاکریزهای
جدیدتری را فتح
می‌کند.

تحلیل و ارزیابی ۳۲

مبتنی بر منطق و استدلال و رها از القائات گفتمان نظام سلطه و مناسبات قدرت، به بحث و گفتگو و هم‌اندیشی سازنده برای نیل به درک متقابل و یافتن راهکارهایی جهت رفع سوء تفاهم‌ها و مشکلات مشترک جوامع بشری بپردازند. مکاتب فکری دست‌ساز بشر همچون لیبرالیسم و کمونیسم با وجود تمامی ادعاهای خود نتوانسته‌اند گره از مشکلات بشریت بکشایند و جهانی سرشار از جنگ و تهدید و ناامنی را برای او ساخته‌اند. لذا چه بسا تنها راه باقی مانده برای بشر امروز بدون تردید بازگشت به تعالیم پیامبران الهی و گوش سپردن به ندای فطرتی باشد که در نهاد تمامی انسان‌ها به ودیعه گذاشته شده است.

مکتب سیاسی امام^(ع) نیاز اصلی بشریت است زیرا تمامی مصائب، رنج‌ها و گرفتاری کنونی بشر، محصول مکتب لیبرال - دمکراسی است که دنیای غرب، ادعای تکامل یافته بودن این مکتب را داشت. امروز مهم‌ترین وظیفه، انتقال سالم مکتب سیاسی امام به نسل‌های آینده است، مکتبی که عمق نفوذ و گستره آن هر روزه خاکریزهای جدیدتری را فتح می‌کند.

تحليل وادها

عباس حاجی نجاری

الزامات تحقق شعار سال و تأثیر آن در تقویت اقتدار ملی

❖ نام‌گذاری سال ۱۳۹۹ از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی به عنوان «جهش تولید» در شرایطی صورت گرفته است که کشور از یک سو درگیر گسترده‌ترین و پیچیده‌ترین شکل تحریم اقتصادی است و از سوی دیگر شیوع بیماری کرونا بخش مهمی از فعالیت‌های تولیدی و خدماتی در جهان و بالتبع آن کشورمان ایران را به تعطیلی کشانده و در نتیجه روند قبلی تولید در کشور نیز تحت الشعاع قرار گرفته است. و به همین دلیل تحقق شعار «جهش تولید» در سال ۹۹ اهمیت مضاعف یافته و عدم اهتمام به آن به دلیل روند فزاینده فشارها و تحریم‌ها و آثار اقتصادی و اجتماعی و بی‌روس کرونا، می‌تواند به ایجاد چالش‌های اجتماعی و امنیتی در کشور منجر شود. در این میان اما کم نیستند افراد و کارشناسانی که تحقق شعار سال یعنی جهش تولید را با توجه به شرایط تحریم اقتصادی دشمن، کاهش درآمدهای نفتی و مالیاتی و تعطیلی فعالیت‌های اقتصادی ناشی از کرونا، امکان‌پذیر نمی‌دانند و دلسوزانی از میان آن‌ها نیز نگران بر زمین ماندن تدبیر رهبری معظم انقلاب هستند. دشمنان مردم ایران هم که همواره بر طبل ناکارآمدی نظام جمهوری اسلامی می‌کوبند، جنگ رسانه‌ای گسترده‌ای را با هدف ناموفق نشان دادن نظام در این عرصه آغاز کرده‌اند. اما نگاهی به ظرفیتهای اقتصادی و اجتماعی کشور، پیشینه تاریخ انقلاب و دستاوردهای آن در چهل و یک سال اخیر بیانگر آن است که اگر اراده ملی در میان مردم و مسئولان نظام برای تحقق این شعار شکل گرفته و برنامه ریزی و عمل به هنگام برای تحقق الزامات «جهش تولید» در کشور صورت پذیرد - که چندان دور از انتظار نیست - علاوه بر منافع اقتصادی و اجتماعی آن برای مردم ایران؛ در تقویت و تحکیم اقتدار ملی و ارتقاء جایگاه نظام اسلامی در جهان، نقش به سزایی خواهد داشت.

اهمیت موضوع

حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای مدظله‌العالی در پیام به مناسبت آغاز سال ۱۳۹۹ هجری شمسی، سال ۹۹ را سال «جهش تولید» نام‌گذاری و خطاب به دست اندرکاران تأکید کردند: جوری عمل کنید که با جهش تولید، تغییری محسوس در زندگی مردم به وجود آید. معظم له با اشاره به شعار رونق تولید که برای سال ۹۸

انتخاب کرده بودند، یادآور شدند که علاوه بر استقبال صاحب نظران از شعار رونق تولید، در عمل نیز از آن استقبال شد و با کار و تلاش دستگاه‌های مختلف، تولید تا حدودی به راه افتاد البته اثر آن در زندگی مردم محسوس نشد. ایشان تأکید کردند که باید با کار ده برابری، تولید به جایی برسد که در زندگی مردم اثر بگذارد.

از سال ۱۳۶۸ که رهبر معظم انقلاب اسلامی سکان هدایت کشتی انقلاب اسلامی را عهده‌دار شدند، همواره در ابتدای هر سال با تبیین مهم‌ترین مسائل کشور، اولویت‌ها و الزامات مردم و مسئولان برای تحقق آرمان‌های انقلاب را تبیین می‌نمایند. این رویه از سال ۱۳۷۸ با انتخاب شعار سال نهادینه گردید. در بررسی و تحلیل چرایی این اقدام رهبر معظم انقلاب، می‌توان این نام‌گذاری‌ها را در راستای تحقق اسناد بالادستی نظام به‌ویژه سند چشم‌انداز توسعه ۲۰ ساله کشور و تکمیل فرآیند گام‌های پنج‌گانه تحقق انقلاب اسلامی دانست، در این نام‌گذاری‌ها از حدود ۱۰ سال پیش به دلیل شرایط تشدید فشارها و تحریم اقتصادی دشمنان، شعارها ماهیت اقتصادی - معیشتی داشته‌اند.

نام‌گذاری سال ۱۳۹۹ از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی به‌عنوان «جهش تولید» در شرایطی صورت گرفت که کشور از یک‌سو درگیر گسترده‌ترین و پیچیده‌ترین شکل تحریم اقتصادی است و از سوی دیگر شیوع بیماری کرونا بخش مهمی از فعالیت‌های تولیدی و خدماتی در جهان و بالتبع آن کشورمان ایران را به تعطیلی کشانده و در نتیجه روند قبلی تولید در کشور نیز تحت الشعاع قرار گرفته است. و به همین دلیل تحقق شعار سال اهمیت مضاعف یافته و عدم اهتمام به آن به دلیل روند فزاینده فشارها و تحریم‌ها و آثار اقتصادی و اجتماعی و ویروس کرونا، می‌تواند به ایجاد چالش‌های اجتماعی و امنیتی در کشور منجر شود و در نقطه مقابل، توفیق در آن، علاوه بر منافع اقتصادی و اجتماعی؛ در تقویت و تحکیم اقتدار ملی و ارتقاء جایگاه نظام اسلامی در جهان، نقش به‌سزایی خواهد داشت.

امکان‌پذیری تحقق شعار سال

کم نیستند افراد و کارشناسانی که تحقق شعار سال یعنی جهش تولید را با توجه به شرایط تحریم اقتصادی دشمن، کاهش درآمدهای نفتی و مالیاتی و تعطیلی فعالیت‌های اقتصادی ناشی از کرونا، امکان‌پذیر نمی‌دانند و دلسوزانی از میان آن‌ها نیز نگران بر زمین ماندن تدبیر رهبری معظم انقلاب هستند. دشمنان مردم ایران هم که همواره بر طبل ناکارآمدی نظام جمهوری اسلامی می‌کوبند، جنگ رسانه‌ای گسترده‌ای را با هدف ناموفق نشان دادن نظام در این عرصه آغاز کرده و بعضی از مدعیان داخلی نیز بدون توجه به ضرورت‌ها و چرایی طرح این

شعار برای سال ۹۹ و از آنجایی که به دلیل شکست‌های سیاسی و ادبار مردم، مخالف خوانی به بخشی از شاکله وجودیشان تبدیل شده است، تحقق آن را دور از انتظار دانسته و حتی اگر بتوانند در مسیر آن اختلال ایجاد می‌کنند.

اما با گذشت قریب به سه ماه از آغاز سال و در شرایطی که همه‌اهتمام مسئولان به مقابله و مهار ویروس کرونا و کاهش پیامدها و آلام آن در جامعه اختصاص یافته و کمتر به فکر پیاده‌سازی شعار سال هستند، جلوه‌هایی از همدلی و همبستگی در کشور تحقق یافته که در عین اثبات توانمندی و کارآمدی نظام، زوایای پنهان فرهنگ غنی اسلامی-ایرانی، مردم ایران را آشکار می‌کند. تلاش‌های ایثارگرانه کادر پزشکی و درمانی کشور، رزمایش فراگیر همدلی مؤمنانه در کمک به اقشار ضعیف با محوریت روحانیت، مساجد، پایگاه‌های بسیج و مردم خیر، بسیج گسترده و فراگیر نیروهای مردمی در کمک به مراکز مسئول در بهداشت و درمان و غربالگری بیماران، چند برابر شدن تخت‌های بیمارستانی در مدتی کوتاه و در یک حرکت جهادی با همکاری نیروهای مسلح و... همگی نمادهایی از این تحول هستند. در عرصه تولید امکانات مورد نیاز نیز معیارها و مرزها شکسته شده و جهش نمود یافته است به گونه‌ای پس از شیوع کرونا و با همت نیروهای مردمی و جهادی، تولید ماسک کشور به ۶ میلیون عدد در روز (یعنی ۳۰ برابر) رسیده است و حتی زمینه صادرات آن نیز فراهم شده است. در عرصه ساخت امکانات و تجهیزات پزشکی هم معاون علمی و فناوری ریاست جمهوری از شکل‌گیری نهضتی در ساخت دستگاه‌ها و تجهیزات پزشکی در کشور در شرکت‌های دانش بنیان سخن به میان آورده به گونه‌ای که کشور در حال حاضر در تولید بسیاری از تجهیزات و امکانات مراقبتی و درمانی ویروس کرونا خود کفا شده و نیازی به واردات ندارد. این واقعیات بیانگر آن است که اگر اراده ملی تحقق یابد، تحقق شعار سال با همین زیرساخت‌ها و امکانات، امکان پذیر است.

ظرفیتهای کشور

بخشی از پیش زمینه های تحقق شعار سال منوط به وجود منابع و امکانات و زیرساخت‌های صنعتی است که به دلیل عنایات الهی و دستاوردهای انقلاب در چهل و یک سال اخیر، در کشور فراهم است، نظیر:

۱- وجود منابع عظیم انرژی (نفت و گاز)

۲- وجود منابع غنی معدنی و مواد اولیه مورد نیاز

۳- نیروی کار فراوان و تحصیل کرده

۴- وجود نقدینگی فراوان که با برنامه ریزی مناسب می تواند به سمت تولید هدایت شود

۵- وجود زیرساخت های صنعتی برای تسهیل رشد اقتصادی

۶- وجود ظرفیت های فراوان خالی در صنایع کشور

۷- رشد و گسترش شرکت های دانش بنیان و وجود این باور در میان آنها که قادر به تأمین

نیازهای کشور هستند

۸- وجود بازار مصرف داخلی و امکان صادرات به کشورهای همسایه

۹- تجربه گران قدر مدیریت جهادی و وجود روحیه و زمینه آن در نسل جوان

۱۰- رشد بارندگی ها در دو سال اخیر و رفع مشکل کم آبی که می تواند با یک برنامه ریزی

مناسب شکوفایی بخش کشاورزی کشور را در پی داشته باشد.

الزامات مدیریتی

وجود ظرفیت ها در کشور شرط لازم برای تحقق شعار سال است، اما تحقق آن نیازمند اراده و اقدام عملی در مسئولان کشور است. رهبر معظم انقلاب اسلامی در بیاناتشان در صبح روز چهارشنبه ۱۷ اردیبهشت به مناسبت هفته ی کار و کارگر در این زمینه به وظایف سه قوه اشاره و یادآور شدند که اگر به این وظایف عمل نشود، جهش تولید اتفاق نمی افتد. ایشان حمایت از تولید و تولید کننده را اصلی ترین وظیفه ی مسئولان دانستند و تأکید کردند: حمایت از تولید فقط به معنای تزریق نقدینگی نیست بلکه باید با برداشتن موانع، میدان را برای سرمایه گذار، صاحب فکر و تولید کننده باز کرد؛ حذف مقررات دست و پاگیر، مبارزه ی جدی با قاچاق کالا، مقابله با واردات بی رویه، مبارزه با فساد مالی و فساد اداری، رعایت حقوق مالکیت معنوی، مقابله با سفته بازی ها و سوداگری های زیان بخش، و معافیتهای مالیاتی در موارد ضروری و وضع مالیات در موارد لازم همچون ثروتهای بادآورده از جمله کارهای ضروری است که باید سه قوه نسبت به آن اهتمام بورزند.

الزامات فرهنگی و اجتماعی تحقق شعار سال

علاوه بر ظرفیت های ملی و الزامات مدیریتی آنچه به عنوان جریان حیاتی برای بهره گیری از این ظرفیت ها و زیرساخت ها برای تحقق شعار سال لازم است مجموعه ای از عوامل معنوی است که فرهنگ ایرانی اسلامی ظرفیت ها و بنیان های لازم برای آن را دارد. آنچه مادر تجلی همبستگی ملی برای رزمایش های همدلی مؤمنانه برای کمک به آسیب دیدگان از بیماری در این ایام و تولید امکانات و تجهیزات شاهد بودیم، عملاً ابعدی از این ظرفیت ها و مؤلفه های معنوی را آشکار کرده است:

- **باور به توانستن و امکان تحقق شعار سال در بین مسئولین، نخبگان و تلاشگران عرصه تولید، مهم‌ترین و ضروری‌ترین گام در تحقق شعار سال است**

مقام معظم رهبری در بیاناتشان به مناسبت هفته‌ی کار و کارگر، ضمن تأکید بر اهمیت جهش کیفی در کنار جهش کمی، موضوع افزایش امید به کار و تلاش را در کشور بسیار مهم خواندند و گفتند: متأسفانه عده‌ای در کشور به‌طور دائم می‌گویند «نمی‌شود و نمیتوانیم» در حالی که «میتوانیم» و دلیل آن هم این است که ما وقتی میتوانیم یک ماهواره‌ی بزرگ را با سرعت ۷۵۰۰ متر بر ثانیه به فضا پرتاب کنیم و ماهواره را در مدار قرار دهیم، و یا در صنایع دفاعی، آن پیشرفتهای بزرگ را داشته‌ایم، پس در تولید هم میتوانیم به جهش دست پیدا کنیم. ایشان افزودند: آن ذهن و فکری که میتواند ماهواره را تولید کند و چند صباح دیگر برای ارسال ماهواره در مدار ۳۶ هزار کیلومتری هدف گذاری کند، قطعاً چنین روحیه‌ی ابتکار و خلاقیتی برای تولید خودرو با مصرف ۵ لیتر بنزین در یکصد کیلومتر و در دیگر بخشهای تولید نیز وجود دارد.

تحلیل و گزارش ۳۲

- **فرهنگ سازی و گفتمان سازی برای تحقق شعار سال، سهم دستگاههای فرهنگی و تبلیغی است، اگرچه معمولاً همزمان با اعلام شعار سال از سوی رهبر فرزانه انقلاب، دستگاه های فرهنگی برای ترویج این شعار و گاهی نیز تبیین آن تلاش هایی را انجام می دهند اما این تلاش ها گاهی چنان زودگذر است که با پایان اولین فصل سال، تلاش برای تحقق این شعار نیز یا به دست فراموشی سپرده شده و یا به پاره ای فعالیت های مقطعی و سمیناری تقلیل می یابد. امری که رهبر انقلاب بارها نسبت به چنین آسیبی هشدار داده اند. گفتمان سازی باعث می شود فعالان اقتصادی و تولیدگران با سرمایه گذاری، مسئولان با برنامه ریزی، جوانان با دانش و طراحی و کارگران با کار و تلاش، مردم نیز علاوه بر نقش آفرینی در رونق تولید، با تعصب و غیرت و خرید و مصرف کالای ایرانی زمینه تحقق شعار سال (رونق تولید) را فراهم سازند.**

- **نمی توان فقط مسئولان دولتی را در فراموش شدن شعار سال و عدم تلاش کافی برای تحقق آن مقصر دانست، چرا که فعالان عرصه عمومی و جامعه مدنی نیز کوششی هدفمند برای به انجام رساندن شعارهای سالانه صورت نمی دهند و در چنین شرایطی روشن است که مدیران دولتی، رسانه ها و دیگر**



رونق تولید ملی و جهش تولید بدون اقبال مصرف کنندگان به کالاهای داخلی امکان پذیر نیست، از سوی دیگر ظرفیت‌های دین اسلام در تشویق به امساک و پرهیز از اسراف می‌تواند به انصراف مردم از مصرف کالاهای خارجی کمک کند؛ لذا سیاست‌های فرهنگی مرتبط با حوزه مصرف می‌تواند منجر به رونق کالاهای داخلی شود.

تحلیل و راه‌ها

۶۰

خرداد ماه ۱۳۹۹
هیأت‌رزمندگان اسلام

نهادهای موثر در این حوزه ناتوان از اثربخشی خواهند بود. نبود مطالبه از پایین به بالا در این رابطه، همان آسیبی است که چشم انداز بیست ساله نیز به آن دچار شده و در عمل بستری که می‌توانست به نفع کشور تمام شود را مهیا نکرد.

نگاه‌های سطحی به مسائل کشور، فقدان آینده‌نگری، نبود تحرک فرهنگی و اجتماعی
بالا در سطح جامعه، انفعال نخبگان و عملکرد دولت هادر این حوزه از جمله مهمترین موانع توسعه مفهوم شعار سال و تبدیل آن به یک سند عملیاتی سالانه محسوب می‌شود.

جهش تولید اتفاق نمی‌افتد مگر با جهش کار و تلاش فردی و جمعی در سطح جامعه، آنجا که خداوند نیز در قرآن کریم می‌فرماید «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» (آیه ۳۹ سوره نجم). از این‌رو از مسئولان و متولیان امر (اعم از دولت، مجلس، رسانه ملی و...) این انتظار می‌رود که برای بسط و گسترش فرهنگ کار و تلاش، زمینه‌های لازم و مشوق‌های انگیزشی را فراهم کرده و پرکاری و پرتلاشی در سطح جامعه به‌عنوان یک ارزش در بین آحاد مردم ترویج داده شود.

قطع امید از بیگانگان و اتکاء به ظرفیت درونی، لازمه دیگر تحقق شعار است. طی سالهای اخیر هرگاه و در هر زمینه‌ای مسئولان و مردم از دشمن قطع امید کردند، کشور در آن حوزه موفق بود. عرصه دفاعی مصداق روشنی از این قطع امید و اتکاء به ظرفیت درونی است، که خود کفایت در تولید تجهیزات مورد نیاز و پیشرفت‌های غیر قابل باور سالهای اخیر در هوا، فضا و دریا نمونه آن است که آخرین آن ارسال ماهواره نور ۱ به فضا با ماهواره بر قاصد است. در نقطه مقابل آن هزینه‌هایی که در سالهای اخیر کشور مادر دل بستن به برجام و امید به کمک بیگانگان پرداخت با هیچ دستگاهی قابل محاسبه نیست.

تبیین دستاوردها؛ وقتی همه بدانند که در صورت تحقق شعار سال چه دستاوردهایی نصیب کشور شده و چه مشکلاتی حل می‌شود و در رقابت با دنیا به چه جایگاه اقتصادی سیاسی دست پیدا خواهیم کرد، قطعاً انگیزه تلاش برای رسیدن به هدف چندبرابر خواهد شد. ضروری است که دستاوردهای تحقق شعار سال در غالب اعداد به جامعه گزارش شود، به بیان واضح یعنی براساس شاخص‌های ارزیابی رقم وضع فعلی و جایگاه کشور در حال حاضر و رقم وضع کشور بعد از تحقق شعار سال احصا و به مخاطبان ارائه شود و دستگاه‌های ناظر روند حرکت را به مخاطبان اطلاع‌رسانی کنند.

اعتماد به نیروهای داخلی: جهش تولید نیازمند تحول در به کارگیری استعدادها و ایده‌های جوانان خلاق و پرانگیزه در تمامی بخش‌های اقتصادی و مدیریت کشور است.



قطع امید از بیگانگان
و اتکاء به ظرفیت
درونی، لازمه دیگر
تحقق شعار است.



فرهنگ کار و تولید، نه
به عنوان یک وظیفه،
بلکه به عنوان یک
فضیلت باید در جامعه
مورد توجه قرار گیرد.

تحلیل‌ها ۳۲

۶۱

خرداد ماه ۱۳۹۶
هیأت‌رئیس‌مندان اسلام



سیاست خودکفایی و
تولید در کشوری مثل
ایران با توجه به نیاز
داخلی و همچنین نیاز
کشورهای همسایه
و منطقه همیشه
به شرط استفاده از
فناوری‌های نوین
و استاندارد سازی،
صرفه اقتصادی داشته
و محصولات آن
قابل رقابت و ارائه به
بازارهای منطقه است

از این‌رو در سال جاری باید توجه ویژه به نظام استعدادیابی و شایسته‌سالاری برای جذب جوانان توانمند در دستور کار مسئولان وقت قرار گیرد.

- **فرهنگ سازی برای مصرف کالای داخلی:** رونق تولید ملی و جهش تولید بدون اقبال مصرف‌کنندگان به کالاهای داخلی امکان‌پذیر نیست، از سوی دیگر ظرفیت‌های دین اسلام در تشویق به امساک و پرهیز از اسراف می‌تواند به انصراف مردم از مصرف کالاهای خارجی کمک کند؛ لذا سیاست‌های فرهنگی مرتبط با حوزه مصرف می‌تواند منجر به رونق کالاهای داخلی شود.

- **فرهنگ کار و تولید، نه به عنوان یک وظیفه، بلکه به عنوان یک فضیلت باید در جامعه مورد توجه قرار گیرد.** باید در ارزش‌گذاری‌های فرهنگی، جایگاه تولید و عوامل آن از جمله کارفرما و کارگران مورد توجه قرار گیرد و وجهه اجتماعی نیروی کار را تقدیس شود. این امر باید در کل جامعه اتفاق بیفتد که نتیجه آن فضیلت یافتن فرهنگ کار و ایجاد ارزش افزوده بر دلالتی و معامله‌گری است و این کار به تدریج نقدینگی صاحبان سرمایه را به سمت سرمایه‌گذاری در تولید سوق می‌دهد.

- **استفاده از ظرفیت‌های فرهنگی جامعه** از جمله مناسبت‌های ملی و مذهبی، ائمه جمعه و جماعات، اماکن و اجتماعات مذهبی، مدارس و دانشگاه‌ها، رسانه‌ها و محیط‌های تبلیغی و تفریحی از الزامات فرهنگی تحقق شعار سال بوده و ضروری است برای این زیرساخت‌های فرهنگی با توجه به اهداف شعار سال، وظیفه تعریف شود. بدیهی است که این ظرفیت‌های فرهنگی نقش بی‌بدیلی در روان‌سازی مسیر برای جهش تولید ایفا خواهند کرد و با توجه به رسالت خود و ارتباط تنگاتنگ با مردم، می‌توانند به خوبی ادای وظیفه کنند.

- **بخشی از ظرفیت فرهنگی کشور باید به خنثی‌سازی القائنات جریان‌گر برگرا و ناتوان از حل مشکلات کشور معطوف گردد،** جریانی که بازیر سؤال بردن «سیاست خودکفایی» ادعا می‌کنند «رونق و جهش تولید صرفه اقتصادی ندارد و به تولید کالاهای غیرقابل رقابت منجر می‌شود و برای حل مشکلات نیاز به تعامل بین‌المللی و کنار آمدن با آمریکا داریم»؛ در حالی که اولاً سیاست خودکفایی و تولید در کشوری مثل ایران با توجه به نیاز داخلی و همچنین نیاز کشورهای همسایه و منطقه همیشه به شرط استفاده از فناوری‌های نوین و استاندارد سازی، صرفه اقتصادی داشته و محصولات آن قابل رقابت و ارائه به بازارهای منطقه است



بخشی از ظرفیت فرهنگی کشور باید به خنثی سازی القائنات جریان غربگرا و ناتوان از حل مشکلات کشور معطوف گردد،

تحلیل ژورنالی

۶۲

خرداد ماه ۱۳۹۹
هیأت رزمندگان اسلام



اگر به وعده الهی باور داشته باشیم هم «جبهه نیروهای انقلاب از جایی تقویت و یاری می شوند که انتظارش را ندارند» و هم «به دشمن از نقطه ای ضربه می زنیم که انتظارش را ندارد»

و به فرمایش رهبری «ضمن اینکه می توانیم با بازارهای خارجی ارتباط داشته باشیم، عمده بازار فروش ما داخل کشور است با این جمعیت هشتاد میلیونی، اگر تولید را حرکت بدهیم و پیش ببریم، مشکلات اقتصادی قطعاً تمام خواهد شد».

- تقویت اعتماد عمومی یکی از دیگر گامهای مهم در تحقق شعار سال است. بدون وجود اعتماد عمومی در سطح جامعه به خصوص نسبت به فرایندهای تجاری و اقتصادی، امکان جهش وجود نداشته و تردیدهای بخشی و عمومی می تواند معکوس عمل نموده و حتی حرکت عادی را کند نماید. برای اعتماد افزایی عمومی در سطح اقتصادی لازم است تا اخلاق را خصوصاً در سطح اخلاق اقتصادی در بخش های مختلف جامعه محقق سازیم.

تأثیر تحقق شعار سال در تقویت اقتدار ملی

در شرایطی که دشمنان مردم ایران بعد از ناکامی در پیشبرد اهداف خود در تسلیم نظام اسلامی از طریق جنگ روانی و تهدید نظامی طرفی نبسته و به اثر گذاری تحریم اقتصادی به فروپاشی کشور امید بسته اند، تحقق شعار جهش تولید حکیمانه ترین و اثر گذارترین راه برای ناکامی دشمنان نظام است، براین هوک نماینده ویژه دولت آمریکا در امور ایران روز سه شنبه ۳۰ اردیبهشت مدعی شده بود که: «به دلیل فشارهای ما، سران ایران باید تصمیم بگیرند، یا مذاکره کنند یا فروپاشی اقتصادی را مدیریت نمایند و مدعی می شود که ایالات متحده به استراتژی موفق فشار حداکثری اقتصادی و انزوای دیپلماتیک [علیه ایران] ادامه می دهد.»

مبتنی بر برنامه و راهبرد دشمنان که به صریح ترین شکل ممکن بر آن تأکید و برای اجرای آن تلاش می کنند، وظیفه مردم و مسئولان در این عرصه سنگین است، براین اساس:

- تحقق شعار سال مهمترین بستری است که می تواند دشمنان را از ادامه فشارها و تهدیدها علیه مردم ما ناامید کند. چرا که هم موجب رونق اشتغال و کاهش بیکاری، افزایش سرمایه گذاری، بهبود وضع معیشتی مردم، افزایش در آمد دولت از طریق مالیات و جبران کاهش درآمدهای نفتی و... می شود. آنچه در سال های اخیر تشدید تحریم های دشمنان را در پی داشته و امید به اثر گذاری تحریم ها برای شکست اراده مردم ایران و تسلیم نظام جمهوری اسلامی را افزایش داده است، مواضع نابجای مسئولان و ابراز ضعف و ناتوانی داخلی، شرطی کردن کشور به برجام و اتخاذ سیاست های نامناسب است که زمینه ساز واقعی، چون واقعه آبان ماه ۹۸ در کشور گردید و دشمنان را در تشدید فشارها و تحریم ها مصمم تر کرد.



در شرایطی که دشمنان مردم ایران بعد از ناکامی در پیشبرد اهداف خود در تسلیم نظام اسلامی از طریق جنگ روانی و تهدید نظامی طرفی نبسته و به اثر گذاری تحریم اقتصادی به فروپاشی کشور امید بسته اند، تحقق شعار جهش تولید حکیمانه ترین و اثر گذار ترین راه برای ناکامی دشمنان نظام است،

تحلیل و گزارش

۶۳

خرداد ماه ۱۳۹۹
هیأت‌رئیس‌رسان

- **تحقق شعار «جهش تولید» متکی به نیروهای جهادی و بخش خصوصی**
معتقد به «تفکر جهادی ما می‌توانیم» است تا مجموعه‌های ناکارآمد! «تفکر جهادی» یعنی «حاکم شدن تفکر تخلف‌ناپذیر بودن وعده الهی» در جامعه و لازمه اصلی حاکم شدن این تفکر «دیدن دشمنی دشمنان» و «قطع امید از بیگانگان» و «تکیه بر توانایی‌ها و ظرفیت‌های داخلی» است و این تفکر است که هرگونه تهدیدی را به فرصت تبدیل می‌کند. اگر به وعده الهی باور داشته باشیم هم «جبهه نیروهای انقلاب از جایی تقویت و یاری می‌شوند که انتظارش را ندارند» و هم «به دشمن از نقطه‌ای ضربه می‌زنیم که انتظارش را ندارد»

- **نام‌گذاری سال جاری به عنوان جهش تولید که شاید از نگاه ظاهری با فضای حاکم بر جامعه متفاوت باشد، اما نشانه رویکرد مثبتی بر فرصت دیدن تهدیدات موجود است.** این پاسخ را می‌توان با نگاهی به مدیریت اقتصاد کشور در شرایط کاهش درآمد نفتی ساده‌سازی کرد. درست است که تحریم‌ها و کاهش درآمد نفتی، بودجه دولت را دچار مشکل کرده است، اما تجربه دو سال اخیر به خوبی نشان داد که بودجه غیرنفتی که تا چند سال قبل، امکان پذیر نمی‌نمود، اکنون به سختی و به تدریج در حال تحقق است. البته اگر دولت‌ها از همان دو دهه قبل که خبری از تحریم‌های نفتی نبود، به هشدارهای رهبر معظم انقلاب برای کاهش وابستگی به نفت توجه می‌کردند، اکنون کشور به راحتی با تحریم‌های نفتی کنار می‌آمد و حتی گزینه تحریم نفتی علیه ایران از روی میز آمریکا برداشته می‌شد، مشابه وضعیتی که درباره گزینه تحریم بنزینی ایران پس از خودکفایی آن رخ داد.

- **جهش تولید می‌تواند فرصت‌های از دست رفته اقتصاد ایران در سال‌های گذشته و اشتغال آسیب‌دیده کشور به واسطه ضعف دستگاههای اجرای وشرطی ساز کشور به برجام و یا امید بستن به بیگانگان را جبران و از عمیق‌تر شدن آثار رکود تورمی در اقتصاد کشور در سال جدید جلوگیری کند.**

- **جهش تولید با توجه به کاهش شدید درآمدهای نفتی، ظرفیت‌های واقعی کشور برای اقتصاد بدون نفت و با اتکا به منابع داخلی را آشکار کرده و موجب فعال شدن بخش خصوصی و قطع وابستگی به خارج و گسترش صنایع تکمیلی و تبدیلی و جلوگیری از خام‌فروشی خواهد شد.**



تجربه بر جام و
شهادت سردار
سپهبد شهید
قاسم سلیمانی
توسط خبیث‌ترین
رئیس جمهور آمریکا،
نتیجه هر گونه
مذاکره‌ای با دولت
فریبکار آمریکا
را بیش از پیش
آشکار کرد و اعتبار
و حیثیت هر گونه
ادعایی درباره حل
مشکلات کشور به
مدد مذاکره و رابطه
با آمریکا را بر باد داد

تحلیل‌های ۳۲

- جهش تولید زمینه هر چه بیشتر صادرات غیر نفتی و برطرف شدن مشکلات صادرات از مسیر پانزده کشور همسایه با هدف کمک به نیازهای ارزی کشور و کنترل حجم بالای نقدینگی و کاهش ارزش پول ملی را در شرایط تحریم فراهم خواهد کرد و اقتصاد ایران - به شرط حسن استفاده از این فرصت پدید آمده - در آستانه‌ی یک شکوفایی و «جهش در تولید ناخالص ملی» قرار خواهد گرفت. اگر این جهش رقم بخورد، مردم پیامدهای مثبت ناشی از آن مثل «کاهش نرخ بیکاری»، «افزایش قدرت خرید»، «رفاه» و... را به شکل محسوسی لمس خواهند کرد.

- تجربه بر جام و شهادت سردار سپهبد شهید قاسم سلیمانی توسط خبیث‌ترین رئیس جمهور آمریکا، نتیجه هر گونه مذاکره‌ای با دولت فریبکار آمریکا را بیش از پیش آشکار کرد و اعتبار و حیثیت هر گونه ادعایی درباره حل مشکلات کشور به مدد مذاکره و رابطه با آمریکا را بر باد داد. چالش اقتصادی امروز و جنگی که دشمن راه انداخته است، چاره‌ای ندارد جز خود کفا شدن و این میسر نخواهد شد مگر از طریق تحقق اقتصاد مقاومتی و شعار جهش تولید، برای اینکه کشور بتواند با عزت از این پیچ تاریخی عبور کند.

- جهش تولید بزرگ‌ترین دغدغه خانواده‌ها و جوانان فارغ‌التحصیل یعنی اشتغال را پاسخ خواهد داد. بسیاری از آسیب‌های اجتماعی از جمله افزایش سن ازدواج، طلاق، اعتیاد، کاهش فرزندآوری، به خاطر بیکاری و مشکلات اقتصادی است و تحقق شعار جهش تولید گره‌گشای این مشکلات اجتماعی و بالتبع آن مقوم همبستگی اجتماعی و اقتدار ملی است.

- عرصه دفاع و جهاد بهترین الگو برای عرصه اقتصاد و تولید است. این عرصه از آغاز بر عهده نیروها و مدیران انقلابی و جهادی بود. به همین دلیل انگیزه‌های منفعت طلبانه شخصی و جریانی در آن کمتر میدان یافته است. روحیه ایثار و از خود گذشتگی در مدیران و تلاشگران این عرصه، یکی از عوامل اصلی تحول و مقدمه‌ای برای مقابله با تحریم‌ها و دستیابی به فناوری‌های نوین برای یک دفاع مطمئن است. بهره‌گیری از الگوی دفاعی برای جهش تولید در دیگر عرصه‌ها در عین بالا بردن، سطح زندگی افراد جامعه، اقتصاد کشور را در برابر فشارها مقاوم‌تر کرده و تبعات کاهش چالش‌های اجتماعی را در پی خواهد داشت.

- جهش تولید ثبات و امنیت را برای جامعه به ارمغان می‌آورد؛ ثبات و امنیت، به عنوان بستر اصلی هر گونه فعالیت مثبت اقتصادی و اجتماعی، مورد تأکید و عنایت ویژه همه مکتب

“

البته اگر دولت‌ها از همان دو دهه قبل که خبری از تحریم‌های نفتی نبود، به هشدارهای رهبر معظم انقلاب برای کاهش وابستگی به نفت توجه می‌کردند، اکنون کشور به راحتی با تحریم‌های نفتی کنار می‌آمد و حتی گزینه تحریم نفتی علیه ایران از روی میز آمریکا برداشته می‌شد، مشابه وضعیتی که درباره گزینه تحریم بنزینی ایران پس از خودکفایی آن رخ داد.

تحلیل ژورنالیست

۶۵

خرداد ماه ۱۳۹۹
هیأت‌رئیس‌رسانان اسلام

ها و مسلک‌ها است. تحلیل‌های تاریخی، به وضوح بیانگر آن است که هرگاه گستره و عمق ناامنی در کشور محدود شده است، شاهد پیشرفت و آبادانی بوده ایم. در این راستا، هرگونه عملکرد سازنده‌ای در این زمینه، ما را به تحقق جهاد اقتصادی نزدیک تر می‌سازد.

ایران با اتکا به ظرفیت‌های درونی به سطحی از بازدارندگی و اقتدار دفاعی رسیده است که تهدیدهای نظامی غرب در تغییر محاسبات مردم و مسئولانش تأثیری ندارد. تحقق شعار جهش تولید آسیب‌پذیری کشور در حوزه اقتصادی را کاهش داده و همچون عرصه دفاعی تثبیت تحکیم اقتدار ملی را در پی خواهد داشت.

حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی) در روزهای پایانی ماه مبارک رمضان در نشست تصویری با جوانان دانشجو و تشکل‌های دانشگاهی، هدف اصلی دشمنان از مقابله با ملت ایران را جلوگیری از ایجاد یک الگوی جذاب برای ملت‌ها دانستند و یادآور شدند: باید متوجه بود که جمهوری اسلامی در کوران نبرد سیاسی، فکری، جنگ نرم و احیاناً برخوردهای سخت با جبهه مستکبران قرار داشته و دارد. تجربیات نظامی و غیرنظامی ۴۰ سال اخیر به خوبی ثابت می‌کند ملت عزیز ایران ظرفیت پیروزی بر دشمنان عنود خود را دارد. البته این نکته مدنظر باشد که دشمن از تلاش برای تحقیر ملت و مخدوش کردن اعتماد به نفس ملی مأیوس نشده است، اما با وجود تلاش‌های دشمن، خداوند خلاف آن را تقدیر کرده است.

“

حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی) در روزهای پایانی ماه مبارک رمضان در نشست تصویری با جوانان دانشجو و تشکل‌های دانشگاهی، هدف اصلی دشمنان از مقابله با ملت ایران را جلوگیری از ایجاد یک الگوی جذاب برای ملت‌ها دانستند و یادآور شدند: باید متوجه بود که جمهوری اسلامی در کوران نبرد سیاسی، فکری، جنگ نرم و احیاناً برخوردهای سخت با جبهه مستکبران قرار داشته و دارد. تجربیات نظامی و غیرنظامی ۴۰ سال اخیر به خوبی ثابت می‌کند ملت عزیز ایران ظرفیت پیروزی بر دشمنان عنود خود را دارد. البته این نکته مدنظر باشد که دشمن از تلاش برای تحقیر ملت و مخدوش کردن اعتماد به نفس ملی مأیوس نشده است، اما با وجود تلاش‌های دشمن، خداوند خلاف آن را تقدیر کرده است.



تحلیل و تدابیر

دکتر رسول سنایی راد

قوی شدن؛ هم استراتژی هم هدف

یکی از رهنمودهای مکرر رهبر فرزانه و حکیم انقلاب اسلامی، امام خامنه ای که همراه با تلاش عملی از سوی خود معظم له نیز می باشد، قوی شدن افزایش قدرت ملی است که در ایجاد آن تمام آحاد و اقشار جامعه را صاحب نقش می دانند.

با توجه به اهمیت قوی شدن که از نگاه ایشان؛ «اساساً حیات یک ملت و بالندگی یک ملت وابسته به این است که مؤلفه های قدرت و عناصر قدرت را در خود تقویت کند»^(۹۷/۴/۹) آن را در زمره اهداف بلند الهی دانسته و با صراحت اعلام می دارند؛ «قوی شدن کشور جزء هدفهای ما است این هم از خطوط اصلی نسخه بعثت است.»^(۹۹/۱/۲) همچنین معظم له مخالفت دشمن با اقتدار نظام و تلاش دشمن را برای تهی سازی نظام اسلامی از عناصر قدرت، برای از بین بردن نظام معرفی کرده و همگان را به مواظبت بر این راهبرد دشمن هشدار می دهد.

از آنجا که، گفتمان سازی اولین و اصلی ترین گام برای نیل به استراتژی و هدف متعالی به حساب می آید. این موضوع برای واکاوی در این نوشتار انتخاب شده است.

معنا و مفهوم قوت و قدرت

قوت را مقام معظم رهبری مترادف با قدرت به کار می گیرند که مهم ترین واژگان نزدیک به آن سلطه و اقتدار است که از زبان عربی به فارسی راه یافته اند.

در ادبیات انگلیسی power به معنای قدرت بکار می رود واژه های Authority Force هم معادل آن به کار رفته که به معنی زور، استعداد و توانایی انجام کار و آنچه که دارای کنترل یا تاثیر است، می باشد.

قدرت در معنای اصطلاحی آن عبارت است از هر عاملی که بتواند کنترل شخص بر شخص دیگر را به وجود آورده و حفظ کند، شامل می شود. قدرت، کلیه روابط اجتماعی- از خشونت تا روابط دقیق و ظریف روانی- را در بر می گیرد که به کمک آنها، فردی فرد دیگر را کنترل می کند. به تعبیری دیگر، قدرت توانایی وادار کردن فرد به انجام چیزی است که خودش آن چیز یا کار را انتخاب نمی کرد.

قدرت مفهومی چند بعدی و جدال بر انگیز و گسترده دارد که مانند آن از علوم طبیعی و ابزار نظامی تا علوم اجتماعی و ابزار فکری و رسانه ای را شامل می شود. از این رو قدرت مفهومی میان رشته ای پیدا کرده و مهمترین وجه مشترک در بازنمایی



قدرت با حاکمیت در هم تنیده و عجین است و حاکمیت عبارت است از قدرت بر تر فرماندهی در درون جامعه و قدرت استقلال و نفی وابستگی به بیرون آن که متعلق به بالاترین مرجع اقتدار است. به عبارت دیگر حاکمیت، امکان اعمال اراده ای فوق اراده های دیگر است.

تحلیل ژورنالی

۶۸

خرداد ماه ۱۳۹۹
هیأت رزمندگان اسلام

آن را می توان تاثیر گذاری بر دیگران دانست که این تاثیر گذاری یا امکان مؤثر بودن وجه مثبت و یا خوشایند آن برای صاحب قدرت به حساب می آید. این تاثیر گذاری می تواند در نگاه منفی و غیر دینی و غیر انسانی برای سلطه بر دیگران و در نگاه دینی و انسانی برای هدایت و تأمین سعادت دیگران مصرف شود.

اما در هر صورت قدرت، نوعی انگاره درونی استوار، هویت مستقل و پایدار بودن غیر قابل انکار را به صاحب قدرت تلقین می کند.

قدرت با حاکمیت در هم تنیده و عجین است و حاکمیت عبارت است از قدرت بر تر فرماندهی در درون جامعه و قدرت استقلال و نفی وابستگی به بیرون آن که متعلق به بالاترین مرجع اقتدار است. به عبارت دیگر حاکمیت، امکان اعمال اراده ای فوق اراده های دیگر است.

انواع قدرت

ماهیت قدرت به تعبیر و یا ساخت آن مرتبط بوده و در طول تاریخ با نوع نگاه و تلقی نسبت به نحوه تولید و استفاده از ابزار متغیر بوده است. در تعبیر سخت و اجباری قدرت یا آمریت آن، قدرت به توان اعمال سلطه از سوی یک بازیگر به بازیگر دیگر بر می گردد که برای تمکین از خواست خود دنبال می شود. اما قدرت در تعبیر نرم با عنصر اقناع تعریف شده و در فضای ارتباط متقابل و همراه با جذب و همراه سازی پدید می آید.

عموما از هر دو تعبیر و ساخت استفاده شده و خروجی آن همان تاثیر گذاری بر دیگران است.

قدرت را به سه گونه ی سخت، نرم و هوشمند تعریف می کنند:

۱- قدرت سخت که آمریت را تأمین و با امکانات مادی فراهم شده و توان دفاعی و نظامی را فراهم می آورد. این قدرت امکان مقابله با تهدید و تجاوز دشمنان و تحمیل اجبار دیگران را فراهم می سازد.

۲- قدرت نرم که جذب و همراهی را تأمین و با پشتوانه معنوی و توان اقناع مادی و ایجاد رجحان در دیگران تأمین می شود. این قدرت در درون، انسجام بخش و برانگیزاننده و در بیرون جذاب و رجحان بخش به حساب می آید و اراده خود را محکم و اراده دشمن و دیگری را درهم می شکند.

۳- قدرت هوشمند که ترکیبی از قدرت سخت و نرم بوده و به اقتضای شرایط و موقعیت از هر دو قدرت به تناسب و اندازه بهره می گیرد تا پیشبرد اهداف را با بیشترین اثر و کارایی تأمین کند. در تولید قدرت هوشمند تدابیر دولتمردان و نخبگان بهترین نقش را داشته و تشخیص موقعیت و برآورد وضعیت از سوی آنان اهمیت بالایی دارد.



قدرت مفهومی میان رشته ای پیدا کرده و مهمترین وجه مشترک در بازنمایی آن را می توان تأثیرگذاری بر دیگران دانست که این تأثیرگذاری یا امکان مؤثر بودن وجه مثبت و یا خوشایند آن برای صاحب قدرت به حساب می آید. این تأثیرگذاری می تواند در نگاه منفی و غیردینی و غیرانسانی برای سلطه بر دیگران و در نگاه دینی و انسانی برای هدایت و تأمین سعادت دیگران مصرف شود.

تحلیل ژورنالها ۳۲

۶۹

خرداد ماه ۱۳۹۶
هیأت رزمندگان اسلام

گرچه به طور مختصر می توان گفت قدرت ملی مجموعه ای از ظرفیت ها و توانایی های مادی و معنوی است که امنیت ملی را تأمین و امکان تأمین منافع ملی را فراهم می کند، اما با توجه به کارکردهای قدرت می تواند مشوق حرکت به سمت تقویت آن یا تلاش برای قوی شدن به حساب آید.

کارکردهای مهم قدرت ملی عبارتند از:

۱- صیانت از حیات و موجودیت ملی که از نگاه رهبری؛ «اساسا حیات یک ملت و بالندگی یک ملت وابسته به این است که مؤلفه های قدرت و عناصر قدرت را در خود تقویت کند و آنها را در جای لازم و بهنگام، مورد بهره برداری و استفاده قرار دهد» (۹۷/۴/۹)

به ویژه زمانی که یک کشور و یک نظام سیاسی با دشمنی ها و رقابت هایی مواجه است این کارکرد اهمیت مضاعفی پیدا می کند.

کشور ما با دشمنی ذاتی استکبار و صهیونیسم از یک سو و رقابت های کینه توزانه برخی دولت های منطقه ای و محاربه برخی گروهک های معاند داخلی به طور همزمان مواجه است که نه تنها از زبان تهدید استفاده می کنند بلکه هرگاه فرصت داشته باشند به اقدامات خصمانه و براندازانه نیز رو می آورند.

کودتا و اقدامات براندازانه، هشت سال جنگ تحمیلی و درگیری مستقیم آمریکای جنایت کار از حمله به شناورهای ایرانی و شلیک به هواپیمای غیر نظامی در خلیج فارس تا ترور سردار سپهبد قاسم سلیمانی و جنگ نیابتی ترور یسم تکفیری، مجموعه ای از دشمنی های عملی و اقدامات خصمانه بر علیه موجودیت کشور و نظام جمهوری اسلامی است که از ناپودی کامل تا تجزیه کشور را هدف گذاری کرده و تنها مشت آهنین و قدرت جمهوری اسلامی ایران بوده که اجازه این کار را به دشمنان نداده است.

۲- دفاع از عزت ملی که تنها با داشتن قدرت کافی میسر می باشد. رهبر حکیم انقلاب به صراحت می فرمایند: «اگر ملتی قوی نباشد و ضعیف باشد زور خواهد شنفت به او زور می گویند. اگر ملتی قوی نباشد، باج گیران عالم از او باج می گیرند، از او باج می خواهند، اگر بتوانند به او اهانت می کنند. اگر بتوانند زیر پا او را لگدمی کنند. اگر یک ملتی به خود نیاید، خود را قوی نکند، دیگران به او زور می گویند.» (۹۳/۱/۱)



«اگر ملتی قوی نباشد و ضعیف باشد زور خواهد شنفت به او زور می گویند. اگر ملتی قوی نباشد، باج گیران عالم از او باج می خواهند، اگر بتوانند به او اهانت می کنند. اگر بتوانند زیر پا او را لگد می کنند. اگر یک ملتی به خود نیاید، خود را قوی نکند، دیگران به او زور می گویند.»

تحلیل ژورنالی

۲۰

خرداد ماه ۱۳۹۹
هیأت رزمندگان اسلام

سران کاخ سفید با توجه به ضعف برخی دولتهای عربی است که ضمن درخواست باج به عنوان هزینه تامین امنیت، آن را گاوهای شیری می نامند همانگونه که در گذشته به کشورها نه تنها به عنوان پمپ بنزین یا عامل تامین سیاست های منطقه ای خود و پایه امنیت خلیج فارس برای تامین انرژی برای غرب می نگریستند و وقیحانه کاپیتولاسیون را هم دنبال می کردند.

۳- بازدارندگی و تامین صلح که با موازنه ای از قدرت فراهم می شود که دشمنان هرگونه حمله یا اقدام خصمانه را برای خود پر هزینه بدانند. با توجه به این کار کرد است که فرمانده معظم کل قوا تاکید دارند:

«باید ملت ایران و مسئولین کشور تلاششان برای قوی شدن کشور و قوی شدن ملت باشد... اگر این شد، به فضل الهی ملت ایران برای آینده نه چندان دور، آنچنان خواهد شد که دشمنان حتی جرات تهدید هم پیدا نمی کنند.» (۹/۱۰/۱۷)

۴- فراهم شدن زمینه پیشرفت و رشد کشور که با توجه به ابعاد قدرت به صورت مستقیم و غیر مستقیم به تحقق پیشرفت کمک می کند.

قدرت حاصل کار و تلاش در عرصه های مختلف علمی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی است که در مواردی مثل جهش تولید به طور مستقیم و در مواردی مثل جنبش نرم افزاری و تولید علم به صورت واسطه ای موجب پیشرفت و رشد کشور می شود. همان گونه که صنعت دفاعی مستقل که پشتوانه ای برای قدرت نظامی است، تولید اشتغال کرده و زیرساخت های فنی و صنعتی کشور را نیز ارتقاء می دهد.

۵- تامین منافع ملی که در شرایط رقابت و تعارض این منافع با منافع دشمنان و رقبا بدون پشتوانه قدرت میسر نخواهد بود.

امروز در جنگ اقتصادی، آمریکا مجبور به عقب نشینی در برابر چین است که دارای ظرفیت های عظیم و قدرت اقتصادی است. آنچه مانع دستیابی آمریکا و متحدانش در سوریه و عراق با ابزار ترور یسم تکفیری شده حضور مقتدرانه مقاوت اسلامی و همچنین استقامت دولتها و مردم این کشورها بوده است.

اعزام نفتکش های ایرانی به ونزوئلا با وجود تهدیدات مکرر سران کاخ سفید و پنتاگون تنها به پشتوانه ی قدرتی فراهم شد که آمریکایی ها در میدان عمل با سقوط هواپیمایی جاسوسی خود و ضربات موشکی جمهوری اسلامی ایران به پایگاه عین الاسد آن را درک کرده بودند.

ما برای تامین منافع خود باید قدرت لازم و کافی را داشته باشیم و الا در برخورد با منافع دیگران ناچار به کوتاه آمدن خواهیم شد، همانگونه که سعودی در تعیین قیمت نفت همواره به منافع

غرب نگر بسته و چاره‌ای جز مقدم داشتن منافع آنان بر خود نداشته‌اند.

سرچشمه‌ها، عوامل و عناصر قدرت

قدرت ملی حاصل عوامل و عناصر مختلفی است که در یک ارتباط و کارکرد جمعی به تولید و افزایش قدرت می‌پردازند. این عوامل جنبه کمی و کیفی و مادی و معنوی داشته و هر کدام به تنهایی یا در ارتباط با یکدیگر امکان تاثیرگذاری و افزایش وزن یا میزان قدرت ملی یا کاهش آن را موجب می‌شوند.

عوامل و عناصر قدرت ساز را می‌توان به شرح ذیل مورد اشاره قرار داد:

۱- **عوامل جغرافیایی** شامل: وسعت و شکل سرزمین، وضع طبیعی، منابع، موقعیت قلمرو و شرایط اقلیمی، تعداد مرزها، سطح قدرت همسایگان، فضا، عمق استراتژیک و...

۲- **عوامل اقتصادی** شامل: تولید ناخالص ملی، درآمد سرانه، کم و کیف تولیدات صنعتی و کشاورزی، دسترسی به منابع و امکان صدور تولیدات، درجه استقلال یا وابستگی به منابع مالی و اقتصادی سایر کشورها، ظرفیت‌ها و فناوری‌های تولید، خدمات فنی و تخصصی، زیرساخت‌ها و ناوگان حمل و نقل و....

۳- **عوامل سیاسی** شامل: نوع حاکمیت و رهبری، ثبات و مشروعیت سیاسی، مشارکت سیاسی مردم، همبستگی ملت با دولت، امنیت داخلی، تعاملات و مناسبات سیاسی با سایر کشورها، اعتبار و نفوذ بین‌المللی، کیفیت بکارگیری منابع ملی و....

۴- **عوامل فرهنگی** شامل، میراث فرهنگی و تاریخ کشور، ایدئولوژی و باورها و ارزش‌های معنوی، خصلت‌ها و روحیات ملی، اختراعات ملی، ته‌ور و بردباری ملی و....

۵- **عوامل اجتماعی** شامل، جمعیت، ترکیب سنی، اشتغال، سلامت، انسجام و وحدت اقوام و مذاهب داخلی، همبستگی خصائص ملی و....

۶- **عوامل نظامی** شامل: بودجه دفاعی، نفرات، تجهیزات، فنون، تحرک، کیفیت رهبری نظامی، صنعت دفاعی، کیفیت تاکتیک و استراتژی، عمق راهبردی، تجارب نظامی، پایگاه‌های نظامی، لجستیک و پشتیبانی، فرهنگ رشادت و ایثار و....

۷- **عوامل علمی و فناوری** شامل: تعداد مراکز علمی و تحقیقی، تعداد تحصیل‌کردگان و نخبگان علمی، میزان بودجه تحقیق و توسعه، سطح تکنولوژی و تنوع آن، تولیدات و محصولات علمی، شرکت‌ها و مراکز دانش بنیان، اختراعات و اکتشافات علمی، فناوری‌های بومی، صادرات علمی و فنی.



اعزام نفtekش‌های
ایرانی به ونزوئلا
با وجود تهدیدات
مکرر سران کاخ
سفید و پنتاگون
تنها به پشتوانه‌ی
قدرتی فراهم شد که
آمریکایی‌ها در میدان
عمل با سقوط
هواپیماهای جاسوسی
خود و ضربات
موشکی جمهوری
اسلامی ایران به
پایگاه عین‌الاسد آن
را درک کرده بودند.

تحلیل‌های

رهبر فرزانه حکیم انقلاب اسلامی در پاسخ به این سوال که عناصر قدرت ما چیست؟ می فرمایند: «استقرار و ثبات سیاسی است، امنیت اجتماعی است، وحدت ملی است، پابندی به اصول و مبانی انقلاب است. حرکت پیشرفت رو به توسعه علمی است، توسعه و تعمیق فرهنگ انقلابی و اسلامی است، این ها عناصر قدرت ما است. (دشمنان ما) با این ها مخالفند البته با پیشرفت نظامی ما هم مخالفند، با موشک ما هم مخالفند، با حضور ما در منطقه هم مخالفند، چون این ها هم جزء عوامل قدرت و عناصر ما هستند» (۹۷/۷/۱۲)

امروزه نگاه به قدرت ملی، چند بعدی است و تمام عوامل قدرت را لحاظ می کند. در گذشته عامل نظامی به عنوان تنها و یا اصلی ترین عامل مدار قدرت تلقی شده و جمله معروف «حرف آخر را عالیجناب توپ می زند» از همین نگاه بر می خاست. اما امروز تمامی استراتژیست ها و کارشناسان حوزه قدرت، این اتفاق نظر را دارند که قدرت نظامی لازم است اما کافی نیست همانگونه که غفلت از این عامل موجب کاهش اثرگذاری و حتی از دست دادن منافع می شود. فهم این موضوع در پیوند با نفت برای کشورهای نفتی کاملاً شفاف و روشن است بسیاری از کشورهای نفتی به دلیل ضعف بنیه نظامی نه تنها از این سرمایه ی اقتصادی بهره لازم نبرده اند، بلکه بارها کشورشان مورد اشغال و تاخت و تاز کشورهای بوده که دارای قدرت نظامی بوده اند، ضعف نظامی کشورمان در جنگ های جهانی اول و دوم و نیاز ارتش های قدرت های بزرگ به سوخت موجب تاخت و تاز آنان در سرزمین ایران بوده است، تاراج منابع کشور های نفتی عربی در دنیای امروز به بهانه تامین امنیت آنان توسط قدرت های فرامنطقه ای به ضعف بنیه دفاعی و وابستگی نظامی این کشور ها بر می گردد.

الزامات قوی شدن یا افزایش قدرت ملی

قوی شدن و افزایش قدرت آرزوی ذاتی هر انسان و هر دولتی به شمار می آید که دغدغه حیات و بقا و پیشبرد اراده و پیشرفت خود را دارد. قدرت نه تنها موجب نظم و امنیت بلکه پشتوانه تامین منافع و عزت و منزلت و توسعه آن می شود و لذا میل به افزایش آن با عقلانیت و خرد سیاسی پیوند خورده است.

اما قوی شدن الزاماتی دارد که عبارتند از:

۱- گفتمان سازی و برانگیختن اراده ملی که معمولاً توسط رهبران سیاسی، نخبگان فکری و سیاسی و اصحاب تربیون در رسانه انجام شده و رهبر معظم انقلاب خود در این زمینه پیشرو بوده و به شدت به آن عنایت دارند. گفتمان قدرت به تشکیل اراده عمومی و برانگیختن مشارکت عمومی در مسیر تولید قدرت می انجامد.

۲- هدف گذاری و برنامه ریزی که عمدتاً بر عهده کارگزاران و مسئولان نظام است و اولویت ها و تنظیم اقدامات برای بکارگیری ظرفیت ها را نیز شامل می شود. تمرکز رهبری بر نهضت علمی و نرم افزاری به عنوان پیشروان قدرت در همین راستا قابل فهم است.

جالب اینکه رهبری انتظار دارند در این مراحل همه اقشار مشارکت داشته باشند لذا می فرمایند: «قدرت کشور چه جوری بالا می رود؟ باید روی آن فکر کنیم و برنامه ریزی کنیم. این برنامه ریزی به عهده همه است، به عهده مسئولین است به عهده سیاستمداران هست به عهده ی حوزه علمیه هست» (۹۵/۱۰/۱۹)

۳- کار و تلاش و استقامت بر این امر که معمولاً با مقاومت رقبا و دشمنان مواجه است و لذا با تنبلی و بی حوصلگی شدنی نیست. محتاج کار مضاعف و تلاش جهادی است. همانگونه که در سایر کشور ها به سطوحی از قدرت رسیده اند با سخت کوشی، تلاش و صبوری میسر شده است که ژاپن نمونه امروزی آن است.

۴- اتحاد و انسجام داخلی که به هم افزایی در این مسیر و تمرکز نیرو بر روی آن کمک کرده و حرکت در مسیر قدرت یابی و افزایش قدرت را تسهیل می کند.

قدرت ملی پدیده ای دو وجهی (هم استراتژی، هم هدف)

قدرت ملی ذاتاً میل به بسط و گسترش دارد و تمامی ملت ها و کشور ها به دنبال افزایش قدرت خود هستند تا در عرصه رقابت به موازنه جدیدی دست یافته و امکان تاثیر گذاری متناسب با امنیت و منافع خود را حفظ نمایند لذا همچنان که افراد همواره به دنبال افزایش توانمندی مادی و معنوی خود از کسب علم و ثروت تا افزایش سلامت و نیروی جسمانی خود هستند، کشور ها نیز برای دستیابی به قدرت بیشتر در تلاش و رقابت بوده و به دنبال دستیابی به ظرفیت ها، فرصت ها و توانمندی های جدیدی هستند.

در واقع قدرت ملی خصلتی پویا دارد در عین حال که به صورت هدف ملی تجلی پیدا می کند، وسیله و ابزاری برای دولت ها و رهبران سیاسی نیز محسوب می شود که از آن برای تحصیل هدف های ملی و حفاظت و بسط آن استفاده می کنند.

به عبارت دیگر قدرت ملی پدیده‌ای دو وجهی است، یعنی هم استراتژی و هم هدف است. استراتژی برای دولت‌ها وجدان سیاسی در جهت نیل به اهداف ملی تعیین شده و همچنین یک هدف برای نیل به موازنه‌ای جدید که بازدارندگی را در همه عرصه‌های سخت و نرم تأمین می‌کند و امکان اعمال حاکمیت یا حکمرانی را فراهم می‌سازد و مترادف با حاکمیت شمرده می‌شود. با همین نگاه رهبر فرزانه انقلاب با تأکید بر لزوم قوی شدن کشور در همه جهات به ویژه زمینه دفاعی، می‌گویند: «ما به دنبال تهدید هیچ کشور و ملتی نیستیم، بلکه فقط به دنبال امنیت کشور و جلوگیری از تهدید هستیم و همچنین هدف از استراتژی قدرت را اینگونه اعلام می‌کنند که: «برای آنکه جنگ نشود و برای آنکه تهدید تمام شود، باید قوی شد.» (۹۸/۱۱/۱۹)

ایشان در جایی قوی شدن را اهداف و در مورد دیگری نیرومندی را پشتوانه یا عامل مقاومت سازی معرفی کرده و می‌فرمایند: «وظیفه ما این است که، کشور را هم نیرومند کنیم، هم مقاوم کنیم. قدرت کشور را بالا ببریم و آن را مقاوم سازی کنیم.» (۹۵/۱۰/۱۹)

رهبر حکیم انقلاب اسلامی که در سالیان اخیر پرچم این گفتمان عزت بخش را به دست گرفته اند به آینده آن نیز چشم امید دوخته‌اند و معتقدند: «بعضی ملت‌ها هستند که تا قوی شدن فاصله زیادی دارند امیدی وجود ندارد که بخواهند در خود، آن نیرویی را که بتوانند مقابله کنند با زورگویان و گردن کلفت‌های عالم ایجاد کنند. اما ملت ما اینجور نیست. ما اولاً استعداد قوی شدن زیاد داریم، امکانات و ظرفیت‌ها هم زیاد داریم، ملت ما به سمت اقتدار ملی هم به راه افتاده و راه زیادی پیموده است.» (۹۳/۱/۱)

درواقع باید انقلاب اسلامی را نقطه عطف تاریخ قدرت یابی ملت شریف ایران اسلامی دانست که نه تنها با درک ضرورتی چون استقلال و مقابله با وابستگی بلکه با پشتوانه‌ای چون اعتماد به نفس برآمده از این حادثه عظیم، پا در راه قوی شدن گذاشت و رجوع او به قدرت و عظمت گذشته ایران و اسلام عزیز اصلی‌ترین محرک ملت در این مسیر بود.

تمرین صبر و استقامت در میدان مبارزه و حضور در کوران حوادث پس از انقلاب به ویژه هشت سال دفاع مقدس نیز به افزایش روحیه جهادی و تعمیق انقلاب‌گری منتهی شده که جملگی الزامات و پیشران‌های لازم برای افزایش قدرت‌های ملی محسوب می‌شوند.

تحليل واداء

دکتر علیرضا معاف

راه حل مشکلات کشور: دولت جوان و حزب اللهی
تبيين ضرورت با مرکز بر آيه ۲۴۷ سوره مبارکه بقره

وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَنَّى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مُلْكَهُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ؛

و پیامبرشان به آنان گفت: «خداوند (طالوت) را برای زمامداری شما برانگیخته است،» گفتند: «چگونه او بر ما حکومت کند، با اینکه ما از او شایسته‌تریم، و او ثروت زیادی ندارد!» گفت: «خداوند او را بر شما برگزیده، و او را با بسط در علم و جسم، به کمال رسانده است. خداوند ملکش را به هر کس بخواهد می‌بخشد؛ و احسان خداوند وسیع است و (از لیاقت افراد برای منصب‌ها) آگاه است.» (بقره: ۲۴۷)

رهبر معظم انقلاب: مکرر گفته‌ام که به دولت جوان و حزب‌اللهی معتقد و امیدوارم اما معنای این حرف صرفاً این نیست که یک جوان سی و چند ساله رئیس دولت باشد بلکه معنای دولت جوان و حزب‌اللهی یک دولت پای کار، آماده و با نشاط است که علاج مشکلات است و می‌تواند کشور را از راه‌های دشوار عبور دهد.

مقدمه

این آیات شریفه، مربوط به انتخاب «طالوت» به زمامداری بنی اسرائیل است. ماجرا این بود که قوم بنی اسرائیل که بعد از وفات حضرت موسی^(ع) دچار از هم پاشیدگی و ضعف شده بودند و از جانب دشمنانی همچون «جالوت» نیز دائماً مورد تهدید قرار می گرفتند، از پیامبرشان درخواست نمودند تا برای آنان زمامداری انتخاب نماید که در امور اجرایی و نظامی، سخن او فصل الخطاب باشد.^۱ پیامبرشان نیز به دستور خداوند، «طالوت» را برای این کار برگزید. مطابق این آیه شریفه و برخی آیات پس از آن، «طالوت» از ویژگی هایی برخوردار بود که وجود آنها در مسئولان نظام اسلامی ضروری است. در ادامه به این ویژگی ها اشاره خواهیم نمود.

۱. علم کافی در موضوعات و مسائل حکومتی

مطابق این آیه شریفه، یکی از ویژگی های مهم طالوت، «بسط در علم» بود. به عبارت دیگر، علم او در موضوعات مرتبط با امر زمامداری و تدبیر جامعه، «بسط» داشت.^۲ برای توضیح بیشتر این مطلب باید گفت، «بسط» در لغت به

تحلیل و ارزیابی

۲۸

خرداد ماه ۱۳۹۹
هیأت رزمندگان اسلام

۱. از تعبیر «ملکاً» چنین بر می آید که «طالوت»، تنها فرمانده لشکر نبود، بلکه «زمامدار» کشور هم بود. (آیت الله مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه؛ ج ۲؛ ص ۲۳۷)

۲. توجه به این نکته لازم است که منظور از «علم» در تعبیر «بَسْطَةُ فِي الْعِلْمِ»، نه صرف علوم نظامی و جنگی است و نه همه علوم موجود در عالم هستی؛ بلکه منظور، علوم اصلی مرتبط با امر زمامداری و تدبیر امور مردم جامعه است، که علوم نظامی و جنگی نیز یکی از آنهاست. بنابراین، هر چند جمله «وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ» نسبت به مسائل نظامی، «نص» است، اما نسبت به سایر رشته های علوم اسلامی کشورداری ظهور اطلاقی دارد. (ر.ک: آیت الله جوادی آملی، عبدالله؛ تسنیم؛ ج ۱۱، ص ۶۴۱)

معنای «نشر و توسعه داشتن»^۱ و «امتداد داشتن»^۲ است؛ و این، معنایی غیر از «زیاد بودن» است. به عنوان مثال، تعبیر «بسط در رزق» که در آیات قرآن به خداوند نسبت داده شده است، لزوماً و همواره به این معنا نیست که خداوند مال، ثروت و هر چیزی که مصداق «رزق» می باشد، را «افزایش» می دهد؛ بلکه در مواردی، و چه بسا در بسیاری موارد، به این معناست که خداوند همان مال و رزق اندک فرد را در طول زمان، «امتداد» و «گسترش» می دهد؛ بگونه‌ای که با همان مال اندک می تواند از عهده زندگی اش برآید.^۳ حال، به نظر می رسد تعبیر «بسط در علم» نیز در این آیه شریفه، لزوماً به معنای «زیادی علم» و یا «تخصص در همه علوم» نیست؛ بلکه منظور، آن است که اگر فردی در امر زمامداری، از «علم اجمالی» هم برخوردار بود، بتواند با «عنایت الهی» و با «عقلانیت» بالای خود، «علم اجمالی» اش را به تدریج در بسیاری از بخش ها، «امتداد» و «گسترش» دهد و از آن مایه های اولیه علمی در زمینه های مختلف اجرایی استفاده نماید.

این مسئله نشان می دهد که لازمه وجود فضیلت «بسط در علم»، «عقلانیت» و «معنویت» است و اگر فضیلت «بسط در علم» برای کسی اثبات شد، ملازم با آن، «عقلانیت» و «معنویت» او نیز ثابت خواهد شد.

بنابراین، «علم کافی در موضوعات مرتبط با امر زمامداری»^۴ «عقلانیت» و «معنویت»، سه شاخصه ایست که از تعبیر «بَسْطَةُ فِي الْعِلْمِ» در این آیه شریفه، قابل استنباط است.

۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ مفردات الفاظ القرآن؛ ص ۱۲۲

۲. ابن فارس، احمد؛ معجم مقاییس اللغة؛ ج ۱، ص ۲۴۷

۳. این، همان چیزی است که در ادبیات دینی و عرفی، به آن «برکت» گفته می شود.

۴. بدیهی است علم دولتمردان دولتی اسلامی در حوزه های کاری خود، باید مبتنی بر آموزه های وحیانی و اسلامی باشد؛ در غیر اینصورت، امورات جامعه اصلاح نخواهد شد. چراکه، اولاً مطابق حدیث معروف نبوی^۵، «اندیشمندان» و «زمامداران» یک جامعه می توانند آن جامعه را به جامعه ای «صالح» یا «فاسد» تبدیل نمایند: «هَنْفَانِ مِنْ أُمَّتِي إِذَا صَلَحَا صَلَحَتْ أُمَّتِي وَإِذَا فَسَدَا فَسَدَتْ أُمَّتِي قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَنْ هُم قَالِ الْفُقَهَاءُ وَالْأَمْرَاءُ؛ از امت من دو دسته اند که اگر صالح شدند، امت من صالحند و اگر فاسد شدند، امت من فاسد گردند؛ گفته شد: این دو چه کسانی هستند؟ فرمود: علماء و کارگزاران.» (ابن شعبه خزّانی، حسن بن علی؛ تحف العقول؛ ص ۵۰)

ثانیاً مطابق آیه ای از قرآن کریم، مصلحان واقعی جوامع بشری، چه از میان اندیشمندان و چه زمامداران، کسانی هستند که در «تفکر» و «عمل» و در عرصه های مختلف فردی، اجتماعی و حکومتی، خود را ملزم به تمسک و بهره گیری از کتاب خدا نمایند: «الَّذِينَ يَمْسُكُونَ بِالْكِتَابِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ إِنَّا لَا نَضِيعُ آخِرَ الْمُضِلِّينَ»؛ و آنها که به کتاب (خدا) تمسک جویند و نماز را بر پا دارند، (پادشاه بزرگی خواهند داشت؛ زیرا) ما پادشاه مصلحان را ضایع نخواهیم کرد» (مفرد، ۱۷۰)

تأمل همزمان در این آیه شریفه و آن روایت نبوی^۶، این واقعیت را نمایان خواهد ساخت که اصلاح واقعی (مادی و معنوی) جامعه، زمانی رخ خواهد داد که هم اندیشمندان و هم کارگزاران آن جامعه، در «اندیشه شخصی»، «تصمیمات و عمل فردی» و «تصمیمات و عمل حکومتی»، ملتزم و متمسک به مبانی، اصول و روش های منبعث از کتاب خدا باشند. تا زمانیکه «اقتصاد»، «سیاست» (داخلی و خارجی)، «تعلیم و تربیت»، «هنر» و هر علمی که با انسان و اصلاح انسان ها و جوامع انسانی مرتبط است، با مبانی «اسلامی» در جامعه پیاده سازی نشود، اصلاح واقعی و کامل در جامعه اتفاق نخواهد افتاد. چراکه بی تردید «دولت اسلامی»، زمینه ساز و مقدمه شکل گیری «جامعه اسلامی» خواهد بود.

همچنین، «بسط در علم» برای مدیران حکومتی، می تواند مصادیق متنوعی داشته باشد که یکی از آنها، قدرت ابتکار و خلاقیت علمی برای حل معضلات نظام اسلامی است. این نوع از «بسط در علم»، عموماً در «جوانان» بیشتر یافت می شود. ذهن جوان بگونه ای است که در مسائل نظری و ارائه راه حل، از «خلاقیت» و «ابتکار» بیشتری برخوردار است؛ و این، دقیقاً در نقطه مقابل روحیه سالخوردگان است که با گذشت سن، به تدریج از خلاقیت علمی و نظری آنان کاسته می شود.

خداوند متعال در آیه ای از قرآن کریم درباره توانایی های علمی سالخوردگان می فرماید: «وَ اللَّهُ خَلَقَكُمْ ثُمَّ يَتَوَفَّاكُمْ وَ مِنْكُمْ مَنْ يُرَدُّ إِلَى أَزْدَلِ الْعُمُرِ لِكَيْ لَا يَلْمَ بَعْدَ عِلْمٍ شَيْئاً إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ قَدِيرٌ؛ و خداوند شما را آفرید، سپس شما را می میراند؛ بعضی از شما به سنین بالای عمر می رسند، بطوری که بعد از علم و آگاهی چیزی نخواهند دانست. خداوند عالم و قادر است.» (نحل: ۷۰)

آیت الله مصباح یزدی در تفسیری روان شناختی از این آیه شریفه، می فرماید: «این آیه شریفه می تواند اشاره ای باشد به اینکه پذیرفتن «رأی جدید» یا «سلیقه تازه» برای «سالخوردگان» بسیار دشوار می شود و نیز استعداد تمرکز حواس، یعنی دقت، و همچنین قوه ضبط و نگهداری اموری که بر ذهن عارض می شوند، در آنان رو به ضعف می رود و این همه موجب می شود که آنان نتوانند مطلبی جدید بیاموزند.»^۱

روحیه خلاقیت و ابتکار علمی در نحوه مدیریت حضرت یوسف (ع)، که در سنین جوانی به زمامداری منصوب شد نیز کاملاً مشهود است؛ ایشان، هم توانست در عرصه اقتصادی، مصر را از قحطی نجات دهد و هم در عرصه فرهنگی، مردم مصر را خداپرست نماید.

همچنین مصداق دیگر «بسط در علم» می تواند «کسب علم» از طریق «تجربه» و «عمل» باشد. چراکه «علم» تنها زمانی «عمق»، «کیفیت»، «امتداد»، «بسط» و «رشد» می یابد و «بارور» و «شکوفه» می شود که وارد عرصه «عمل» شود.^۲ بنابراین، کسی که «تجربه حادقلی» از امور اجرایی و حکومتی نداشته باشد، مصداق «بسط در علم» در این آیه شریفه نخواهد بود.

۱. آیت الله مصباح یزدی، محمد تقی؛ جامعه و تاریخ در قرآن؛ ص ۱۷۰

۲. در روایات اهل بیت (ع)، نیز مکرراً به مسئله لزوم «عمل به علم» اشاره شده است. به عنوان نمونه، به چند روایت در این باره اشاره می شود:
الف. پیامبر اکرم (ص): «إِنَّ الْعِلْمَ يَهْتَفُ بِالْعَمَلِ، فَإِنْ أَجَبَهُ وَ إِلَّا رَ تَحَلَّى؛ علم، عمل را صدا می زند، اگر پاسخش را بدهد، می ماند و گر نه می رود.» (ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین؛ عوالی اللالی؛ ج ۴، ص ۶۶)

ب. پیامبر اکرم (ص): «لَا وَ لَ الْعَالِمُ مَنْ يَعْمَلُ بِالْعِلْمِ وَإِنْ كَانَ قَلِيلَ الْعَمَلِ؛ هان! عالم کسی است که به علم خود عمل کند، هر چند عمل اندکی باشد.» (ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی؛ ثواب الأعمال و عقاب الأعمال؛ ص ۲۹۳)

ج. امام امیرالمؤمنین (ع): «الْعِلْمُ رُشْدٌ لِقَبْلِ عَمَلٍ؛ علم، کسی را که به آن عمل نماید، «رشد» می دهد.» (تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد؛ تصنیف غررالحکم و درر الکلم؛ ص ۱۵۲)

د. امام امیرالمؤمنین (ع): «الْعِلْمُ بِالْعَمَلِ؛ علم، به عمل کردن است (و گر نه، علم نیست).» (تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد؛ تصنیف غررالحکم و درر الکلم؛ ص ۴۵)

همچنین یکی از روش های تحقق «بسط در علم»، «مشورت فراوان با نخبگان و اندیشمندان» برای حل مسائل و مشکلات کشور است. امام امیرالمؤمنین^(ع) در نامه به جناب مالک اشتر، در همین رابطه می فرماید:

«وَأَكْثَرُ مَدَارِ سَةِ الْعُلَمَاءِ وَ مَنَافَتَةِ الْحُكَمَاءِ فِي تَثْبِيتِ مَا صَلَحَ عَلَيْهِ أَمْرٌ بِالْإِدْكِ وَإِقَامِهِ مَا اسْتَقَامَ بِهِ النَّاسُ قَبْلَكَ؛ برای استوار ساختن آنچه امور شهرهایت را به سامان آورد و برپا داشتن نظام نیکیویی که مردم پیش از تو برپا داشته بودند، با دانشمندان فراوان گفت و گو کن و با فرزندان سخن بسیار بگو.»^۱

۲. نشاط جسمی

ویژگی لازم دیگر برای مسئولان اجرایی که به مدیریت بهتر آنان کمک می نماید، وجود «تیروی جسمی» بالا در آنان است. مفسران منظور از تعبیر «بسط در جسم» در این آیه شریفه را همین مسئله دانسته اند.^۲ این ویژگی نیز نوعاً در «جوانان» بیشتر یافت می شود. هر چه افراد از سن بالاتری برخوردار باشند، توانایی و نشاط لازم برای انجام کارهای اجرایی سخت را نخواهند داشت و بالعکس، افرادی که از نشاط جوانی بیشتری برخوردار باشند، قطعاً با سرعت و جدیت بیشتری کارها را به پیش خواهند برد.

در اهمیت این ویژگی همین بس که بدون آن، بسیاری از ویژگی های خوب دیگر یک مسئول اجرایی نیز عملاً در اداره حکومت کارآیی خود را از دست خواهند داد؛ به عبارت دیگر، مسئولی که تا حد زیادی عالم، عاقل، مؤمن و انقلابی باشد، اما برای عملیاتی نمودن تدابیرش، از نشاط جسمی کافی برخوردار نباشد، مسئول کارآمدی نخواهد بود.

۳. شجاعت و مقاومت

ویژگی دیگر طالوت، «شجاعت» بالای او بود؛^۳ شجاعتی که در سپاهیانیش نیز تجلی یافت و مطابق آیات پس از این آیه شریفه، توانستند با وجود تعداد اندک، در برابر لشگر فراوان و سر تا پا مسلح «جالوت» مقاومت نموده و نهایتاً

۱. امام امیرالمؤمنین^(ع): «مَا عَلِمَ مِنْ لَمْ يَعْلَمْ عَلِيمٌ؛ کسی که به علم خود عمل نکند، عالم نیست» (تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد: تصنیف غررالحکم و دررالکلم؛ ص ۱۵۳).
۲. امام امیرالمؤمنین^(ع).

۳. «مَا زَاكَ الْعِلْمُ بِعِلْمِ الْعَقْلِ بِهِ؛ هیچ چیز مانند بکار بستن علم، آن علم را «شد» ندهد» (تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد: تصنیف غررالحکم و دررالکلم؛ ص ۱۵۳).

۱. نهج البلاغه؛ نامه ۵۳.

۲. ر. ک. علامه طباطبایی، سیدمحمدحسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ ج ۲، ص ۲۸۷؛ آیت الله مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه؛ ج ۲، ص ۲۳۸.

۳. برخی مفسران تعبیر «بسط در جسم» در این آیه شریفه را کنایه از «شجاعت» طالوت دانسته اند (ر. ک. طبرسی، فضل بن حسن؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن؛ ج ۲، ص ۶۱۳).

همچنین در روایتی از امام باقر^(ع) نیز این تعبیر به «توانایی جسمی» و «شجاعت بالا» معنا شده است (ر. ک. قمی، علی بن ابراهیم؛ تفسیر القمی؛ ج ۱، ص ۸۱).

پیروز شوند.^۱ این ویژگی نیز برای مسئولان نظام اسلامی از ضروریاتی است که باز هم زمینه های روحی آن در «جوانان» بیشتر است.

«شجاعت» مسئولان، هم در عرصه «مقابله با دشمن خارجی» و هم در «عملیاتی نمودن تصمیمات داخلی» و «تحمل مشکلات داخلی» بسیار کارآمد خواهد بود.

مسئولان ترسو، سازشکار و راحت طلب، به سرعت و با کمترین فشار از سوی دشمن، خود و مردم و کشور خود را تسلیم دشمن می نمایند^۲ و در مواجهه با مشکلات و معضلات داخلی نیز همواره به دنبال آسان ترین راه حل ها هستند، نه بهترین آنها؛ آنان جرأت و جسارت عملیاتی نمودن تصمیمات بزرگ را نیز ندارند.

۴. ساده زیستی

ویژگی دیگر طالوت، که وجود آن در مسئولین نظام اسلامی نیز ضروری است، «ساده زیستی» است. این ویژگی، از این جمله بنی اسرائیل درباره او به خوبی نمایان است که در اعتراض به این انتخاب، به پیامبرشان گفتند: «وَلَمْ يَأْتِ سَعَةَ مِنَ الْمَالِ؛ و او ثروت زیادی ندارد».

ساده زیستی مسئولان آثار و فوائد بسیار مهمی دارد که نمی توان به سادگی از کنار آنها گذشت. از جمله این آثار عبارتند از: «اعتماد بیشتر مردم به نظام اسلامی و همراهی آنان با نظام اسلامی»^۳، «لمس کردن مشکلات مردم و

تحلیل و راه حل

۱. قرآن کریم در توصیف این رویارویی می فرماید: «قَالَ الَّذِينَ يَبْغُونُ أَنَّهُمْ مَلَأُوا اللَّهَ كَمِ مِنْ فِتْنَةٍ قَلِيلَةً عَلَيَّتْ فِتْنَةُ كَثِيرَةٍ يَإِذَا اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ» و «لَمَّا تَزَوَّجُوا وَجُودَهُ قَالُوا رَبَّنَا أَرْغُ عَلَيْنَا ضَرْبًا وَنُبْتَثْ أَقْدَامَنَا وَانْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ» فَهَرَمُوهُمْ يَإِذَا اللَّهِ وَ قَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ؛ (در میان لشکریان طالوت) آنها که می دانستند خدا را ملاقات خواهند کرد (و به روز رستاخیز، ایمان داشتند) گفتند، «چه بسیار گروه های کوچکی که به فرمان خدا، بر گروه های عظیمی پیروز شدند!» و خداوند، با صابران (و استقامت کنندگان) است. «و هنگامی که در برابر «جالوت» و سپاهیان او قرار گرفتند گفتند: «پروردگار! پیمان شکنیابی و استقامت را بر ما بریز! و قدمهای ما را ثابت بدار! و ما را بر جمعیت کافران، پیروز بگردان!» سپس به فرمان خدا، آنها سپاه دشمن را به هزیمت واداشتند. و «داوود» (نوجوان نیرومند و شجاعی که در لشکر «طالوت» بود)، «جالوت» را کشت. (نور: ۲۵۱-۲۴۹)

۲. رهبر معظم انقلاب درباره ضرورت و اهمیت وجود این ویژگی در مسئولان نظام اسلامی می فرماید: «شجاعت در برابر هیبت دشمن، جزء خاص شخص هاست. در مقابل دشمن اگر مسئولین کشور احساس رعب و خوف بکنند، بر سر ملت بلاهای بزرگ خواهد آمد. ملت هائی که ذلیل و مقهور دست دشمن شدند، عده ای علت این بود که مسئولان - پیشروان قافله ای ملت - شجاعت لازم، اعتماد به نفس لازم را نداشتند. گاهی در بین آحاد مردم عناصر مؤمن، فعال، فداکار، آماده ی جانبازی هستند، منتها مسئولین و رؤسا وقتی خودشان این آمادگی را ندارند، نیروهای آن ها هم از بین می رود و این طریقی هم نابود می شود. آن روزی که شهر اصفهان در دوره ی «شاه سلطان حسین» مورد غارت قرار گرفت و مردم قتل عام شدند و حکومت با عظمت صفوی نابود شد، خیلی از افراد غیور بودند که حاضر بودند مبارزه و مقاومت کنند؛ اما «شاه سلطان حسین» ضعیف بود. اگر جمهوری اسلامی دچار شاه سلطان حسین ها بشود، دچار مدیران و مسئولانی بشود که جرأت و جسارت ندارند؛ در خود احساس قدرت نمی کنند، در مردم خودشان احساس توانائی و قدرت نمی کنند، کار جمهوری اسلامی تمام خواهد بود. «۱۳۸۷/۰۹/۲۴» دیدار با اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت) ۳. امام امیرالمؤمنین^(ع)، اشرافی گری زمامداران را موجب طغیان و سرکشی مردم جامعه می داند که نتیجه ی بی اعتمادی آنها به مسئولان است: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى عَلَى فَرَضٍ عَلَى أَتَمِّهِ الْعَدْلُ أَنْ يَقْدَرُوا أَنْفُسَهُمْ بِضَعْفِهِ النَّاسِ كَيْلًا يَتَّبِعَ بِالْفَقِيرِ فَقْرَهُ، خِدَانِهِ بِمُشْوَاهِيهِ عَادِلٍ وَاجِبٌ كَرِهَهُ كَخُودِ رَا بِمَرْدَمِ نَاتَانِ هَمْسُو كَنَنْد، تَافِقِر وَ نَدَارِ، تَنگدست را به هیجان و سرکشی نیاورد.» (نهج البلاغه؛ خطبه ۲۰۹)

همدردی با آنان^۱، «تقویت پایداری و شجاعت در برابر دشمن»،^۲ «جلوگیری از نفاق ورزی و خیانت به نظام اسلامی»^۳ و «انتقال فرهنگ قناعت و صرفه جویی به مردم جامعه»^۱

رهبر معظم انقلاب در سالهای ابتدایی پس از دفاع مقدس که خطر اشرافی گری در میان برخی مسئولان در حال ظهور بود، در این زمینه^۱ ارتباط میان «ساده زیستی مسئولان» و «اعتماد مردم به نظام اسلامی»^۱ خطاب به مسئولان، بیانات مهمی را ایراد فرمودند که در پی نوشت^۱، در انتهای همین فصل، قابل مطالعه است.

۱. امام امیرالمؤمنین^(ع) در این باره می فرماید: «وَلَوْ شِئْتَ لَهْتَدَيْتَ الطَّرِيقَ إِلَى مُصْغَىٰ هَذَا الْعَسَلِ وَ لُبَّ هَذَا الْفَمِّحِ وَ نَسَاجِ هَذَا الْفَرِّ وَ لَكِنْ هَيْهَاتَ أَنْ يَغْلِبَنِي هَوَايَ وَ يَفْوَذَنِي جَشْعِي إِلَى تَحْبِيرِ الْأَطْعِمَةِ وَ لَعَلَّ بِالْحِجَارِ أَوْ الْيَمَامَةِ مَنْ لَا طَمَعَ لَهُ فِي الْقُرْصِ وَ لَا عَهْدَ لَهُ بِالشَّيْءِ أَوْ أَبَيْتَ مِثْلَانَا وَ حَوَّلِي بَطُونُ غَرْفِي وَ أَكْبَادُ حَرِّي أَوْ أَكُونُ كَمَا قَالَ الْفَاتِلُ: «وَحَسْبُكَ دَاهُ أَنْ تَبَيْتَ بَيْطَنَهُ وَ حَوْلَكَ أَكْبَادُ تَجَنُّ إِلَى الْقِدِّ» أَفْتَعُ مِنْ نَفْسِي بَأَنْ يَقَالَ هَذَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ لَا أَشَارُ لَهُمْ فِي مَكَارِهِ الذَّهْرِ أَوْ أَكُونُ أَسْوَدَ لَهُمْ فِي جُشُونِهِ الْعَيْشِ؛ من اگر می خواستم، می توانستم از عسل پاک، و از مغز گندم، و بافته های ابریشم، برای خود غذا و لباس فراهم آورم، اما هیاهات که هوای نفس بر من چیره گردد، و حرص و طمع مرا وادارد که طعامهای لذیذ برگزینم، در حالی که در «حجاز» یا «یمامه» کسی باشد که به قرص نانی نرسد، و یا هرگز شکمی سیر نخورد، یا من سیر بخوابم و پیرامونم شکمهایی که از گرسنگی به پشت چسبیده، و جگرهای سوخته وجود داشته باشند یا چنان باشم که شاعر گفت: «این درد تو را بس که شب را با شکم سیر بخوابی و در اطراف تو شکمهایی گرسنه و به پشت چسبیده باشد»؛ یا به همین رضایت دهم که مرا امیرالمؤمنین خوانند و در تلخی های روزگار با مردم شریک نباشم و در سختی های زندگی الگوی آنان نگردم.» (نهج البلاغه؛ نامه ۴۵)

۲. امام امیرالمؤمنین^(ع) با تشبیهی زیبا به این مسئله اشاره می نمایند: «كَأَنِّي بِقَائِلِكُمْ يَقُولُ إِذَا كَانَ هَذَا قُوْتُ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ فَقَدْ قَعَدَ بِهِ الصَّغْفُ عَنْ قِتَالِ الْأَفْرَانِ وَ مَنَازِلِ الشَّجَعَانِ الْأَوَّلِ إِلَى الشَّجَرَةِ الزَّرِّيَّةِ أَصْلَبُ عُودًا وَ الزَّوَاتِغِ الْخَضِرَةِ أَرْنَىٰ جُلُودًا وَ النَّبَاتِ الْعَذْبَةِ أَقْوَىٰ وَقُودًا وَ أَبْطَأُ خُمُودًا وَ أَنَا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ كَالضَّوءِ مِنَ الضُّوءِ وَ الذَّرَاعِ مِنَ الْعَصْدِ وَ اللَّهُ لَوْ تَطَاهَرَتِ الْعَرَبُ عَلَى قَتَالِي لَمَّا وَلَيْتَ عَنْهَا وَ لَوْ أَمَكْنَتِ الْقُرْصُ مِنْ قَائِلِيهَا لَنَاسَتْ عَنِّي أَلْبَانًا وَ سَأَجِدُ فِي أَنْ أُنْظِرَ الْأَرْضَ مِنْ هَذَا الشَّخْصِ الْمَعْكُوسِ وَ الْجَسْمِ الْمَرْكُوسِ حَتَّى تَخْرُجَ الْمَدْرَةُ مِنْ بَيْنِ حَبِّ الْخَصِيدِ؛ گویا می شنوم که شخصی از شما می گوید: «اگر غذای فرزندی ابی طالب همین است، پس سستی او را فرا گرفته و از نبرد با همواران و شجاعان باز مانده است». آگاه باشید که درختان بیابانی، چوبشان سخت تر، و درختان کناره جویبار پوستشان نازک تر است. درختان بیابانی که با باران سیراب می شوند آتش چوبشان شعله ورتر و پر دوام تر است. من و رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) چونان روشنائی یک چراغیم، یا چون آرنج به یک بازو پیوسته ایم، به خدا سوگند اگر اعراب در نبرد با من پشت به پشت یکدیگر بدهند، از آن روی بر نتایم، و اگر فرصت داشته باشم به پیکار همه می شتایم. و تلاش می کنم که زمین را از این شخص مسخ شده و این جسم کج اندیش (معاویه)، پاک سازم تا سنگ و شن از میان دانه ها جدا گردد.» (نهج البلاغه؛ نامه ۴۵)

حضرت امام خمینی^(ع) نیز در این باره می فرماید: «اگر بخواهید بی خوف و هراس در مقابل باطل بایستید و از حق دفاع کنید و ابرقدرتان و سلاح های پیشرفته آنان و شایطین و توطئه های آنان در روح شما اثر نگذارد و شما را از میدان بدر نکنند، خود را به ساده زیستی عادت دهید و از تعلق قلب به مال و منال و جاه و مقام بپرهیزید.» (امام خمینی^(ع)، روح الله؛ صحیفه امام^(ع)، ج ۱۹، ص ۱۱)

۳. قرآن کریم یکی از زمینه های خیانت به نظام اسلامی را «علاقه به مال» می داند که بی تردید یکی از نمودهای آن، زندگی های اشرافی در مسئولان است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَ تَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ * وَ اعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَ أَنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَخِرُ عَظِيمٌ» ای کسانی که ایمان آورده اید! به خدا و پیامبر خیانت نکنید! و (نیز) در امانات خود خیانت روا دارید، در حالی که میدانید (این کار، گناه بزرگی است) * و بدانید اموال و اولاد شما، وسیله آمایش است و (برای کسانی که از عهده امتحان بر آیند،) پاداش عظیمی نزد خداست! (نفاق: ۲۸-۲۷)

۵. توکل، ایمان و معنویت بالا

ویژگی دیگر طالوت، ایمان قوی و توکل بالا و انس دائمی او با خداوند بود.^۲ این ویژگی، مهمترین ویژگی مسئولان در نظام اسلامی است که باز هم باید گفت زمینه های آن، نوعاً در «جوانان»، قوی تر و بیشتر است و این مسئله، بر شجاعت ذاتی آنان می افزاید.

تأمل در آیات مربوط به «اصحاب کهف» نشان می دهد که دو علت «اقدام شجاعانه» آنان در قیام بر علیه دستگاه حکومتی ظالم زمان خود، عبارت بود از: «ایمان و توکل قوی» و «نیروی جوانی»: «نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُم بِالْحَقِّ إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَ زِدْنَاهُمْ هُدًى * وَ رَبَّنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ إِذْ قَامُوا فَقَالُوا رَبُّنَا رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَنْ نَدْعُوَ مِنْ دُونِهِ إِلَهًا لَقَدْ قُلْنَا إِذًا شَطَطًا» ما داستان آنها را به حق برای تو بازگو می کنیم، آنها جوانانی بودند که به پروردگارشان ایمان آورده بودند، و ما بر هدایتشان افزودیم. * ما دلهای آنها را محکم ساختیم در آن هنگام که قیام کردند و گفتند: پروردگار ما پروردگار آسمانها و زمین است، هرگز غیر او معبودی را نمی پرستیم که اگر چنین گوئیم سخنی به گزاف گفته ایم.» (کهف: ۱۴-۱۳)

تعبیر «فتیه» در این آیات شریفه نشان می دهد که اصحاب کهف، همگی و یا اغلب آنان، «جوان» بودند؛ تعبیر «آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَ زِدْنَاهُمْ هُدًى» دلالت بر «ایمان سرشار» آنان دارد؛ و تعبیر «وَرَبَّنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ» و «إِذْ قَامُوا» و سخنانی که در مخالفت با عقیده حاکم ظالم زمان خود بیان نمودند، دلالت بر «شجاعت» زیاد آنان دارد و نشان می دهد که آنان جوانانی انقلابی، نترس و اهل اقدام و قیام بودند.^۳

۱. امام امیرالمؤمنین^(ع) در روایتی که بی تردید یکی از مصادیق آن، مسئله ساده زبستی یا اشرافی گری مسئولان است، می فرماید: «التَّائِسُ بِأَمْرَائِهِمْ أَشْبَهُ مِنْهُمْ بِأَبَائِهِمْ» مردم به مسئولینشان شبیه ترند تا به پدرانشان. (حرانی، ابن شعبه؛ تحف العقول؛ ص ۲۰۸)

رهب معظم انقلاب نیز در این زمینه می فرماید: «یک وقت هست که مادر زندگی شخصی خود مثلاً حرکت اشراف گونه بی دین بهمین خودمان و خدا؛ که اگر حرام باشد، حرام است؛ اگر مکروه باشد، مکروه است؛ اگر مباح باشد، مباح است؛ اما یک وقت هست که ما جلوی چشم مردم یک مانور اشرافیگری میدهم؛ این دیگر مباح و مکروه ندارد؛ همایش حرام است؛ به خاطر این که تعلیم دهنده اشرافیگری است؛ به اولاد پیر دست های خودمان، ثانیاً احاد مردم به این کار تشویق می شوند. ما نباید مردم را به این کار تشویق کنیم. ممکن است در داخل جامعه کسانی بولدار باشند و ریخت و پاش کنند - البته این کار بدی است، ولی به خودشان مربوط است - اما ریخت و پاش ما اولاد جیبمان نیست؛ از بیت المال است؛ ثانیاً ریخت و پاش ما مشوق ریخت و پاش دیگران است. واقعاً «التَّائِسُ عَلَى دین ملوک» «ملوک» در اینجا به معنی «پادشاهان» نیست که بگوییم ما پادشاه نداریم؛ نه، «ملوک» شماها هستید؛ التَّائِسُ عَلَى دین ماها» (۱۴/۶/۸)، دیدار با اعضاء هیئت دولت نهم) ۲. از برخی تعبیر این آیه شریفه می توان به این ویژگی طالوت پی برد. چرا که اولاً طالوت برگزیده خداوند بود: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاَ عَلَيْنِكَ»؛ ثانیاً خداوند با بسط در «علم» و «جسم»، بر ظرفیت و کمال روحی او افزود: «وَزَادَهُ نُسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ»؛ و ثالثاً خداوند مُلک و سلطنتش را به او اعطاء نموده بود تا به تدبیر امور بندگان خدا بپردازد: «وَاللَّهُ يُؤْتِي مَلِكُهُ مَن يَشَاءُ»؛ که خداوند در این موارد معیار اعطاء را «صلاح» و «تقوا» قرار داده است. (آیت الله جوادی آملی، عبدالله؛ تفسیر تسنیم؛ ج ۱، ص ۶۴۲) بر این اساس، خداوند فردی را که از صفای باطن و ملکات اخلاقی برخوردار بود، برای این کار برگزید. (همان؛ ص ۶۴۰) همچنین توکل بالای طالوت به خداوند که در جهاد نابرابر با سپاه جالوت و نترسیدن از او نمایان بود، ایمان قوی او را فریاد می زند. (بقره: ۲۵۱-۲۴۹)

۳. اصولاً باید گفت توکل بالا و ایمان قوی به خداوند و اعتماد و حسن ظن به وعده های الهی، بر شجاعت انسان در برابر غیر خدا و بخصوص دشمنان نیز می افزاید؛ و این توکل و ایمان حاصل نمی شود، جز با انس و اتصال دائمی با خداوند؛ و این مسئله، برای

از سوی دیگر، یکی از آسیب‌های احتمالی افزایش سن، افزایش تعلقات مادی، افزایش گناهان و نهادینه شدن برخی ردایل اخلاقی است که این مسئله مقاومت انسان در برابر وسوسه‌های شیطانی را کاهش می‌دهد. قرآن کریم یکی از دلایل مخالفت برخی اصحاب پیامبر (ص) در جنگ احد با امر ایشان مبنی بر رها نکردن تنگه راه، گناهانی می‌داند که روحشان به تدریج آنها را کسب کرده بود:

«إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا؛ شَيْطَانُ أَتَانَهُ رَا بَرِ اثْرٍ يَارَاهُ مِنْ أَتَانِهِ (از گناه) کَسَبَ كَرْدَهُ بُوْدُنْد، بَه لَغْزُشِ اِنْدَاخْت.» (آل عمران: ۱۵۵)

اصولاً باید گفت مقاومت در برابر وسوسه‌های شیطانی، برای کسانی که در طول عمرشان، گناهان متعددی مرتکب شده‌اند، سخت‌تر می‌شود؛ و عموماً جوانان، به دلیل سن کمتر و پابندی کمتر به تعلقات مادی، کمتر در معرض این آسیب هستند.

به عبارت دیگر، یکی از آسیب‌های احتمالی (نه حتمی) افزایش سن، پیدایش «قساوت قلب» در انسان است که او را به مخالفت با اوامر خدا و ولی خدا می‌کشاند. پیامبر اکرم (ص) در روایتی به این مسئله اشاره می‌فرماید: «وَصِيكُمْ بِالشَّبَانِ خَيْرًا فَإِنَّهُمْ أَرْقُ أَفْنِدُهُ؛ إِنَّ اللَّهَ بَعَثَنِي بَشِيرًا وَنَذِيرًا، فَحَالَفَنِي الشَّبَانُ وَخَالَفَنِي الشُّيُوخُ. ثُمَّ قَرَأَ: «فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ»؛ شما را درباره جوانان به نیکی سفارش می‌کنم؛ چرا که آنان قلب‌های رقیقی دارند؛ به راستی که خداوند مرا بشیر و نذیر مبعوث کرد؛ پس جوانان با من پیمان بستند (و بیعت کردند) و سالمندان با من مخالفت نمودند. آنگاه حضرت این آیه شریفه را قرائت نمود: سپس زمانی طولانی بر آنها گذشت و دل‌هایشان قساوت پیدا کرد.» (حدید: ۱۶)

همچنین یکی از آسیب‌های روحی دوران پیری، تشدید برخی امیال نفسانی در انسان است که خصوصاً در عرصه مسئولیت‌های اجرایی، می‌توانند منشأ مفاسد اخلاقی، اقتصادی و سیاسی متعددی باشند. پیامبر اکرم (ص) در روایتی می‌فرماید:

«وَيَهْرَمُ ابْنُ آدَمَ وَ تَشَبُّهُ مِنْهُ اثْنَتَانِ الْحِرْصُ وَالْأَمَلُ؛ زمانیکه انسان پیر می‌شود دو خصلت در او جوان می‌شود: حرص و آرزو.»^۲

مسئولاتی که از یک سو در حال مبارزه و جهاد و از سوی دیگر دائماً در معرض جلوه‌های گوناگون و فریبنده دنیای و تهدیدات و تبلیغات و تطمیعات دشمنان هستند، از اهمیت فوق العاده‌ای برخوردار است. به همین دلیل امام امیرالمؤمنین (ع) در نامه به جناب مالک اشتر می‌فرماید: «وَاجْعَلْ لِنَفْسِكَ فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ اللَّهِ أَفْضَلَ تِلْكَ الْمُؤَاقِبَةِ وَ أَجْزَلَ تِلْكَ الْأَقْسَامِ؛ باید بهترین اوقات و بهترین بخش‌های عمرت را برای خلوت با خدا قرار دهی.» (نهج البلاغه؛ نامه ۵۳)

رهبر معظم انقلاب درباره اهمیت توکل بر خداوند و تقویت معنویت در مبارزات، به معنویت بالای حضرت امام (ع) اشاره می‌نماید که این معنویت و توکل بالا، موجب شده بود تا شجاعت و مقاومت ایشان نیز بیشتر شود. برای مطالعه بیانات معظم له به پی نوشت ۲ در انتهای همین فصل مراجعه نمایید.

۱. آیت الله محمدی ری شهری، محمد؛ پیامبر اعظم «صلی الله علیه و آله و سلم»؛ از نگاه قرآن و اهل بیت «علیهم السلام»؛ ص ۱۸۰
۲. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی؛ تحف العقول؛ ص ۵۶

بنابراین دوران پیری و سالخوردگی، با چند آسیب جسمی، فکری و روحی همراه است: ضعف جسمانی و رخوت، عدم خلاقیت و ابتکار، ترس و محافظه کاری، جسارت اقدام نداشتن و تشدید برخی امیال نفسانی فسادآور.

همچنین در مقابل، دوران جوانی از مزیت های جسمی، فکری و روحی فراوانی برخوردار است که زمینه را در جوانان برای پذیرش مسئولیت های اجرایی فراهم می نماید: نشاط کاری و عمل مجاهدانه، شجاعت در اقدام، خلاقیت و ابتکار علمی و زمینه های روحی مساعدتر برای افزایش ایمان و تقویت معنویت.^۱

پی نوشت ها

۱. رهبر معظم انقلاب درباره لزوم ساده زیستی مسئولان و اعتماد بیشتر مردم به نظام اسلامی می فرماید: «شما چگونه می خواهید محبت و اطمینان مردم را جلب کنید؟ مردم باید به من و شما اعتماد داشته باشند. اگر ما دنبال مسایل خودمان رفتیم، به فکر زندگی شخصی خودمان افتادیم، دنبال تجملات و تشریفاتمان رفتیم، در خرج کردن بیت المال هیچ حدی برای خودمان قایل نشدیم- مگر حدی که در دسر قضایی درست بکند!- و هر چه توانستیم خرج کردیم، مگر اعتماد مردم باقی می ماند؟ مگر مردم کورند؟ ایرانیان همیشه جزو هوشیارترین ملت ها بوده اند؛ امروز هم به برکت انقلاب از هوشیارترین هایند؛ از هوشیارها هم هوشیار ترند. آقایان! مگر مردم نمی بینند که ما چگونه زندگی می کنیم؟ آن وقتی که جوان حزب اللهی ما به جهاد یا به سپاه یا به فلان وزارتخانه می رفت و به او می گفتند که چه قدر حقوق می خواهی، می گفت این حرف ها چیست، مگر من برای حقوق آمده ام؟ اصرار می کردند که بالاخره زندگی خودت و زن و بچه ات باید بگردد؛ یک چیزی بگیر. به نظر شما اینها افسانه است؟ به نظرم اگر شما بروید در دنیا این را نقل کنید، چنانچه کسی وضع چند سال قبل ما را ندیده باشد، خواهد گفت که افسانه است؛ ولی این واقعیت است. این رویداد، در همین ایران و در همین تهران و در همین وزارتخانه های ما اتفاق افتاد؛ یکی، دو مورد هم نبود. نماینده ای مجلس، وقتی اول بار به او حقوق دادند، خجالت کشید حقوق را بگیرد! بعضی از دوستان مادر دوره ای اول نمایندگی مجلس، شرمشان آمد و ننگشان کرد که حقوق بگیرند! گفتند ما حقوق بگیریم؟! برادران! من و شما داریم از آن ذخیره می خوریم؛ فراموش نکنید، آن را مردم دیدند. نمی شود مادر زندگی مادّی مثل حیوان بچریم و بغلتیم و بخواهیم مردم به ما به شکل یک اسوه نگاه کنند؛ مردمی که خیلی شان از اولیات زندگی محرومند. در این راه، از خیلی چیزها باید گذشت. نه فقط از شهوات حرام، از شهوات حلال نیز باید گذشت ... کمتر خرج کنیم، کمتر بذل و بخشش بیجا کنیم، کمتر به زندگی شخصی خودمان بپردازیم. من و شما همان طلبه یا معلم پیش از انقلابیم. یکی از شماها معلم بود، یکی دانشجو بود، یکی طلبه بود، یکی منبری بود،

۱. به دلیل وجود چنین زمینه هایی در جوانان است که رهبر انقلاب اسلامی، پیشرفت آینده کشور را متوقف بر حضور و تأثیر گذاری جوانان مؤمن، متعهد، انقلابی، خردمند، پرانگیزه و پر تلاش در عرصه های اجرایی و فکری می داند. برای مطالعه بیانات ایشان در این زمینه، به پی نوشت ۲، در انتهای همین فصل مراجعه فرمائید.
۲. بدیهی است که اهمیت دادن به جوانان در مسئولیت های اجرایی نباید موجب غفلت از مشورت با افراد با تقوا و با تجربه ای شود که پیش از آنان در مسئولیت های اجرایی بوده اند.

همه‌مان این‌طور بودیم؛ اما حالا مثل عروسی اشراف عروسی بگیریم! مثل خانه‌ی اشراف خانه درست کنیم! مثل حرکت اشراف در خیابان‌ها حرکت کنیم! اشراف مگر چگونه بودند؟ چون آنها فقط ریششان تراشیده بود، ولی ما ریشمان را گذاشته‌ایم، همین کافی است؟! نه، ما هم «مترفین» اثر و تمندان مست در خوشگذرانی می‌شویم. والله در جامعه‌ی اسلامی هم ممکن است «مترف» به وجود بیاید. از آیه‌ی شریفه‌ی «وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا» (اسراء: ۱۶) بترسیم. «تُرف»، «فسق» هم دنبال خودش می‌آورد... اگر مبلغی از مخارج دولت، عبارت از تغییر دکوراسیون اتاق مدیر کل و معاون وزیر و وزیر و فلان مسؤول قضایی و فلان مسؤول در بخشهای گوناگون دیگر باشد، این جرم و خطاست... به حد ضرورت اکتفا کنید و اندازه نگه دارید؛ اینها ما را از مردم دور می‌کند، روحانیون را از مردم دور می‌کند. روحانیون، به تقوا و ورع و بی‌اعتنایی به دنیا در چشم‌ها شیرین شدند. بدون ورع و بدون دور انداختن دنیا، نمی‌شود در چشم‌ها شیرین ماند. مردم رودربایستی ندارند؛ خدا هم با کسی رودربایستی ندارد.» (۱۳۷۰/۵/۲۳؛ دیدار با مسئولان نظام)

تحلیل و تائیدها

۲. رهبر معظم انقلاب درباره اهمیت معنویت و خودسازی در عرصه جهاد سیاسی و فرهنگی می‌فرماید: «به اعتقاد من بایستی مهم‌ترین امر در ذهنتان این باشد که به خدا توکل کنید و حقیقتاً به معنای واقعی کلمه از او کمک بخواهید و از او استغاثه کنید. اشخاص ما، عجزه‌ی بیش نیستیم؛ این عجز را بایستی به قدرت بی‌نهایت پروردگار وصل کنیم، تا بکلی آسیب‌ناپذیر شویم. من طهارت و صفای شما را می‌دانم؛ اما روز به روز باید این بیشتر بشود. توسلات و توجهات‌تان را به پروردگار بیشتر کنید. نوافل مخصوصاً نافله‌ی شب وسیله‌ی مهمی است. شما ببینید که خداوند متعال در سوره‌ی مزمل با پیامبر خودش چگونه حرف می‌زند. بعد از آنکه او را به برخاستن در شب و تضرع در نیمه‌ی شب امر می‌کند، می‌فرماید: «إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا؛ همانا ما به زودی سخن سنگینی به تو القاء خواهیم نمود.» (مزمل: ۵) البته قیام او با قیام امثال ما فرق می‌کند؛ طبعاً آن ثقلی که بر دوش آن بزرگوار بود، با ثقل‌هایی که بر دوش لاغر و ضعیف ما هست، فرق می‌کند؛ به همان نسبت، خود ما هم کوچک و ضعیفیم و همان تمرین برای ما هم لازم است.

من در زندگی امام بزرگوارمان (رضوان الله تعالی علیه) این را یافته‌ام که وقتی بار عظیمی بدون سابقه بر دوش او قرار می‌گرفت، با اتصال و ارتباط معنوی و قلبی، خودش را تقویت می‌کرد. در این اواخر، معمولاً ایشان در ماه رمضان با کسی ملاقات نمی‌کردند. من بعد از ماه رمضان که ایشان را زیارت می‌کردم، به وضوح می‌دیدم که نورانی‌تر شده‌اند؛ به خاطر همین نورانیت بود که ایشان تا آخرین ماه‌های عمرشان مثل کوه ایستاده بودند. سن پیری معمولاً فصل ضعف و انحطاط جسمی و روحی در انسان است؛ ولی جوان از لحاظ روحی و جسمی هر دو قوی است؛ اما این را بایستی به خدای متعال وصل کند، تا در او هیچ چیزی نفوذ نکند. به هر حال، در این مبارزه‌ی عظیمی که در مقابل شماسست و باید آن را ادامه بدهید، من تقویت جانب معنوی را واجب می‌دانم.» (۱۳۷۰/۱۲/۱۲؛ دیدار با اعضای کادر مرکزی جنبش انقلابی حزب الله لبنان)

ایشان همچنین در بیانات دیگری، جوانان را به تقویت بنیه‌های معنوی برای کسب آمادگی در انجام کارهای بزرگ توصیه می‌فرمایند: «بار سنگینی بر دوش دارید و برای تحمل آن، بنیه‌ی معنوی قوی‌ای لازم است. «إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا» همانا ما به زودی سخن سنگینی به تو القاء خواهیم نمود.» (مزمّل: ۵) حضرت حق، به پیغمبر و عزیز و حبیب خودش که برترین انسان‌ها در طول تاریخ، از اولین و آخرین بود، خطاب فرمود که نماز شب را بخوان. نیمه‌شب برخیز، ارتباط و اتصال خود را مستحکم کن؛ چون کار سنگینی در پیش داری. «إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا» تحمل این بار، سخت است. آنانی که در وسط این راه پر دشمن و شیطان، لرزیدند، لغزیدند، منصرف شدند، به دشمن پیوستند، یا به آفات دیگر مبتلا شدند، این جای کارشان - معنویت - عیب داشته است... شما جوانید؛ دل‌های شما نورانی است و تعلقاتتان کم است؛ اما همیشه این طور نمی‌مانید. این سرمایه را امروز فراهم کنید تا آن روز که گرفتاری‌ها و تعلقات از اطراف به شما حمله کرد، بتوانید از آن ذخیره‌ی معنوی خود استفاده کنید. من یقین دارم، آن پیرمرد نورانی، معنوی، عالم، زاهد و عارف که این انقلاب با دست توانای او بنا، غرس، آبیاری و میوه چینی شد، اگر در جوانی، آن راز و نیازها و آن عبادت‌ها، تفکرها و توسل‌ها را نداشت و آن دل مؤمن و نورانی در او پدید نمی‌آمد، این کارهای بزرگ از او صادر نمی‌شد... معمولاً پیرمرد، در زودتر از این سن بازنشسته می‌شوند و حال اداره‌ی زندگی شخصی خودشان را هم ندارند؛ اما امام (ع) در آن سن، چنین بنای عظیم و توصیف‌ناپذیری را به وجود آوردند و در مقابل دشمن، آن طور ایستادند که انسان از شجاعت و پایداری ایشان در مقابل حوادث و مصائب، مبهور می‌ماند. در همین قم، اوایل انقلاب، به مناسبتی ما خدمت ایشان رسیده بودیم. صحبتی شد و ایشان در باره‌ی «سید احمد آقا» مطلبی را فرمودند که درست و دقیق، یادم نیست. اما مضمون

آن این بود که «اگر این احمد را بگیرند یا شکنجه کنند و یا بکشند، من در باطن قلبم هم متزلزل نخواهم شد. نه اینکه بخواهم خودم را نگهدارم، تظاهر و تصبر کنم». این، تعبیر ایشان بود.» (۱۳۷۴/۰۹/۱۶؛ دیدار با روحانیون و طلاب ایرانی و خارجی)

۳. ایشان در بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به جوانان می فرمایند: «ما راه طی شده، فقط قطعه‌ای از مسیر افتخارآمیز به سوی آرمان‌های بلند نظام جمهوری اسلامی است. دنباله‌ی این مسیر که به گمان زیاد، به دشواری گذشته‌ها نیست، باید با همت و هشیاری و سرعت عمل و ابتکار شما «جوانان» طی شود. مدیران جوان، کارگزاران جوان، اندیشمندان جوان، فعالان جوان، در همه‌ی میدان‌های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و بین‌المللی و نیز در عرصه‌های دین و اخلاق و معنویت و عدالت، باید شانه‌های خود را به زیر بار مسئولیت دهند؛ از تجربه‌ها و عبرت‌های گذشته بهره گیرند؛ نگاه انقلابی و روحیه‌ی انقلابی و عمل جهادی را به کار بندند و ایران عزیز را الگوی کامل نظام پیشرفته‌ی اسلامی بسازند.» (۱۳۹۷/۱۱/۲۲؛ بیانیه گام دوم انقلاب)

ایشان همچنین در بخش دیگری از این بیانیه حکیمانه، فعال نمودن ظرفیت‌های بی‌شمار طبیعی و انسانی موجود در کشور که با غفلت دست‌اندرکاران، تاکنون بی‌استفاده یا کم‌استفاده مانده است، را با وجود «همت‌های بلند» و «انگیزه‌های جوان و انقلابی» قابل تحقق می‌دانند و در ادامه می‌فرمایند: «بسیاری از ظرفیت‌ها دست‌نخورده مانده است. گفته شده است که ایران از نظر «ظرفیت‌های استفاده‌نشده‌ی طبیعی و انسانی» در «رتبه‌ی اول جهان» است. بی‌شک شما «جوانان مؤمن و پُر تلاش» خواهید توانست این «عیب بزرگ» را برطرف کنید. دهه‌ی دوم چشم‌انداز، باید زمان تمرکز بر بهره‌برداری از دستاوردهای گذشته و نیز ظرفیت‌های استفاده‌نشده باشد و پیشرفت کشور از جمله در بخش تولید و اقتصاد ملی ارتقاء یابد.» (۱۳۹۷/۱۱/۲۲؛ بیانیه گام دوم انقلاب)

ایشان همچنین در این بیانیه، نسخه عبور از چالش‌های اقتصادی را «اقتصاد مقاومتی» می‌دانند که یک مجموعه‌ی جوان و دانا و مؤمن و مسلط بر دانسته‌های اقتصادی در درون دولت خواهند توانست آن را تحقق بخشند.

ایشان همچنین در بیانات دیگری در تشریح بخش‌هایی از بیانیه گام دوم انقلاب می‌فرمایند: «ما به یک حرکت عمومی به سمت آن چشم‌انداز نیاز داریم؛ باید یک حرکت عمومی در کشور راه بیفتد؛ البته این حرکت وجود دارد، منتها بایستی «انضباط» پیدا کند، «سرعت» پیدا کند و پیشرفت به سمت آن چشم‌انداز

«محسوس» باشد. این حرکت طبعاً با محوریت «جوان متعهد» است؛ «جوان های متعهد»، محور این حرکتند... اینها هستند که اگر «متعهد» باشند، می توانند در «نظام مدیریت کشور» یک تحوّل عظیمی را به وجود بیاورند... طبعاً اگر «نسل جوان» وارد عرصه مدیریت شد، و مدیران ارشد نظام از جمله ی «جوان های متعهد» [شدند] - که من گفتم «جوان های متعهد حزب الهی»، یعنی واقعاً باید «حزب الهی» باشند؛ به معنای درست کلمه ی «حزب الهی» - آن وقت آن حرکت عمومی کشور طبعاً «استمرار» پیدا می کند، «سرعت» پیدا می کند و انجام می گیرد... بنابراین، اگر چنانچه ان شاء الله شما جوان ها با این حرکت ها پیش بروید و زمینه را برای روی کار آوردن یک «دولت جوان و حزب الهی» آماده کنید، بنده معتقدم که بسیاری از این نگرانی های شما و دغدغه های شما و غصه های شما پایان خواهد پذیرفت؛ این غصه ها هم البته فقط مخصوص شماها نیست.» (۱۳۹۸/۳/۱)

دیدار با جمعی از دانشجویان

